



کتاب های من

Ketabton.com

مستوفى عمرزى

به نام آفریده کار بی همتا

کتاب های من

(به ترتیب الفبا)

مصطفی عمرزی

مشخصات کتاب

نام: کتاب های من
(به ترتیب الفبا)
نویسنده: مصطفی عمرزی
زبان: دری افغانی
تایپ و دیزاین: م.ع
شمار صفحات: ۱۸۹
نوبت چاپ: اول
ناشر: صاحب اثر
سال: ۱۳۹۹ش
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

حق نشر محفوظ است!

در این کتاب:

- ۱- کتاب های من..... ۱
- ۲- آرکایسم..... ۵
- ۳- آریایسم..... ۸
- ۴- آیین های سخیف..... ۱۱
- ۵- اتحاد شوروی در افغانستان..... ۱۳
- ۶- ارتجاع و مرتجع..... ۱۶
- ۷- افغان ها..... ۱۹
- ۸- افغاننامه..... ۲۱
- ۹- افغان زمین..... ۲۳
- ۱۰- افغان ها قبل از جنگ..... ۲۵
- ۱۱- افغان ها و انگلیس ها..... ۲۹
- ۱۲- افغانستان در پیچ و خم سیاست..... ۳۲
- ۱۳- افغانستان و بازار آزاد..... ۳۵
- ۱۴- اگر جهانیان شکست بخورند؟..... ۳۷
- ۱۵- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع..... ۳۹
- ۱۶- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان..... ۴۲
- ۱۷- با زبان دری..... ۴۵
- ۱۸- به رنگ آبی..... ۴۸
- ۱۹- پاسخ..... ۵۱
- ۲۰- پشتون ها..... ۵۳
- ۲۱- پندار ستمی..... ۵۶
- ۲۲- پور خرد..... ۶۰
- ۲۳- پی آمد تصویر..... ۶۲
- ۲۴- تا حصار پنتاگون..... ۶۴
- ۲۵- تاریخ عمیق..... ۶۶
- ۲۶- تامل و تعامل فرهنگی..... ۶۸

- ۲۷- تخت دهلی را فراموش می کنم!..... ۷۱
- ۲۸- تنقید روحانیت مرتجع..... ۷۳
- ۲۹- چهار یادواره..... ۷۶
- ۳۰- حقیقت خورشید..... ۷۸
- ۳۱- چهره های سیاسی افغان..... ۸۰
- ۳۲- در جغرافیای جهان سوم..... ۸۲
- ۳۳- در قلب کرملین..... ۸۶
- ۳۴- در متن مدعا..... ۸۹
- ۳۵- دُر دری..... ۹۴
- ۳۶- درست نویسی پشتو..... ۹۶
- ۳۷- دری افغانی..... ۹۸
- ۳۸- در هرج و مرج زیستن..... ۱۰۱
- ۳۹- در محور بنیان اندیشی..... ۱۰۳
- ۴۰- در منظر بیگانه..... ۱۰۵
- ۴۱- ذهنیت متنازع..... ۱۰۷
- ۴۲- رسانه های کنونی افغانی..... ۱۰۹
- ۴۳- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها..... ۱۱۲
- ۴۴- رنسانس افغانستان..... ۱۱۵
- ۴۵- روزگار..... ۱۱۸
- ۴۶- روشنگری و روشنفکری..... ۱۲۰
- ۴۷- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند..... ۱۲۲
- ۴۸- ساختار هندسی شعر پشتو..... ۱۲۵
- ۴۹- سخن در سخن..... ۱۲۷
- ۵۰- سمتی و ستمی..... ۱۳۰
- ۵۱- سیر فرهنگی..... ۱۳۳
- ۵۲- صحبت های مغاره نشینان..... ۱۳۵
- ۵۳- صلح و اعتدال..... ۱۳۸

- ۵۴- فساد نزدیک..... ۱۴۰
- ۵۵- فقر فرهنگی..... ۱۴۲
- ۵۶- قبرستان امپراتوری ها..... ۱۴۴
- ۵۷- کتاب من..... ۱۴۶
- ۵۸- ما «همه» افغان استیم!..... ۱۴۸
- ۵۹- محوطه ی سیاه..... ۱۵۱
- ۶۰- محمد نادر «نعم»..... ۱۵۴
- ۶۱- محمد شفیق گل آقا «شیرزی»..... ۱۵۶
- ۶۲- مرز و بوم..... ۱۵۹
- ۶۳- مثنوی تاریخ..... ۱۶۱
- ۶۴- معنی..... ۱۶۳
- ۶۵- ملی رسالت..... ۱۶۵
- ۶۶- ناگفته های ارگ..... ۱۶۷
- ۶۷- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی..... ۱۷۳
- ۶۸- نوستالژی خارجی..... ۱۷۵
- ۶۹- ویرانگری..... ۱۷۷
- ۷۰- هنر در سینمای افغانان..... ۱۷۹
- ۷۱- یک قرن در تاریخ و افسانه..... ۱۸۲
- ۷۲- معرفی مصطفی عمرزی..... ۱۸۴

- کتاب های من

- (مقدمه)

در نگاه نخست، این کتاب، فهرست کتاب های من است، اما تنظیم کتاب هایم را به این منظور اهم دانسته ام که در زمینه ی کار فرهنگی ما، نگرش ژرف و ویژه ای را دنبال می کنند که بیشتر در یک دهه ی پسین، کاملاً اجندایی و استراتژیک، پی گیری می کردم.

من از اوایل مکتب نوشته ام، اما تا دهه ی هشتاد شمسی که در عرصه ی ژورنالیسم، عملاً وارد میدان شدم، استمرار تخلیق نداشتم. با این حال، حس محرک و شگفتی مرا وامی داشت بنویسم. چنین منشه که ظرفیت ذاتی را معرفی می کند، طیف ما را در کار تخلیق ادبی بیشتر در بر گرفته، اما فضای آلوده ی سیاسی، کمتر مجال داده با تمایل به فرامرز ها بنویسیم.

در آغاز این تمهید آوردم که سوا از ظاهر تدوین این کتاب، اثرات و تبعات در یک جامعه ی دچار نوسان های شدید، به گونه ای روی نوع نگرش ما سایه می افکنند که محال است از آن ها حذر کرد. با این حال، آن چه مهم به نظر می رسد، درک اولویت هاست.

درست است که ناگزیریم در تکدر سیاسی بنویسیم، اما با شناخت مردمی که در این کشور در یک خانواده ی چندین قومی با درصد بالای خویشی زنده گی می کنند- حتی با نوع نگرش سیاسی- بایست در تعریف مشکلات، اصول اخلاقی همه شمول انسانی را ترجیح داد!

با ناگزیری میلان در زمینه ی سیاسی، اما همواره به ریشه ها توجه داشته ام. این نوع گزینش کار، بر اساس نگرش دقیق و عمیقی بود/ است که قبل از وارد شدن به تقابل و تنازع صلاح افغان ها، مرا مشغول می کرد.

در زمینه ی هفتاد عنوان کتاب این مجموعه، هرچند تنوع سوژه، مستند است، اما در اکثر آن ها رعایت جانب منافع ملی و تعریف مدنی مردمی که افغان نامیده می شوند و در سه سده ی پسین، به شان دولرداری و کشورداری رسیده اند، در محور اکثریت آن/ پشتون ها که هسته ی اکثر چرخش های مثبت معاصر(ساخت زیربنا ها، تاسیسات بزرگ دولتی، مکاتب، پوهنتون ها، راه ها، شاهراه ها، سیستم های حقوقی، فعالیت های فرهنگی، رسانه یی و...) به شمار می روند، این تامل همیشه وجود داشته که هنگام تنقید نیز بایسته است با نوع مثبت به پیرامون بنگریم. در این تامل، درک روحیات مردم که در عرصه ی سیاسی، صاحب نام و نشان واضح جهانی اند(افغان و افغانستان) بسیار مهم می باشد. این اصل که باید در جای اول احترام ما قرار داشته باشد، موضع من در قبال گذشته و آینده ی این کشور است.

خطوط واضح افغانستان، ما را در برابر تلقیات مختلف، از جمله فرهنگی و تاریخی دلخواه که در حوزه ی به اصطلاح اشتراکات، گرداب استحاله ی سیاسی نیز است، وقایه می کنند.

ما در جوار مقوله های پان ها زنده گی می کنیم. این مقوله ها بر اساس تلقیات خاص فرهنگی و تاریخی، پیش زمینه های استحاله هستند. بی دلیل نیست که عقب تحمیق آریایی، خراسانی و

فارسی، داعیه ی سیاسی ایرانی، تمامیت ارضی منطقه را تهدید می کند.

در یک همسویی محتوایی اکثر کتاب های این مجموعه که به بیش از ۱۵ سال کار متواتر و سنگین فرهنگی من برمی گردد، خطوط اساسی افغانستان و افغان با تعریف مشخص گذشته، حال و منافع ملی، به یک مجموعه ی عظیم مکتوب می رسند که رجوع به آن در اکثر قریب به اتفاقش، با ظواهر کار ندارد.

افزون بر انوعی که در آن ها تبعات و اثرات سیاسی کم اند یا نیستند، در اکثر کتاب های این مجموعه، ثبات فکری من با نوع نگرش خاص، منظور شده است. همین نصب العین، در واقع ستایش دایمی افغان هایی را پی آورده که در همسویی محتوایی زحمات فرهنگی من می بینند توجه به ریشه ها، چه گونه جلو خطا های آتی را می گیرد.

در ترتیب الفبایی این مجموعه، از تخلیق تا تالیف، ترجمه و گردآوری وجود دارند. چنین رویکرد به این منظور نیز بوده تا در عرصه ی منافع، وحدت فرهنگی را از یاد نبریم. با معرفی زحماتی که به نفع مایند، محور منطق، به گونه ای ساخته می شود که در بازتاب آن، وحدت دیدگاه، به وحدت فزیکی می رسد.

آوردن همسویی های فکری که در اکثر آن ها صلاح اجتماعی و گرایش به خوب اندیشی وجود دارد، روی نگرش عمومی هم تاثیر می گذارد تا با احترام به باور های خوب، شناخت ظرفیت ها را نهادهینه سازیم.

در این مجموعه که با معرفی کتاب های خودم، به گونه ای ابتکاری ست، ایجاد ذهنیت های شناسایی، روی منطق فرهنگ

کتاب های من / ۴

سازی استوار می باشد. چه بسا که کتاب های بسیار مهم، اما نه فقط معرفی نشده اند، بل در تکدر سیاسی تحلیل می شوند. نیاز به تعمیم داده های فرهنگی، به اندازه ی اهمیت چاپ و انتشار کتاب است. فکر کنید یک شخص با استعداد وجود دارد؛ اما این شخص تا زمانی نمی تواند در جایگاه یک انسان تاثیرگذار قرار گیرد که شناخت اجتماعی خوب و مفید نداشته باشد. افراد زیادی استند که با استعداد های خود می میرند، زیرا نخواسته اند یا نگذاشته اند شناخته شوند. کتاب ها به قیاس آدم ها چنین اند. بهتر است آدم های خوب فرهنگی خود را معرفی کنیم. وقتی مشهور شدند، سخنگو می شوند.

مصطفی عمرزی

۱۳۹۹/۷/۱۵ ش

کابل - افغانستان

- آرکایسم

آرکایسم (باستانگرایی) مقوله‌ی پیچیده‌ای است که در لایه‌های چند طبقه‌ی زمین، پیش از آن که عنصر سیاسی، واقعیت‌های بشری آن را در جغرافیای‌های کنونی تحریف کند، شرحی از دارایی‌ها و کاستی‌های مردمانی است که خود در بخش دیگر آن (گورستان) خوابیده‌اند و مهمترین رازهای زنده‌گی و هستی‌شان مدفون‌اند.

برای بررسی و درونکاوی تمام شاخه‌هایی که در علم و هنر، خلاصه در کلیت آن‌ها (تمدن) پدید آمده‌اند، از عمده‌ترین بخش‌ها، ستون‌های فرضیات نیز‌اند که گاهی قضیه‌های لاینحل می‌شوند.

تلفظ «دهن گشاد» و «دهن پُرکن» باستانی، لذتی است که از مخرج‌ها تا سرلوحه‌های مکان‌ها و نهاد‌ها، ما را مشعوف می‌سازند، اما با تاسف که بخشی از تفکر تعصب برای تعلقات خاص را نیز ساخته‌اند. تمایلی که اجازه نمی‌دهد اصل انسانی، هسته‌ی حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باشد.

دکتر غیاث آبادی:

«توهم تفاخر به دوران باستان، مُسکن مخدري است برای جوامع عقب افتاده که از قافله‌ی پیشرفت‌های بشری بازمانده‌اند و می‌خواهند با نازیدن به موهومات خودساخته‌ی منتسب به عصر باستان، بر احساس حقارت خود مرهم نهند.»

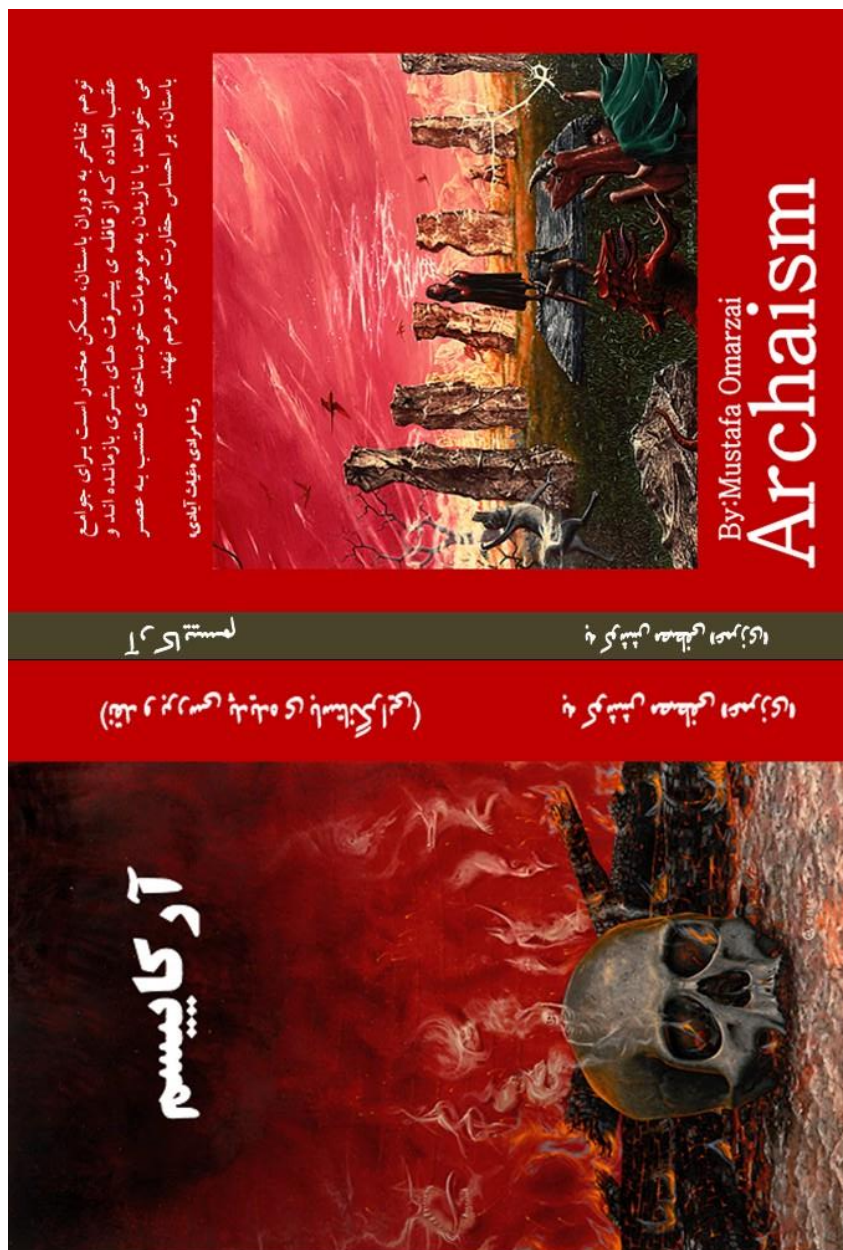
کتاب های من / ۶

بنا بر این، هر مدخل نقد بر آن چه تاکنون فقط افتخار پنداشته می شود، ضمن این که جغرافیا های کنونی - سیاسی، ارثیه های عتیقه (باستانی) دارند و تا زمان رفع آلام، عقده هایی را تسکین خواهند داد، ذهنیت می سازند در زمان «حال» فراموش نکنیم: پس از نبش قبر، به حقیقتی دست نخواهیم یافت که زنده باشد.

کتاب «آرکایسم» را در سلسله ی کتاب های روشنگر در حالی تقدیم می کنم که چنین مفاهیمی، اگر در جامعه ی فرهنگی ما شناخته شوند، پس از فرود در لایه های عمق، خرد، اجازه نخواهد داد گذشته های بسیار دور را مُلک قباله یی بدانیم و متعصب شویم.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12812>



- آریاییسم

پدیده ی آریایی، محصول تفکری ست که اروپای قرون وسطی را اجازه نمی داد برای رفع تبعیض، تضاد طبقاتی را منتفی کند. اندیشمندان وابسته به اشرافیت مرتجع که انحصار خورد و نوش با تعیین سرنوشت عامه ی مردم را بر عهده داشتند، در پاسخ به اعتراض برای تساوی، ایده ای خلق کردند که گویا شرافت خونی و ذاتی حاکمانی ایجاب می کند در رفاه باشند و حق دارند ممتاز بمانند.

اما اعتراض مردمان آزاده اجازه نداد اشرافیت قرون وسطایی «آریایی» بماند. حق تساوی در مسیر مبارزه ی اخلاقی، بالاخره از انحصارات می کاهند، اما استعمار اروپایی، زمانی که با دستان باز، جغرافیای جهان را در می نوردد، پدیده ی آریایی، وحدت استعماری را توجیه می کند تا با برتری نژادی، جفا هایی کنند که تا پایان استعمار مستقیم، تاریخ طولانی ملت های دربند را آفریده اند.

بخشی از جالب ترین قسمت های این کمیدی (نژاد آریایی) اصولنامه هایی اند که استعمارگران انگلیس در شبه قاره ی هند، زمانی که اوج احساسات مردم برای استقلال، استعمار را می فشرد، وسیع ساختند.

محققان و در واقع ماموران فرهنگی انگلیس با تعمیم مسئله ی آریایی در هند، زور می زدند برای زیر دستان تیره پوست خود تفهیم کنند: خصوصیات چشمان آبی، رنگ سرخ و سفید شان مانع نمی شود آنان را همبارانی شناسند که شاخه هایی از

«نامفهوم آریایی» بودند و قرن ها قبل، ناقلینی می شوند که هر کدام در گوشه ای رنگین شده بودند.

هندیان به آزادی رسیدند، اما قضیه ی آریایی بیشتر با خلط باور های ناشی از تواریخ بگیر و ببند جهان سومی نصابی می شود و نخستین منابع آن در افغانستان، از مسیر کار هایی بود که در هند معرفی کرده بودند.

در دهه ی سی ام میلادی، زعمای ما، بعد از سفر مرحوم محمد هاشم خان (صدر اعظم) به آلمان و ملاقات با هتلر، ایده ی آریایی را در افغانستان رسمی ساختند.

به هر حال، پس از جنگ دوم جهانی و دوسیه ی جنایی بیش از ۵۰ میلیون مقتول که با کردار جنایتکاران هتلری- آریایی تاریخی شد، بازار های غربی، فروشگاه های آریایی را بستند. اینک این امتعه «دربست» در کهنه فروشی (جهان سوم) به فروش می رسد. لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12791>



ariaysm

Effort:
Mustafa Omarzai

... حتی در کتیبه های هخامنشی نیز واژه ی «آری» را با معنی قومی و نژادی نمی یابیم. این واژه نیز لقب تحقیر آمیز دیگری با معنای «شورش» و «شور» است که بومیان ایران کهن، علاوه بر لقب «پارسه» به قوم سفاک هخامنشیان بخشیده اند تا نهایت نفرت خود را از حضور ویرانکننده ی آنان که عروج شرق میانه را متوقف کردند، برای آینده گان باز گفته باشند. پس اینکه کسی پاسخ دهد که این همه هیاهو بر سر واژه و قوم و زبان «آریایی» از چه چیزی جز توهمات و دروغ پردازی های شرق شناسان و زبان شناسان مزدور یهود برآمده است، آیا نباید اهداف و منافع آنان را در به جان انداختن مردم شرق میانه با توسل به چنین مفاهرات احمقانه ی ساخته گوی و بی ریشه، نیک بپاشانیم؟ از متن کتاب

مصطفی

«مهرزی» : مصطفی «مهرزی»
چستجو، کردآوری و مقدمه از :

آریایسم



چستجو ،
کردآوری و مقدمه از :
مصطفی «مهرزی»

- آیین های سخیف

پدیده ی ادیان، پیش از آن که در کلیت فرهنگ و تمدن، فزیکی باشد، نیاز های روانی انسان را رفع می کند. این حس در زمان «تنهایی انسانی» که متکای زمینی نیست می شود و ذهن در ماورای لمس، مامن می خواهد، او را از شر دشواری ها در امن معنویات مطمئن کرده است؛ اما تاریخ این تمایل انسانی (دین باوری) نیز عاری از ریا، نیرنگ، استفاده ی سیاسی و شخصی نبوده است. تلخیص این منظور در شرح ادیانی مجمع می شود که سیر تاریخی تبیین می کند اجتماعات انسانی گسترده ای با گرایش های دلخواه، فرهنگ و روش می سازند تا برای مقام سیاسی و کسب وجهت اجتماعی، از مزایا مستفید شوند. اگر بررسی بسیاری از ادیان زمینی، توجیه این مدعاست، فصل نقد آن ها از دشواری هایی حکایت می کند که چه گونه افراد و اشخاصی به تلذذ زنده گی رسیده اند که در حیات کهن و مختنق نمی توانستند و یا نمی دانستند مسیر برون رفت از عذاب روزگار، در کدام جای منظر خوش، نشانی دارد؟

در گزیده ای از نقد ادیان زمینی (آیین های سخیف) ضمن تشریح ماهیت آن پدیده های انسانی که تحریف و منحرف شده اند، از اجتماعاتی به سیر نقد می رویم که توده های در گیر در گذشته، برای رفع سنگینی بار ستم، از هر مفری فرصت می ساختند و بهره می جستند.

سخن دیگر این کتاب، آشکارایی روی راستی و درستی تاریخ هایی ست که متاسفانه از نگرش احترام بر آن ها روش های تضاد و تصادم ما، فرهنگ ستیز و تقابل قومی می سازند.

کتاب های من / ۱۲

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12845>



مصطفی عمرزی

– اتحاد شوروی در افغانستان

ظاهراً دوسیه ی اتحاد شوروی، مختومه شده، اما توسعه ی آن در جلد قدیمی (امپریالیسم روس) ما را در قرابت مرز هایی قرار می دهد که با جا گذاشتن تمام علایم قبلی، شباهت های آن در آسیای میانه را کاملاً بی شباهت از نسخه ی شوروی نمی سازد.

هنوز هم تکدر تاریخی تجاوز اتحاد شوروی در حیط ما باقی ست. پس از آن به اصطلاح مارش تعلیم و تربیه، در قعر جهنم بنیادگرایی دینی، می توان تجسم کرد که اگر ارواح زعمای اتحاد شوروی، به افغانستان فکر می کنند، حتماً منتظر اند چند آدمخوار مرتجع – مذهبی دیگر به جمع شان افزوده می شود که علیه آنان نیز جهاد کرده بودند. طنز تلخ این واقعیت که حضور سیاسی بیگانه، هرگز به مامول رفاه اجتماعی ما ختم نشده، همچنان بر استرس افغان ها می افزاید که در میراث سیاسی اتحاد شوروی، بازگشت به مرز های قبلی، بار دیگر ما را با دشواری هایی مواجه نخواهد ساخت که بدتر از همه، تقسیم اقوام بر اساس تقسیمات سمتی، حزبی، جناحی، قومی، زبانی، منطقه یی و... بود.

در آن تجربه ی سیاه و خونین، اولویت های بشری، جای خود را به مرکز گریزی هایی بخشیدند که بیش از همه با انسان محوری های شوروی، کمونیستی و سوسیالیستی در تضاد واقع می شدند.

ما همچنان نیاز داریم اتحاد شوروی در افغانستان را تداعی کنیم. نوعیت آن، همیشه به زیان ما بوده است. تحریک روسی در مرز های افغانی، همان مفهوم متممی بود که ضمن تجاوز، به جای اقوام، ملیت ها را باب کردند. دسته بندی مردمی که قرار است

کتاب های من / ۱۴

استعمار شوند، بهترین راه تضعیف نیرو هایی ست که وقتی جمعی
عمل می کنند، موفق می شوند.

می توان درک کرد که پس از ۶ جدی ۱۳۵۸، چه گونه مردم ما
در برابر گروهک هایی عاجز آمده اند که در جمع چند گدای
مدرسه یی، اما اتفاق دارند همه را ذبح کنند/ سر بُبَرنند.
لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13155>

کتاب های من / ۱۵



– ارتجاع و مرتجع

در این تجربه، ارتجاع و مرتجع ما از سده های بیست و بیست و یک، به قرون وسطایی یا عقب تر از آن ها برمی گردند. این عقب گرد که بسیار فکری ست، در کمال شگفتی در میانه ی بازی هایی شکل گرفته بود که در آزادی های محصول جنبش روشنفکری / مشروطیت افغانستان، در دهه ی دیموکراسی، فرصت های تبارز علنی را فراهم آورده بودند.

سخن دایم از این حیث که مردمانی چند سده قبل گویا به کمال سیاسی رسیده بودند، اگر تحلیل و پژوهش کافی روان شناسی، جامعه شناسی، شرایط زنده گی، آزادی ها و ملاحظه ی کرامت انسانی را هم نداشته باشد، اما منشای باور هایی می شود که منجمد هستند؛ زیرا اگر نقد شوند، گذشته ی ارتجاع امروزی و دیروزی گسسته می شود. این گسست که بی شک به نفع عصری گری ست، در سوی ما مسرت می آفریند که می توان با کلیت جامعه، مصدر خیر شد؛ اما عکس آن در سوی جانبدار، هراس ایجاد می کند که با ترک عادت چند سده ارتجاع، چه گونه از نو آغاز کنند؟

بی نیاز بیشتر به آن چه در این مجموعه تبیین کرده ام، پیداست که گرایش های ارتجاعی در افغانستان، با شرایط روز، همسویی ندارند.

تمام نسخه ی های کاربردی پس از تحولات کودتایی، چون با شناخت کامل اجتماعی بیگانه بودند، اکثر جریان هایی را هم متاثر

کتاب های من / ۱۷

ساخته اند که در زمان تعریف ساماندهی، ناگزیر به منشای مکتب
هایی برمی گردند که حتی لیبرالیسم آن ها خیلی کهنه است.
لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13297>



– افغان ها

همواره سعی کرده ام آن نخبه گان ما از قلم نیافتند که با ویژه گی های تبارز غیر معمول، مصدر خیر می شوند؛ اما هویت سیاسی ما در چند دهه ی اخیر، عمداً و قصداً با عواملی نیز گره خورده اند که از اجتماع ما بُریده بودند. گزینش چنان منش ها، فقط به طرز ناراحتی از سیستم های سیاسی منوط نیست.

در خلوت های اکثراً سیاسی، ساخت و ساز دلخواه زنده گی های متواری از قانون و عدالت، تفسیر های عجیب و غریبی را می زایند که مردم ما با در صد بالای خلط قومی، نمی دانند چه گونه جدا زنده گی کنند؟

نمی توان از کلیشه ی کسانی که از دست رفته اند، در حال رفتن اند و می روند، صرف نظر کرد؛ زیرا ضایعات سیاسی سالیان اخیر، مردم ما را درمانده می کنند تا در انتهای آن ها از مقوله ی ثبات سیاسی نوید شوند.

در کتاب «افغان ها»، بعضی از مردمان نخبه ی ما، فقید و مقید، اما با این تفاوت معرفی شده اند که در گذر آن ها موارد خوب هم بسیار اند. بازیگران این زمینه با درک بیشتر، به جای هایی رسیده بودند که عموماً «محترم» پنداشته می شوند. بنا بر این، تبعیت از روش های نیک، رهنمود های مفت و مسلم نیز اند که بی نیاز از محک تجربه، تعیین نصب العین را آسان می سازند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13317>

کتاب های من / ۲۰



– افغاننامه

محتوای این کتاب کوچک، تجربیاتی بودند که از بررسی بعضی از شخصیت های افغان، گاهی بر قلم و گاهی بر کردار و گفتار شان می نگاشتم.

شخصیت های این کتاب در حالی که در موضع تضاد نیز واقع می شوند، اما چتری را که می خواهند، همین سرزمین و هویت ملی مردمانش است.

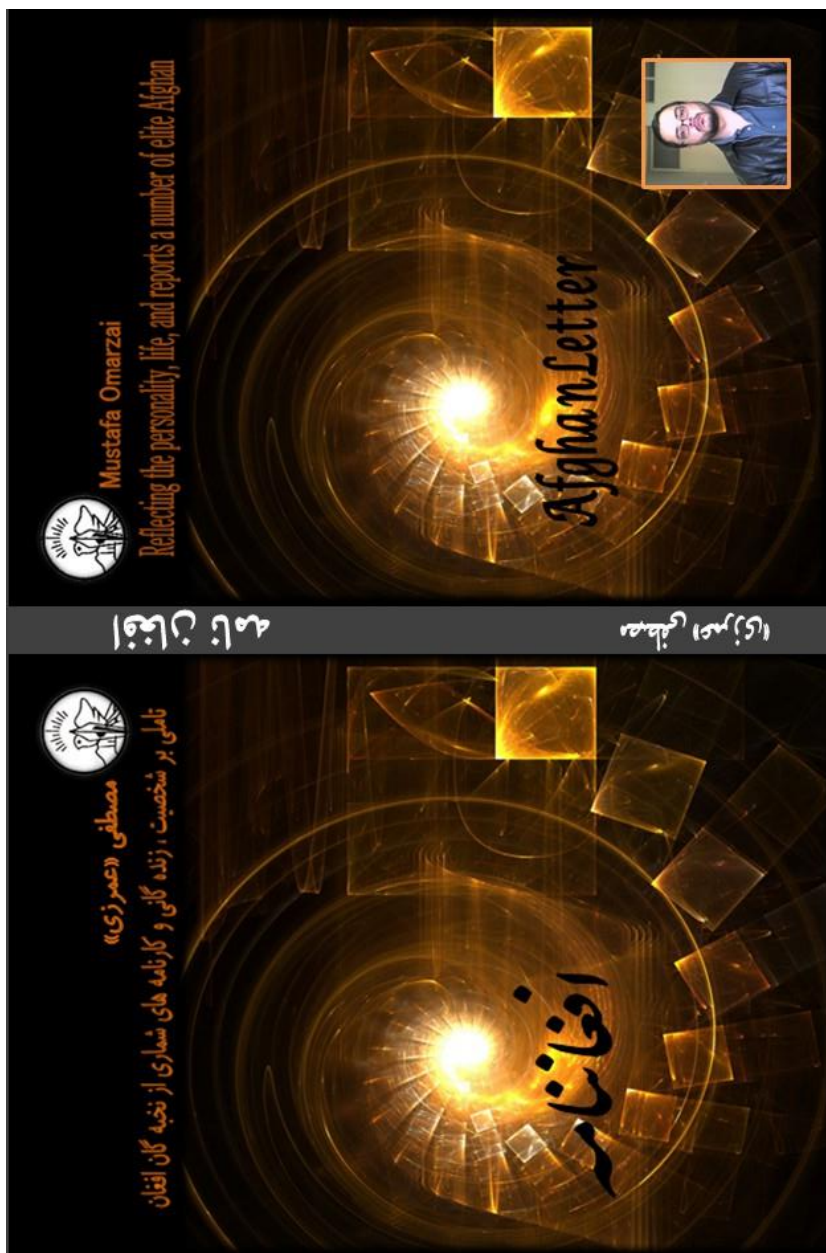
برای مردم ما که تنوع تلخ کامی را تجربه کرده اند، ثابت شده در هیاهوی توجیه اغراض (هرج و مرج اجتماعی) خودباخته گی را به نفع باهمی تعویض کنند. بنا بر این، شاد استیم که در مسئله ی حدود و هویت خویش، فهم آن را یافته اند تا بازار فروش ارزش ها و باور های ملی شان کسادتر شود.

شخصیت های این کتاب، هر کدام در جایگاه خود مطرح اند. بر این اساس با صورتی که از آنان معرفی می شود، نیازی ندیدم دسته بندی کنم.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12592>

کتاب های من / ۲۲



مصطفی عمرزی

- افغان زمین

باور های سرزمینی (فرامرز ها) در گذشته ی مردمانی نیز وجود دارند که سوا از واحد های کنونی سیاسی خویش شناخته می شدند. در این کتاب، مفهوم فرامرزی «من»، هر چند از خاستگاه افغانستان، اما در زمینه ی تنوع فرهنگی «ما» می چرخد.

مانند اکثر پرداز های نوستالژیک، در تخلیقات این مجموعه همچنان تعادل را رعایت کرده ام. آوردن توام آن به حساب معنی، آشکار کننده است. در برابر این رعایت، اما این پرسش قرار دارد که اگر تجربه ی بد، خوب را معنی می بخشد و عامه ی مردم ما در آرامی های قبل از تحولات کودتایی، کاملاً درک می کنند، این فهم به گونه ای تعمیم نمی یابد که تکرار اشتباهات گذشته، ما را در تنگنایی خورد می کند که بیشترین با شدت فاجعه، تغییر سیستم ها را به دنبال داشته است.

افغان زمین، فرامرز های اندیشه هایی نیز می باشد که در جغرافیای چند کشور کنونی، وسعت دارد. این که خواهش ساخت و ساز دوباره ی آن حتی در ثبات سیاسی پس از کودتا ها هم برآورده نمی شود، بیشتر به حذف ذهنیت هایی برمی گردد (ملی- مردمی) که کمبود آن ها حافظه ی ما را آسیب زده اند.

در چند نمونه ی دیگر این کتاب ها، اصرار دایم تداعی گذشته های خوب، همواره روی اصل تفکیک و تشخیص، تاکید کرده است. کار فرهنگی در این عرصه، بیشتر به بازساخت باور هایی می انجامد که هویت انسانی را اصل می دانند.
لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13133>

Afghanistan

(A Collection Of Articles Published In Orband Magazine)

ORBAND

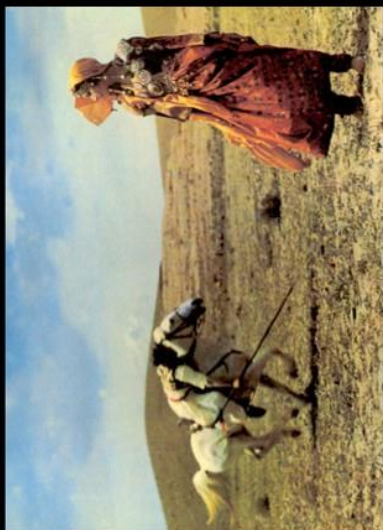
By: Mustafa Omarzai



ایمانی زمینی

بازی‌های کامپیوتری

نوشته‌ی مصطفیٰ عمرزی



افغان زمین

(مجموعه نوشته های منتشره در مجله ی اوربند)

163

- افغان ها قبل از جنگ

خوب ترین زمینه های قبل از جنگ در افغانستان، قبل از تحولات کودتایی هستند. در آن سالیان، زنده گی شهری و روستایی مردم ما آرام بود. در فرصت های تنفس آزاد، رونق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و عمرانی به جایی رسید که توده های زیاد افغان های تحصیل کرده را معرفی می کرد. مراجعه به آن تاریخ، یک ویژه گی دیگر نیز دارد. مشارکت آزادانه ی ذکور و اناث افغان که در تمام عرصه ها سعی می کردند، آن ذهنیت را به قدری نهادینه ساخت که پس از پایان هر انحصار ایدئالوژیک، طیف های مختلف مردم ما از زنان و مردان صف می بندند و دوباره چرخه ی زنده گی و دولنداری را می چرخانند. یعنی کوشش های مدنی حاکمیت های قبلی، جامعه ی ما را کاملاً متحول ساخته اند. یکی از بدبختی های مردم ما پس از حاکمیت های کودتایی، به ویژه انحصارات روحانیون مرتجع، گسست اجباری از گذشته ای بود که با وجود فشار مضاعف حاکمیت های ایدئالوژیک، اما هرگز نتوانستند افغان ها را در باور های قرون وسطایی، استحاله کنند. حتی در انحصارات سیاسی ملایان، فقط ظواهر جامعه متغیر شده بودند. قدرت فرهنگ سازی های قبلی که در اجتماعات شهری، بیشتر تاثیر وارد می کردند، می توانست اعضای ارتجاع مذهبی را- اگر دوام می آوردند- شبیه برادران جهادی شان اهلی کند.

در ارتجاع تاریخی نیز حامیان ظواهری شرعی، خیلی زود به کوتاه کردن آن ها راضی شدند. در ارتجاع تنظیمی، همه روزه از ظواهر جهالت مدعیان جهادی می ریخت. اگر ملایان، جای آنان را نمی

گرفتند، سیمای جهادی قبلی خود را وجایب زود گذر توجیه می کردند. می خواهیم با صراحت بگویم بزرگ ترین خیانت به عامه ی مردم ما، تلقین نفی حاکمیت های قبل از هفت ثور بود. پس از جمهوری شهید محمد داوود، تحول درونی که از جلد نظام پسندیده ی شاهی مشروطه هم بیرون شد، با حضور محسوس افغان ها از تمام اقوام معزز که در چند محور زبان، دین و هویت سیاسی توحید می شدند و همه در زمینه ی مدنی آن، نقش داشتند، آنان را در مقدرات مردم و مملکت به گونه ای شریک ساخته بود تا میراثی برجا بگذارند که پس از جنگ های داخلی، همچنان حیثیت و آبروی مملکت مانده اند.

حذف عمدی، قصدی، سیاسی و ایدیالوژیک ذهنیت های مدنی قبل از رژیم های کودتایی، بیش از همه افراد و جناح هایی را سرگردان کرد که بعداً در تجربیات دولت سازی، انواع سرخورده گی ها را تجربه کردند. در آن سال ها، آفتابه به دست، پس از هر وضو، استخراج ایده های دولت سازی از باور های مردمان قرون وسطایی، بیش از تحمیل محدودیت های احمقانه نبود.

مردم ما با باور های نفی گذشته های خوب، در تنوع داده های منفی سیاسی، استخباراتی و ارتجاع روحانی، جلوتر از همه در خلای غیابت قانونمندی، آسیب دیده اند.

تحولات سیاسی و پی در پی منفی، کشور ما را بازیچه ی آن گروهک های ارتجاعی کرد که در هر جا جای پا یابند، دشمنی با تاریخ/ گذشته ی آن را اصل می دانند. واضح است که ارتجاع

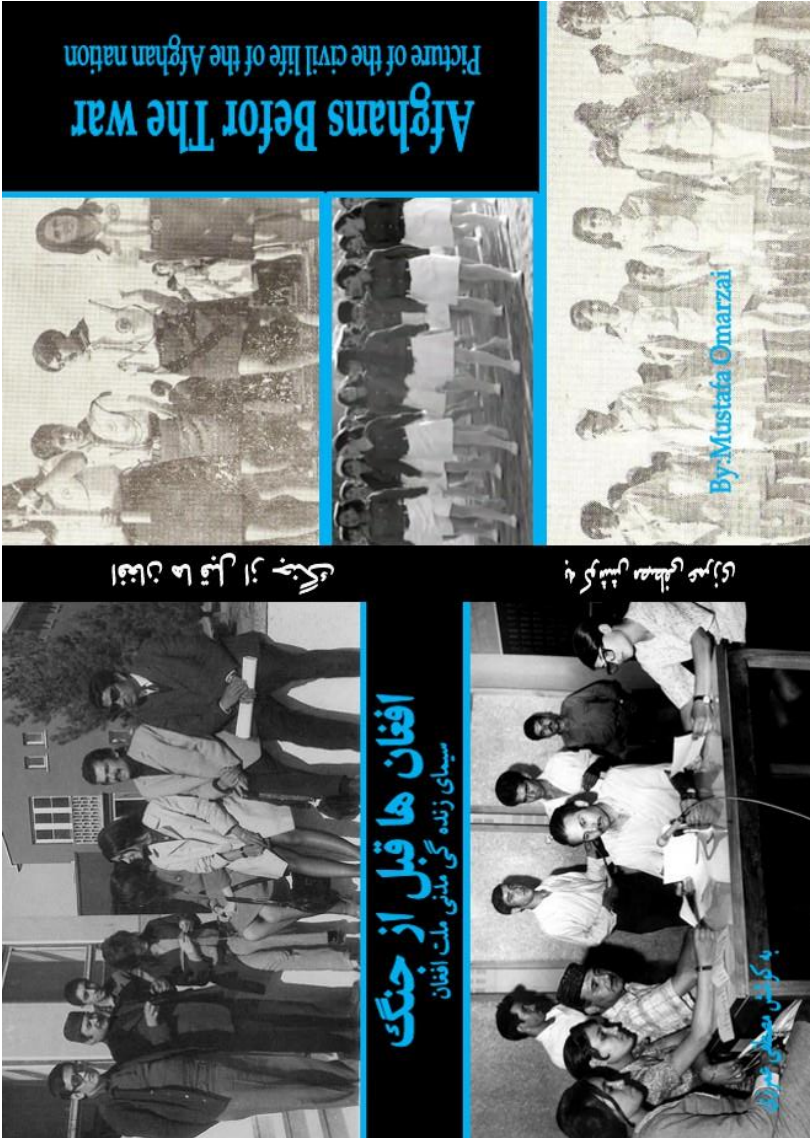
کتاب های من / ۲۷

مذهبی که به نام اخوانیسم، شعار می دهد، در اماکن با نام و نشان، به راحتی صاحب خانه نمی شود.

اگر بیش از چند دهه بحران را تجربه می کنیم، خیانت نفی گذشته های خوب مردم ما از دلایل اصلی آن است. دقیق تر، پس از تحول تنظیمی، روند گسست اجباری مردم از زمینه ی مدنی شان، آنان را به پرتگاهی کشاند که در خلای فکری آن، حالا مستعد پذیرش نسخه های بدتر از داعش شده اند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13105>



- افغان ها و انگلیس ها

شهرت جنگ های افغان و انگلیس، فراتر از مرز های ماست. حتی رهبران تحول اکتوبر ۱۹۱۷ در روسیه، اذعان می کردند که مبارزه ی ضد استعماری افغان ها در قرن نوزده، الهام بخش بسیاری از جنبش های آزادی بخش جهان بوده است. قیام معروف افسران هندی در ۱۸۵۶ با الهام از پیروزی افغان ها بر اردوی هندوس بریتانیا در جنگ اول افغان و انگلیس، صورت گرفته بود. با انکشاف وسایل ارتباط جمعی، بار دوم تجاوز انگلیس ها در افغانستان، یک رُخ دیگر نیز دارد. آنان با کمره هایی که کمی پیشرفته تر از کمره ی فوری داگور فرانسوی در اوایل قرن نوزده بودند، از افغانستان و افغان ها تصویر گرفته اند. در کتاب «افغان ها و انگلیس ها» تا جایی که از آن تصاویر تاریخی یافت می شدند را گرد آورده ام؛ اما حرف در این است که نوع عنادی که بعداً در افراطیت دینی در برابر فن آوری ظهور کرد، در هیچ تصویری به چشم نمی خورد که انگلیس ها در قرن نوزده از افغان های خیلی مذهبی تر از امروز، گرفته بودند. در تصاویر مختلف، به ویژه آن هایی که لیلیا آنا هاملتون، گرفته است (داکتری که به دعوت امیر عبدالرحمن خان، سه سال در افغانستان خدمت می کند) مردان و زنان افغان حتماً با وقف از این که از آنان عکس می گیرند یا به تعبیر ارتجاع مذهبی، صور حرام، گاه حتی خندان، خود را در برابر کمره ها قرار داده اند. بسیار کم شرح رفته که مردم ما در گذشته در برابر این مامول، مخالفت کرده باشند. در جایی خوانده بودم هنگام اخذ تصویر از امیر عبدالرحمن خان، یک ملای

کتاب های من / ۳۰

حضور، می خواست بالای کمره حمله کند، اما امیر مانعش می شود که هیچ مشکلی نیست!

تصاویر زیادی از مخالفان شاه امان الله وجود دارند که با وجود شهرت گرایش شان به ارتجاع مذهبی، هیچ نشانه ای از آن چه بعد ها در کارخانه های «آی.اس.آی» تولید کردند و مانند محصولات «فقط برای صادرات»، به افغانستان صادر کرده اند، در آن ها به چشم نمی خورد.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13096>

کتاب های من / ۳۱

Afghans and British

By:
Mustafa Omarzai



به کرشن مصطفی عمرزی

افغان ها و انگلیسی ها

افغان ها و انگلیسی ها

به کرشن
مصطفی عمرزی



- افغانستان در پیچ و خم سیاست

سیاست زده گی، عنصر بسیار فعال اذهان مردم ماست؛ اما آن چه می توانست از این ته نشین، معجون فهم سیاسی بسازد، در تنوع گرایش ها و باور های کسانی که خواسته و ناخواسته، تحمیلی و اتفاقی برای مردم ما برنامه می سازند که گویا مشکل زدایی می کنند، مقوله ی سیاست افغانی را در جایی قرار نمی دهد که با تدبیر در امور مملکت، اهدافی فراتر از گرایش های خاص و معین قومی، زبانی و حزبی به میان آیند.

نیاز برای تبیین ماهیت سیاست و این که تنوع گرایش ها و سلايق شخصی نباید در زمانی که منافع کلان ملی مطرح اند، جزو مقوله ی سیاسی باشند، ایجاب می کند مسئله ی تفکیک در بررسی داده های سیاسی، سیاست های ما را از بازار زده گی و روزمره گی بیرون بکشند.

تجربیات صاحبان نظر، آگاهان و کسانی که از دانش تیوریک مستفید اند، باید در زمینه هایی از قبل منظور، امر سیاست های مبنی بر منافع ملی ما را به گونه ای پرداز دهند تا سطح بلند آن ها با تفکیک از برداشت های نازل و سلايق افراد معمولی و میلانی، متکای قابل اعتماد توده هایی شود که در جامعه ای همانند افغانستان، خوراکه ی سیاسی بیش از نیاز می خورند، اما نتیجه ی این تعامل، آلوده گی های دود و بخار نفهمی ست: «از خامی دیگ است که در جوش و خروش است!»

بخشی از فعالیت های قشری در افغانستان، افاضات و تفصیل گروه ها، لشکر ها و سیاهی لشکر هایی هستند که با ماهیت میان تهی

کتاب های من / ۳۳

رسانه های کنونی، مغز مردم را می خورند. بعضی در هر برنامه ی این کمیدی، نه فقط در چند دقیقه ی یک مناظره ی بی ارزش - بدون ارائه ی راه حل - به نتیجه می رسند، بل خصومت های جناحی و گروهی را به حدی افزوده اند که اگر خدا ناخواسته بار دیگر شاهد پاتک سالاری شویم، گروهی به نام «قوم سیاسی» نیز از گریبان مردم ما خواهند گرفت.
لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12535>

کتاب های من / ۳۴



– افغانستان و بازار آزاد

با انتشار دوباره ی این کتاب، بخش دیگر کالاهایی را هم معاینه کرده ام که در بررسی مقوله ی سیاسی، سوای مسایل اقتصادی هستند؛ هرچند نام کتاب، ذهنیت ها را به سمت داده های اقتصادی می کشاند، اما منظورم از آن، گزینه ای بود که در چاپ نخست این کتاب نیز تبیین می کرد سال ها کالاها را در بازارهایی خریده ایم که بی نهایت سیاسی بودند.

اندیشه بر افکار عامه که گره خورده در شکم، تنوع ادعا می آورد، در زمان انعکاس، میانه ی تهی خود را در حالی بروز می دهد که آگاه می شویم دیگر خبری از انبوه پول های انجویی و خارجی نیست.

با نشر دوباره ی این کتاب که تقریباً چند سال پس از نوبت نخست آن است، خواستیم وضاحت دهیم آن چه با عناوین پُررنگ مدنی مود شده اند، باید در انواع قلابی آن، روزی به استهزاء کشانده شوند که ناممکن است در زمینه ای به باورهای راست رسید که از میلان بر چپ رویی تا تجربه ی افتراق و تحجر، نمی توان بر تخم هایی دل بسته شد که در کشتزار کوکنار، برای به اصطلاح دیموکراسی، حقوق زن و آزادی کاشته اند و با کودهای انجویی، مردم مفلس و درمانده در شکم را مقطعه یی به نهالی امیدوار ساخته اند که نه فقط وجود ندارد، بل حاصل توهم آن، طول و تفصیل چند هزار گزارش خارجی ست. شک نداریم که بدترین آفات اجتماعی و سیاسی را در سالیان اخیر، تجربه کرده ایم.

لینک داند:

کتاب های من / ۳۶

<https://www.ketabton.com/book/12540>



– اگر جهانیان شکست بخورند؟

حضور متنوع جامعه ی جهانی در افغانستان که بقای کشور ما را در سیاست پردازی های بیرونی تا سرحد رنگ پردازی فرهنگی، رنگ وارنگ کرده، حتی لحظه ای هم این هراس را کاهش نداده که اگر این دایره رنگ ببازد، چه می شود؟

در کشوری که بیش از ۱۹ سال تاریخ آن را استوار بر کمک های خارجی کردند و در هر جزر و مد سیاسی، گاهی به اثر عدم پرداخت معاش ماموران دولت، مافوق صوت می شود سقوط کند، می توان شدت نگرانی افغان هایی را مشاهده کرد که وقتی نوسان سیاست های دوستان بین المللی را مشاهده می کنند، افت توجه آنان سوال می سازد که اگر کم بیاورند، چه سرنوشتی خواهیم یافت؟

سوگمندانه ساختار دولتی – حکومتی افغانستان در کمتر از دو دهه ی اخیر، چنان تنیده در دامن جامعه ی بین المللی نقش بسته که با تماشای عقب خالی (کمبود زیر بنا ها و تاسیسات بزرگ اقتصادی) مردم ما را در بستر هراس هشدار می دهند: افغانستان منفی (-) جامعه ی جهانی، مساوی (=) به هیچ!

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12556>



If The World Community Failed Down ?

By :
M. Ismael Yoon

Translated into afghan dari by:
Mustata Omarzai

اگر جهانیان شکست بخورند؟ ترجمه ی مصطفی عمرزی، محمد اسماعیل یون، محمد اسماعیل یون

اگر جهانیان شکست بخورند ؟

محمد اسماعیل یون،

ترجمه ی مصطفی عمرزی،

- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع

اجتماعی- سیاسی، خلط واقعیتی ست که در این مجموعه، هرچند منحصر نیست، اما ماهیت طرز نگرشی را آشکار می سازد که باید و نباید کار فکری ما را از آدرس قلم، صادر کرده است.

تضاد باید و نباید در شرایطی که مواد قانونی حتی تا سرحد جواز کار «غیره»، نوعیت امتعه ی فرهنگی- رسانه یی ما را خدشه می زند، تا جایی به رعایت مصالح و ملاحظه تناقض می آورد که گاهی برای آسیب پذیری ها و گاهی برای آن چه «احتیاط مضر» می خوانند، شمرده ایم.

از آغاز روزنامه ی «سرخط» در ماه اسد سال ۱۳۹۴ش به عنوان همکار این رسانه ی خوب، مسوولیت هایی را بر عهده گرفتم که در همسویی با این نشریه، فرصت می دادند در نمونه های این چنینی در جایی که مسایل ملی ایجاب می کنند، ملاحظه نکنیم.

روزنامه ی سرخط در شمار استثنائات نشریه های مطبوع افغانی که با رعایت «در پیرایش و ویرایش مطالب وارده، به خود اجازه ی بی حرمتی به کار فرهنگیان را نمی دهد»، خیلی زود پسند ما شد و با مجوزی پی مسئله ی مملکت و مردم رفتیم که با شناخت از قلم همکاران، مانند بقیه ای نشد که با مجموعه ای از غیر صنف فرهنگ و رسانه، چند تن کاغذ را سیاه ساخته اند و هنوز هم اصرار دارند «در پیرایش و ویرایش مطالب، دست باز دارند!»

این که بازار چند سال اخیر تا کجای اغماض بر اصول و معیار ها، بیطار را در جای داکتر، عریضه نویس را فرهنگی و رنگمال را مسوول سیاهکاری نشریه های ما قرار داده، جای خالی اندیشه های فراگیر و ملی، به خوبی ثابت ساخته چرا از معضلات خود(درد

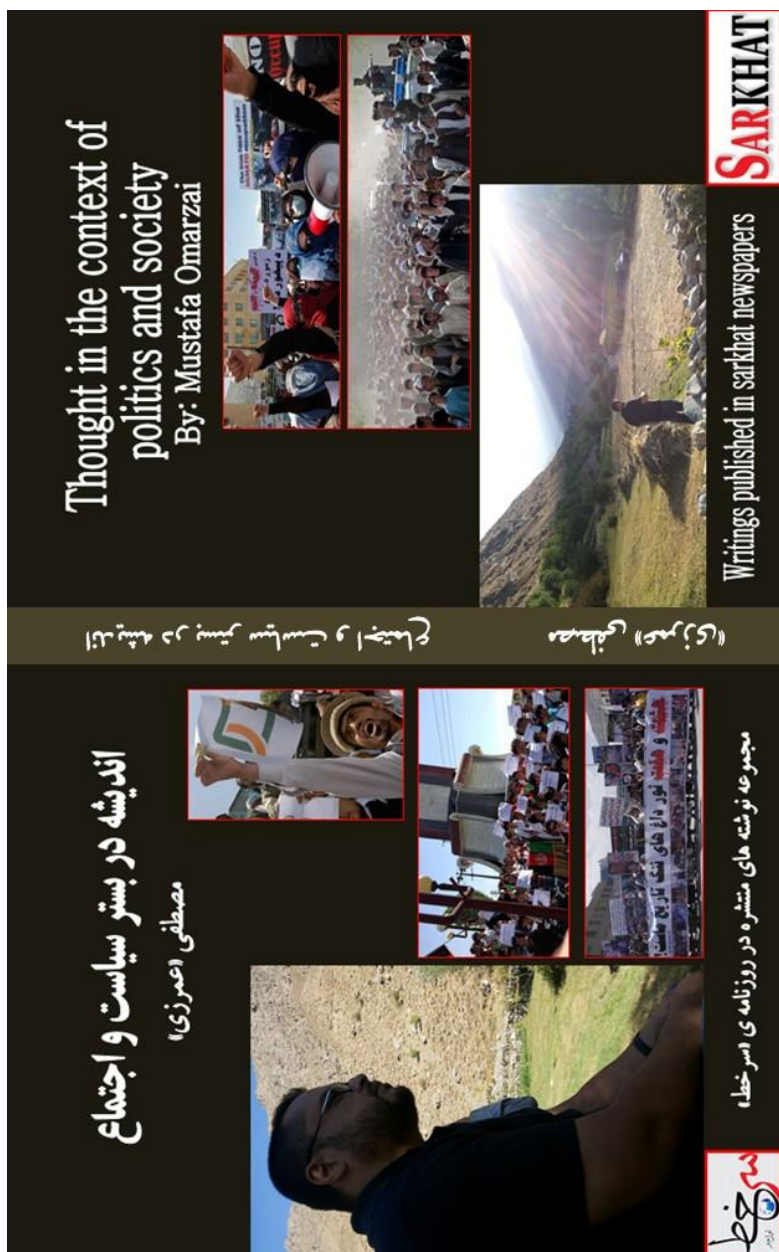
کتاب های من / ۴۰

مشرک) کمتر می گویم، اما بُرنده گی کار فکری ما، هنوز از تیغ
«ایدیالوژی های وارده» مانده است.

در این مجموعه (اندیشه در بستر سیاست و اجتماع) خلط واقعیت
های جامعه، دو مشخصه ی واضح می یابد: بررسی عمق و ابعاد
مسایل.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12557>



- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان

با کودتای هفت ثور سال ۱۳۵۷ش و به تعقیب آن تجاوز اتحاد شوروی بر افغانستان، بحران عظیم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و فکری به گونه ای که در تاریخ معاصر ما پیشینه نداشت، رونما می شود. تیره روزی ها و مصایب سالیان بحران، نه تنها در محتوای آن ها نهفته اند، بل پی آمد آن ها آرامش و قرار را به دو آرزوی بزرگ افغان ها مبدل ساخته اند.

تراژیدی های زیادی وجود دارند که در فرصت های تداعی، ما را درس خواهند داد، اما تلخ ترین یادمان، فاجعه ی بشری ای ست که با ویژه گی نابودی قشر آگاه، آموزش دیده و حرفه یی، اکثر ارکان برپایی کشور فرو می ریزند.

نخستین دسته ی نخبه گان حرفه یی افغان به عنوان مخالفان مستقیم و غیر مستقیم حاکمیت کمونیستی اعدام، زندانی و فراری شدند. در حاکمیت تنظیم ها به اثر هرج و مرج عظیم، بقایای جان به در برده، پس از تحمل تاراج و چپاول، اکثراً مهاجر و بخشی در بستر افت اجتماعی مردم تحلیل رفتند و نقش شان به عنوان افرادی که شماری وابسته و شماری ناگزیر بودند، از سطح حرفه یی غیر وابسته، در سطوح جریان های سیاسی سقوط کرد.

در حاکمیت طالبان، آخرین بازمانده گان نسل افغان های متخصص و آگاه با مُهر «بقایای نامطلوب حاکمیت های گذشته»، «دوسیه ی مختومه» شدند و تقریباً با کاهش بیش از نود درصد کمیت و کیفیت، فاجعه ی مدیریتی و آموزشی کشور شکل گرفت.

کتاب های من / ۴۳

محتوای این کتاب (انگیزه ها...)، مستندی ست از یک تراژیدی انسانی که نویسنده اش با حذر از میلان، فقط خواسته با اسناد و ارقام ثابت کند ارزش سرمایه های فکری و بشری آگاه چه قدر است و چرا با وجود آن که در هاله ی دنیا درگیریم، اکثر برنامه های رفاهی، عمرانی و انکشافی امروز، زمینه های عملی نمی یابند. لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12937>



- با زبان دری

مجموعه ی مقالات این کتاب، علاقه ی محتویات را در تفسیر، تحلیل و تبصره با تنوعی معرفی می کند که روزی در جمع دوستان اعتراف کردیم: ادبیات ما- حتی در مقوله ی ادبی- بسیار سیاسی شده است.

در این کتاب، هرچند پرداخته های ویژه ی ادبیات، چند «تا» می شوند، اما اجتماعی، سیاسی و ایدئالوژیک، در برگیرنده ی متباقی ست.

متأسفانه در منجلا ب تحمیلی کنونی، به هر اندازه ای که برای ره یافت تقلا می کنیم، فقط فرو می رویم. خوانش چند دهه بحران، چه گونه گی کج گردشی ها را وضاحت می دهد، اما زمانی که ادبیات ابزاری می شود، ویژه گی آن به عنوان حرفه ی خاص، محدودیت و معدودی ندارد.

مختصات این مجموعه، به گونه ای معرف طرز کار آن فرهنگیان افغان نیز می تواند باشد که از سرناچاری ناگزیر می شوند با خلط مفاهیم، ادبیات را در خدمت ذهنیت سیاسی قرار دهند. به این گونه، نوعیتی رونما می شود که تا سالیان زیاد و با صرف هزینه ها و اوقات، امید های ما برای پویایی ادبیات هنری، بسیار در مسیری قرار نمی گیرد که با وزن ماندگار، افزودی فرهنگی با افتخار می شود.

و اما یک نکته ی دیگر، این مجموعه را در حالی معرفی می کند که با تبیین ناهنجاری های فرهنگی که در زمان «صرف ادبیات غیر اخلاقی» با مسایل «چیزدار»، همواره منطق انتقاد برای اصلاح را خورده اند و با بُرنده گی آن ها که کلیتی می شوند، سوگمنده

دیدیم آن مدعیات فرهنگی و میراث های تاریخی را زیر سوال می
برند که در تفصیل به اصطلاح ۵۰۰۰ ساله ی تاریخ و فرهنگ،
دورنمایه ای شکل نگرفته که اگر اندیشه ی مخالف، به ذوق ما
نخورد، به یاد داشته باشیم آن چه بر آن ها افتخار کرده ایم
(فرهنگی - تمدنی) حوصله نداده تا با هجوم بر طرز فکر مخالف -
ولو منطقی و عالی باشد - موضع نسازیم و به جان هم نیافتیم تا
دیگران به ریش ما نهند: «نمونه های توده های فرهنگی!»
لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/1209>

تفاسی:
تفاسی کہ نظم دی کار اوست
معنی در خوش آورد و بد
دری نظم کردن سزاوارست
غلطی در آفا کر دو

آیه عمل تو میگذرد معالی خضر و یایه نظر تو سرین شده زبان دردی قوی

مخبریں:

دی کویم دی آن من است

این زمان ارث ناکلین من است

قطران:

کرمار سر کوبان جهان رشک آبدی

من در سحر دمی بر شاهان کنشادی

سوزنی

صفحات روی تو آسان بود و در کفایت

کھنکھاتی ہوئی دہکائی ہوئی آواز

(A collection of articles)

ရဲရဲရဲရဲ

«عربی» مصطفیٰ

(2) $\frac{1}{2} \log 2$



– به رنگ آبی

شهید مینا کشور کمال، متن در حاشیه رانده شده ای ست که هنگام جهاد بزرگ مردم ما برضد اتحاد شوروی، جرات و جسارت دختران افغان را رسمی ساخته بود.

در تقابل سیاسی و جناحی، زنان و دختران راوایی افغانستان هم شامل اند؛ اما آن چه در این میان جا مانده، حضور بسیار محسوس سیاسی آنان است که در سال های اخیر با تهور زاید الوصف، از منافع ملی افغان ها دفاع کرده اند.

حالا که به حضور گسترده ی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، رسانه یی و نظامی زنان و دختران افغان می نگریم، می توان تصور کرد که کسانی از جنس خودشان نترسیده بودند.

زنده گی شهید مینا کشور کمال، شبیه افغان هایی که مبارزه کرده اند، به انتها می رسد. صدای او را در هجرت در پاکستان، خفه کردند. در آن سال ها، خفه کردن صدای افغان هایی که می خواستند در هرج و مرج جهادی، خانه و هویت شان فراموش نشود، امر جهادی نیز تلقی می شد. در همان جفا ها بود که وبال سیاسی، دامنگیر جهادست هایی شد که فکر می کردند فقط با پنج وقت نماز، حلال مشکلات اند. تعویض چند باره ی نسخه های ایدیالوژیک – ارتجاعی به داعش رسیده است. همین صبغه به تنهایی معرف ساخت و سازی ست که با تغییر منافع بیگانه، نوع ملا و داعش تغییر می کند.

کتاب های من / ۴۹

در جزوه ی «به رنگ آبی»، از شهید مینا با قلم غیر حزبی، یاد کرده ام. او می تواند الگوی آن زنان و دختران ما باشد که به خاطر اعاده ی حیثیت و احقاق حقوق خود، جداً مبارزه می کنند.
لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12559>

کتاب های من / ۵۰



مصطفی عمرزی

- پاسخ

«هر عمل، عکس العمل دارد!»، معمول ترین ادبیاتی ست که مردم ما بیشتر در بازده کردار منفی، بیان می کنند. در واقع خالی ماندن فضای پاسخ، ساده ترین پرسش ها را هم به فرهنگ دردسر مبدل می سازد. این قسم می تواند به جایی برسد تا در دیره ی ادعای سیاسی- حزبی، تاریخ گذشته را به جای تاریخ حال، تقلب کنند. تحکیم واحد سیاسی افغانستان در پایه های اقتدار، همیشه وجود داشته است، اما از فرهنگ سازی های لازم، اکثراً عاری بوده است. فکر کنید در بازار خرید و فروش، گاه در یک بلندگو از ارزهایی صحبت می کنند که شاید صد سال قبل در واحد های ولایتی، معمول بوده اند. این توهم زمانی می شکند که پول جیب شما، به جای آن، مصرف می شود.

در تقابل معمول ما، دفاع هم یک نوع فرار است. پرداخته های شعارگونه و کلیشه یی، به راحتی از ریشه یابی می گذرند. در هوا ماندن بیش از حد آلوده گی های صوتی افراد ذینفع در مسایل سیاسی، از کوتاهی پاسخ هایی حکایت می کند که گاهی ارائه می شوند. فکر کنید هنوز هم هیچ اثر مستقل در نقد افغان ستیزی های مایل به توهم تاریخ(قبل از افغانستان) وجود ندارد. شاید در وجود اُبَهِت سیاسی حاکمیت های اقتدار گرای مرکزی در گذشته، چون امنیت مدیریتی وجود داشته، به فرهنگ پاسخ دهی، کمتر پرداخته اند. حذف فزیک، راه حل کوتاه مدت بود، اما تامل فرهنگی که منتقل می شود، با حذف فزیک ناممکن است. بهتر است پاسخگو باشیم!

کتاب های من / ۵۲

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13321>



مصطفی عمرزی

- پشتون ها

پس از تجاوز اتحاد شوروی بر افغانستان، دیدگاه ها و مقوله ها به خاطر ساماندهی اجتماعی، بدون آن که بسیار در همسویی با واقعیت ها باشند، در نسخه های پیچیده شده و وارداتی، جزو برنامه هایی می شوند که اینک سه دهه پس از تجربه ی آن ها و آن چه از پی آمد، فهم ما برای طی طریق در مسیر درست، هرگز نتوانست از جاده ی فرعی، در مسیر عام جا بیافتد که در یک سرزمین پُر تنوع قومی، ناممکن است بحث عدالت اجتماعی را در نوسان هایی که به ویژه در هنگامه های حضور خارجی، اشاعه می دهند، نهاده ساخت.

از هنگام کودتای ۷ ثور سال ۱۳۵۷ش تا تجاوز شوروی، حاکمیت های تنظیمی و طالبانی که اکنون در گیر تمام دنیا در جغرافیای افغانی استیم و گنجانیدن این همه وسعت در بخشی از کره ی خاکی، حتی در ظاهر نیز مشکل ساز است، اعاده ی نظم و حداقل ثباتی که به دنبال خویش، مردم را در همپذیری واقعی و گرایش به یکدیگر تشویق کند، مستلزم آن بینشی ست که جامعه ی افغان ها را برای توجه به خودشان فرا می خواند.

در حالی که نیاز داریم واقعیت های خود را همان گونه که بودند، دوباره بشناسیم، با شناخت از وزنه های متفاوت (اقوام داخل افغانستان) و با رعایت احترام به یکدیگر، پس از تجربه ی چند دهه خصومت های تحمیلی، در جامعه ی بحرانی و سیاست زده، تنوع قومی کشور را باید جزو همان قیدی بدانیم که توضیح آسمانی «مردمان» (شعب و قبایل) دارد و اما راستکاری و تهذیب،

کتاب های من / ۵۴

آدمی را با قبول ارزش های انسانی و آسمانی، از شان تقوا و دانش کمال می بخشد.

با انتشار کتاب «پشتون ها»، بر ابعاد مختلف حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تمدنی و تاریخی این قوم شریف، نجیب و با عظمت افغانستان پرداخته ام. روشنگری روی این بزرگ ترین واقعیت افغانستان را کاری جهت شناخت آن مقامی هم می دانم که با ملاحظه اش - که پیراسته از سیاست و تحاریف بیگانه گان و دشمنان باشد- با فهم بهتر از جامعه، خود را با توان و ظرفیت هایی که داریم، به سوی مطلوب های انسانی، نزدیک تر بسازیم. لینک داندود:

<https://www.ketabton.com/book/12519>

[illegible]

- پندار ستمی

عجیب نیست که با وجود تهدیدات جدی ستمی گری در افغانستان، شناخت بنیانی این حرکت فاسد و منفور، میسر نمی شود.

عموماً تقابل با پدیده ی ستمی گری در کشور ما در حد نفی، شعارگونه مانده است. تقبیح چند بی اصل و نسب، چون عبداللطیف پدرام و امثال او، در واقع راحت ترین، اما ناچیزترین صورت پرداخت به جریان و افرادی ست که برای تضعیف افغانستان و بزرگ ترین قوم این کشور (پشتون ها) حاضر به هر نوع روسپی گری اند.

مردم ما تا زمانی که به کنه ی واقعیت های ستمی گری، پی نبرند، پدیده ی منفور ستمی در حد فرهنگ سازی هایی می ماند که گویا ستمیان واقعاً در جامعه ای به دادخواهی برخاسته اند که در انحصار پشتون ها بوده است.

در این شکی نیست که پشتون ها این کشور را احیاء کردند و مهم ترین مقولات سیاسی، فرهنگی، عمرانی، معارف و تحول را در بستر جغرافیای جهان سوم و در نبود هزینه های لازم، ایجاد کرده اند/ می کنند، اما سیر تاریخی این جریان مهم نشان می دهد که افزون بر پذیرش فرهنگ های دیگران، دایره ی حکومت آنان از غیر پشتون ها نیز اشباع شده بود. به این لحاظ، مفهوم هویت ملی افغان، در تار و پود عامه ی مردم ما از تمام اقوام، تنیده شده است. در سالیان اخیر، چهره ی کریه ستمی و ستمیان با موضع گیری های شرم آور ضد ملی و ساخت و ساز واضح با بیگانه گان که

گاهی آنان را در سفره ی ایرانی ها، گاهی در تاجکستان و گاهی در پاکستان محرز می کنند، در کنار تحریف تاریخ و فرهنگ سازی هایی که از مدرک جعلیات فارسیسم، پی ایجاد توهم هژمونی یک اقلیت قومی اند، ستمی گری را با وجود ضعف های آشکار، کمیت ها و ظرفیت های زیر صفر، اما در حد گروهک ها و افراد، به تهدید جدی ذهنیت سازی های منفی، مبدل ساخته است.

پنهان شدن عقب داعیه ی بی عدالتی های اجتماعی، اما نتوانسته کراهت منظر آن روسپانی را پنهان کند که در مناطق خودشان نیز از هراس تفرقه افگنی، شاکي اند.

اگر حاکمیت های ائتلافی پس از طالبان و ضعف های آشکار رهبران پشتون نمی بودند، محال بود کسی همانند پدرام یا امثال او به سرحد هتاکي بر افغانستان و بر پشتون ها، ابراز وجود کند.

در منطقه ی پیرامون ما در کشور های ایران، پاکستان و تاجکستان، کوچک ترین مورد تهدید تمامیت ارضی را با گلوله و اعدام پاسخ می دهند، اما مزدوران این کشور ها در افغانستان با نیروی رسانه یی در فضایی هتاکي می کنند که تنقید یا ریشه یابی این مُعضل، در حد چند شعار، مانده است.

ستمی گری در افغانستان، زمانی فصاحت بارتر می شود که می بینیم اکثریت مردم افغانستان (پشتون ها) در درد های مشترک ملت، نه فقط از هیچ کس عقب نمانده اند، بل بر کسی پوشیده نیست که در چهل سال اخیر، بیشترین زیان های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را هم متحمل شده اند. بدتر از همه همانند پیکری بی سر، از رهبرانی محروم می باشند که تا قبل از هفت ثور، هرچند زعما و

رهبران ملی بودند، اما به گونه ای از تبار خویش نیز نماینده گی می کردند.

در کتاب «پندار ستمی» از لابلائی نوشته های طیف های مخالف و موافق، مواردی را گردآورده ام که گرچه کافی نیستند، اما در ابتکارات صاحب این قلم، سعی شده با ایجاد ملاحظه ی بیشتر پیرامون ستمی گری، افغان ها را به عمق، عوامل، افراد و اشخاصی برسانند که در پشت پرده های ستمی گری، از ناقلین آسیای میانه تا گروه های پرچمی و تنظیمی، پی کسب و سود سیاسی، بهانه می سازند.

در کتاب «پندار ستمی»، ادعاهایی نیز موجه می شوند که ستمی و ستمیان در افغانستان در تشدید اختلافات قومی، مذهبی و ستمی، بدتر از پشتون هایی عمل می کنند که فاشیست خطاب می شوند، اما این حقیقت که بدترین آن ها در مسایل کلان ملی، به حرمت همه معترف اند، در برابر ستمیانی قرار می گیرند که سقوط کشور در حد تجزیه را نیز توجیه می کنند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12546>



پندار ستمی

(بررسی پدیده ی ستمی و پی آمد های آن در افغانستان)

به گزارش مصطفی عمرزی

پندار ستمی

به گزارش مصطفی عمرزی



Thoughts oppression

(Investigating the Phenomenon and Its Consequences in Afghanistan)

By:Mustafa Omarzai

پندار ستمی

به گزارش مصطفی عمرزی

- پور خرد

درونیای تاریخی در جغرافیای رواج زبان دری (تاجکستان، افغانستان و ایران) در کشور تاجکستان در حالی که با خط سیرلیک (رسم الخط روسی) سال هاست جزیره شده، پس از استیلای شوروی و همچنان پی توجیه کمونیسم، اینک فارسیسم را نیز به خاطر تشدید بحران قومی، مطرح ساخته است.

کشور ما پس از رقابت منفی به خاطر ساخت عمق تاریخی که حالا جعلیات حوزه ی تخلیق را به جای تاریخ، مشغله کرده، با سقوط در کودتاها و بحران ها، گونه هایی از آن توجیهات فرهنگی افغانستان را تبارز داده که پس از تحولات کودتایی، بخشی از تولیدات فرهنگی ما به خاطر وابسته گی ها و علایق، شعار ها و دفاعیه ها از حاکمیت های سیاه و خونین نیز شده اند.

در رژیم های پس از طالبان، تعهد به بازار آزاد، نوعی از آن تجربه ی هرج و مرج کار شد که در واقع بسیار نمی دانیم مسیر فرهنگی ما به نفع کیست؟ با این حال، ضرورت نقد میراث های به اصطلاح گذشته باعث شده به خاطر بهره جستن از خیر، با آثار کسانی هم آشنا شویم که امروزه با نام های دکتور عبدالله شهبازی، دکتور رضا مرادی غیاث آبادی و بالاخره علامه ناصر پورپیرار، باعث می شوند حوزه ی تاریخ را تطهیر کنیم.

استاد ناصر پورپیرار را به عنوان کسی که کلتی از مهمترین ها را در حوزه ی تاریخ، ادبیات، اسلام و فرهنگ های جغرافیای زبان دری، به وجود آورده، شناختم و خیلی زود متوجه شدم بخش بزرگ پاسخ پرسش های ما در آثار او وجود دارد.

استاد ناصر ابویدراره:

«... و حوضه پستند که این دشمنی از جانب کلیسا و کتبیته، حتی یک روز هم علیه مسلمانان قلم نشده و بدترین شیوه اثن همن قوت برستی، قوت برستی، تاریخ سازی و تاریخ توهمی است! یعنی مسلمانان را در منطقه ی پلایش و ظهور اسلام، چنان به جان هم انداخته اند که هیچ کدام از آن دیگری در ایران نشتند هر روزی ممکن است. یکی از ما، چون آن دیگری را از بریده به خاطر این که می خواهد ثواب انجام دهد. بنابراین اگر ما اسلام را به عنوان هوب اولیه و اصلی خود می پذیریم، اگر می می بریم که کلیسا و کتبیته تا چه حد دشمن ما هستند و اگر صادقاً می خواهیم در منطقه، ما را هدایت می کنند که با یک دشمن خودخواه و مستقیم وقتی بخاروف رویه رواستیم، چه باید بکنیم؟ نگاه کنیم. دلائل حالی که به ما منتقل شده و سرایا بدون سند و مجهولات، لابد بخشی از بازسازی وسیع کلیسا و کتبیته علیه مسلمانانند. این جا صحبت برکت، فارس، عرب، صهیون، از روی زناد و اقلیتی نیست، این جا صحبت اسلام و ادیان مقابل اسلام است. آنان می خواهند سنگر های شان را به فتح اسلام ترک کنند، هرچند که می بیند اسلام در جهان هر گشت می کنند و اسلام جهان را تسخیر می کند. بنابراین برای بقولت کردن این توانا، دست از هیچ کاری بر نمی دارند از هیچ توطئه ای توطئه نمی کنند و چنان ما را به جان هم انداخته اند که در واقع می بینیم چه روشی می نویسد حریف این باور های هوب خلوئه می نویسد که تبدیل شده اند به مصیبت زدوده ناشستی و هوب تزیینک به هوب خلوئه می نویسد هر کدام از ما یک دشمن می کنیم که از آن دیگری بترسیم چون سال ها می را که در روی زمین بوده ایم مثلاً یاسعد سال از آن یکی بشیر بوده است از آن او و ده نالافت بشیر از آن یکی دارو یا مارسم و انشیتم و آن یکی نداشتند و یا ما کوروش داشتند ایم و آن یکی نداشتند است. مصطفی که سرایا کوته گفته، بدون سند و جملانه اند.»

By:
Mustafa Omarzai

پژوهشگر نامور و پرچمدان بزرگ اسلام

استاد ناصر ابویدراره

فر

بازتألیب کارنامه ها، قلم اندیشمندان

و گزیده ای از نگارش ها

پور خرد

به کوشش:
مصطفی عصرزی



- پی آمد تصویر

ساده ترین معنی این گزیده/عنوان، عبارت از تبیین داده هایی ست که از طریق هنر هفتم، می یابیم. چند سال قبل، بعضی از نزدیکانم که سال ها در کشور های مرفه، زنده گی کرده بودند، از اثرات و تبعاتی می گفتند که گاهی ناخودآگاه، دچار شده بودند. این پذیرش، بیشتر در عرصه ای صورت می گرفت که داده های هنری را تصویری- صوتی می سازند.

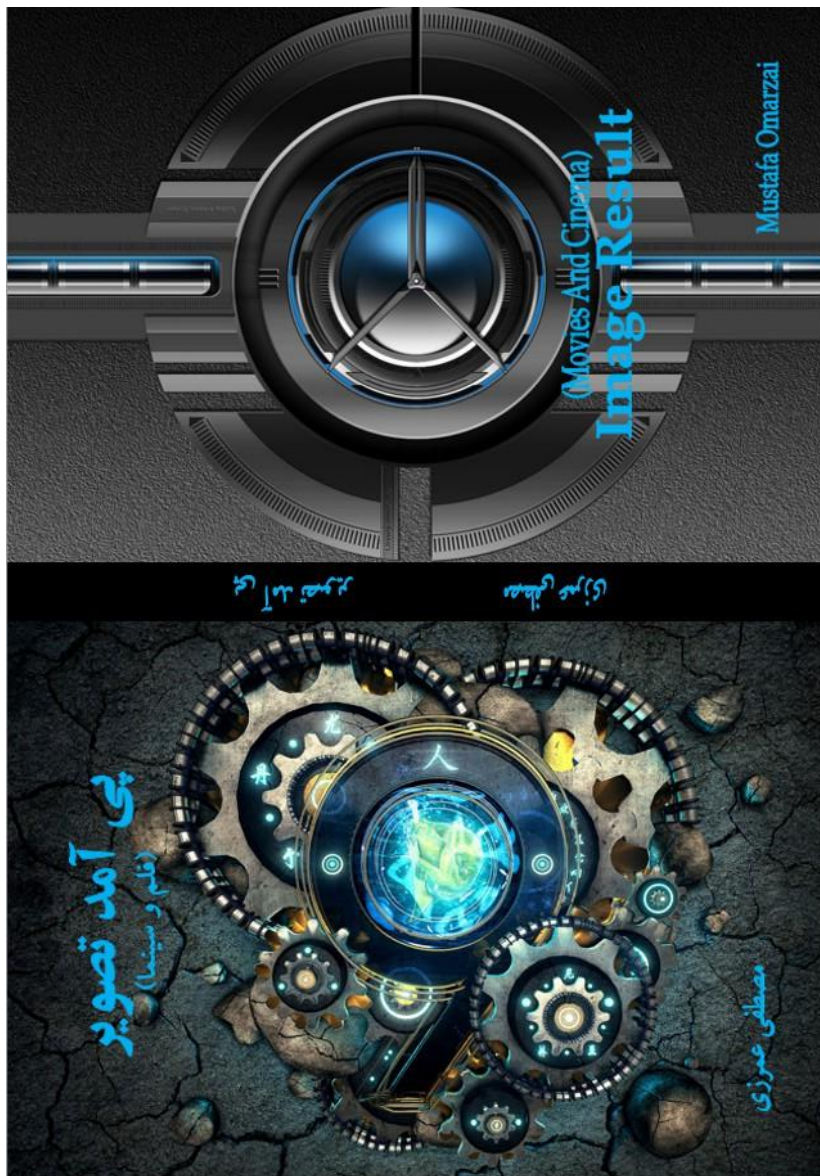
در هنر هفتم، بارگذاری ایده ها از طریق نفوذ به اندیشه ها، راست و چپ تکثیر شده اند. فلم های سیاسی در اختیار حاکمیت ها، اگر کیفیت داشته باشند، همسو با معارف اثر می گذارند.

در «پی آمد تصویر»، ضمن تبیین محتوای چند فلم جالب، ردیابی اهداف سازنده گان، منظور بوده است. چنین افاده در جایی که انبوه فلم می سازند، شاید بسیار مهم نباشد؛ زیرا در زمینه ی بده و بستان و تنقید، توضیح می دهند، اما در این جا می تواند اهمیت استفاده ی آن را توجیه کند. ما از این رهگذر (استفاده ی مثبت) هم می توانیم در ماهیت های ارتجاعی، تغییرات دلخواه وارد کنیم. دهه ی طلایی (۶۰ شمسی) سینمای افغانی را فراموش نکرده ایم.

لینک داندود:

<https://www.ketabton.com/book/13360>

کتاب های من / ۶۳



- تا حصار پنتاگون

درگیری بی پیشینه ی ملت ما با عناصر بیرونی، درونمایه ی قضایای بیش از سه دهه ی افغانستان را در زمینه ای مواج می سازد که با هر تاب آن، رشته ی فهم امور سیاسی برهم می خورد. از این جاست که در طول سالیان بحران، منافع ملی ما با وضاحت موضع سیاسی تعریف نمی یابند که آن چه در این میان بسیار تاریک می ماند، بررسی تقابل با کشور های بیرونی ست!

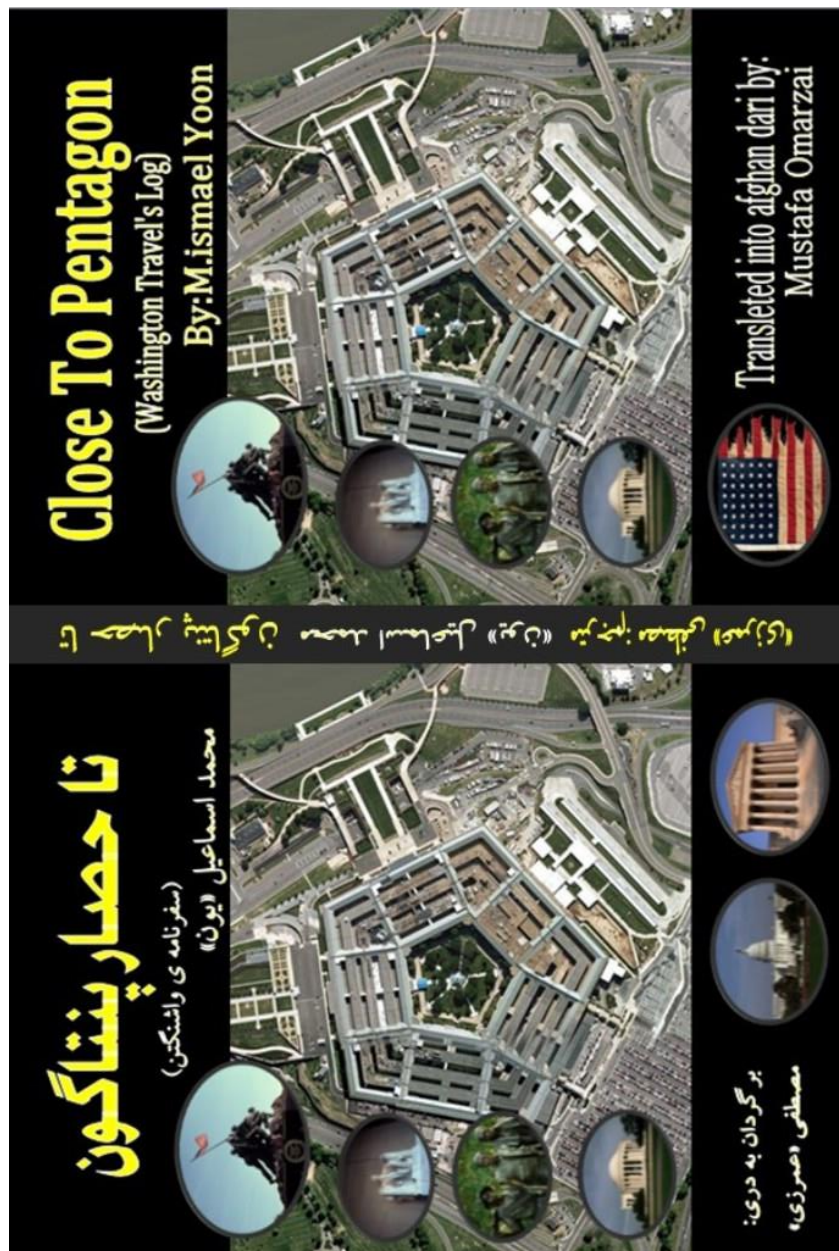
متأسفانه با حضور نقش بیگانه، جناح موافق داخلی، پس از آن که مطمئن می شود بقا یافته، موضوع برخورد در حد طرف «بلند مرتبه» پذیرفته می شود. بنا بر این، فهم ما از دانش سیاسی، در حد منافع بیگانه می ماند.

پس از کودتای ۷ ثور، برداشت حلقات رهبری افغانستان از تقابل با بیگانه، مسیری را نگشود که با طی طریق آن، از تجربه ی برخورد ها، فهمی حاصل می شود که اگر می شد، بخشی از دشواری های ما که با تنوع سیاست های بیرونی، بر اساس منافع رژیم ها و کشور ها تنظیم شده، منافع ملی افغان ها را جهت خواسته های دیگران، طرد نمی کرد.

من کمتر خواننده یا شنیده ام که سیاستگران افغان پس از تجربه ی چند دهه تنازع خیلی متفاوت و ایدیالوژیک با بیگانه، بینشی را کتابی بسازند که در سرزمینی همانند افغانستان، می توانست پیچیده گی فهم سیاست های بیرونی زمان برخورد را لاینحل نسازد.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12977>



– تاریخ عمیق

سطحی نگری، عادت معمول مردم ماست. این بینش، گاه با عواطف آنان نیز عجین می شود. در جامعه ای که تحلیل درست ارزش شناسی وجود ندارد و یک مجموعه ی بزرگ اعتقادی، بی تفکیک راستی و ناراستی پذیرفته شده، مسئله ی روشنگری با تعمیم معارف را هم دشوار می کند؛ زیرا سایه ی آن در نصاب، به نام آن چه از عرف جامعه پذیرفته شده، رسمی ست. در چنین احوالی، تنقید جدی، جدیت عادت های ناپسند را بیشتر می سازد. ما در تقابل تاریخی با خیزش های ارتجاعی، همیشه از فرهنگ سازی های لازم، بی بهره بوده ایم. با این حال، آن چه خود را نقص می کند، سوژه می آورد. در این صورت، بازتاب کنایی آن، با رونمایی دایم هجو، مطایبه و طنز، از تاثیراتی می کاهد که شاید در روند روشنگری های معارف، سال ها ممکن نباشد.

کنایه ی من از «تاریخ عمیق» از همان مفهوم، به جامعه ای مایل است که در تاریخ زده گی های موهوم، هرچه می کنند، اکثراً بر اساس گذشته هایی ست که مستند نیستند. به عبارت دیگر، استفاده ی بهینه از ابزاری که شبیه طنز، کارآیی دارند، روشنگری ها را از احاطه ای بیرون می آورند که جزو تابو هاست.

با یک تبسم ملیح، اما با معنی، چنانی که در رسم طنز است، زودتر می شود از شر باور هایی خلاص شد که وقتی در عرصه ی شوخی های مردم، کم رو شدند، سلطه ی آن ها ناممکن می شود.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13363>

کتاب های من / ۶۷



مصطفی عمرزی

- تامل و تعامل فرهنگی

در کنار ظواهر آن چه دیده می شود، چند سطح بسیار مهم ساخت و ساز وجود دارند. یک دقت غیر معمول، از کنه ی مسایلی سر در می آورد که در تولید یک امتعه ی یک بار مصرف هم این نکته را جا داده اند که تا رسیدن به دست مصرف کننده، چند لایه ی زحمت را در بر گرفته است؟

در جامعه ی مصرفی ما که تولید داخلی، خیلی زود قربانی نوسان سیاسی می شود، حداقل تامل و تعامل فرهنگی هم می تواند مفید باشد.

سال ها موادی را مصرف کرده ایم که روی جلد آن ها کاملاً واضح درج شده: «فقط برای صادرات». فکر می کنم هنوز خوراکی هایی را وارد می کنند که گاهی شبیه یک نوع چتی پاکستانی، مملو از مواد پلاستیکی سبز اند.

مردم ما پول می پردازند، اما آن چه حق شان است، به دست نمی آورند. این اشتباه مکرراً سنت شده که با خرید یک خوراکی تاریخ گذشته، در کنار ضیاع پول، صحت خود را هم قمار می زنند (مصرف خوراکی تاریخ گذشته). عبارت معمول آن که «پول رفته» را همه می دانند.

این که چه گونه می توان دید و اندیشه ی غیر معمول را کاملاً اجتماعی ساخت، در بررسی جدی، نیازمند اجندا و برنامه ریزی رسمی ست. با این حال در زمینه ی غیر رسمی می توان با استعانت از کارآیی رسانه یی، ذهنیت های موثر آن را به وجود آورد.

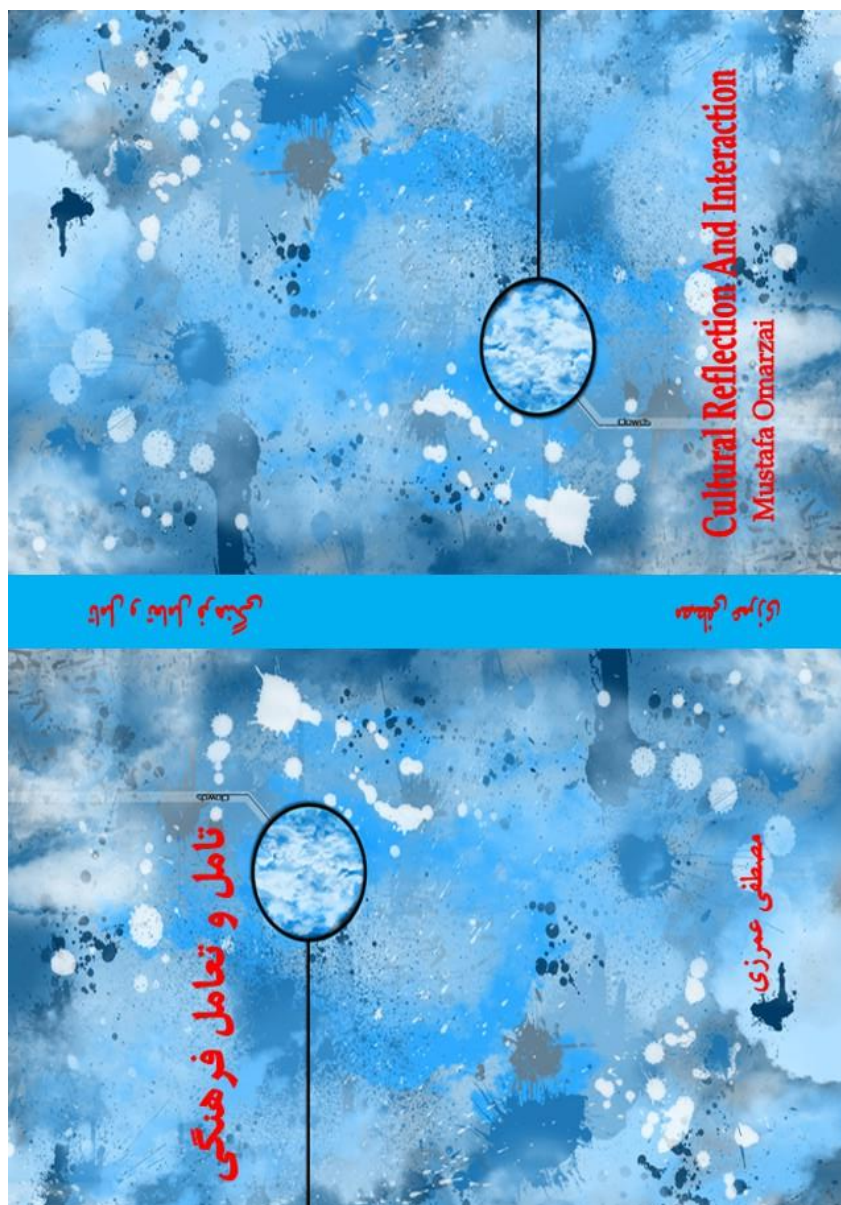
کتاب های من / ۶۹

در کتاب «تامل و تعامل فرهنگی»، مسایل غذایی مطرح نیستند. مثال های غذایی بالا را به دلیل تاثیرات عمیق آن ها آورده ام. با چند تحول کودتایی که همه جهت دغدغه ی نان، لباس و خانه وانمود می شدند، الگو های نیاز های اولیه مردم ما، جذاب تر اند؛ زیرا به اکثر اولویت هایی که در چهل سال اخیر، شعار داده می شدند، دست نیافته اند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13353>

کتاب های من / ۷۰



- تخت دهلی را فراموش می کنم!

تاریخ پردازی سیاسی ما با فراز و فرودی که در صد سال اخیر داشته ایم، بیشتر معطوف به جغرافیای کنونی افغانستان بوده است. تحولات و ناهنجاری هایی که مسیر افغان ها را به خاطر پی گیری نو آوری، دوباره به داخل می بُردند، برداشت های نه فقط بخشی از قلمپردازان دست اندر کار تاریخ ما را کنونی می سازند، بل اقشاری که در طیف های جوان، شایق پذیرش مسوولیت های مملکت اند، با نگرش بر جغرافیای سیاسی امروزی، از عناصر و حقایقی بی خبر می مانند که در امور سیاست، یک سیاستگر را توانایی می دهند وقتی در میز همسایه اش می نشیند، چه عناصری در پیوند به خلط، تاریخ و امتزاج که کلیت متجانس را در سراسر دنیا نفی می کنند، او را کمک خواهند کرد سود ببرد؟ آگاهی های تاریخ سیاسی پیوسته با نقش تبار بزرگ ما در سطح منطقه، کمک می کنند از مزایایی بهره ببریم که امتیاز ما با ریشه هایی در طول قرن هاست.

هرچند در زمینه ی رسانه، دنیا، دهکده ی کوچک است، اما نگرش ما اگر هدفمند باشد، قرائتی می شود تا منافع خویش در ارتباطات بیرونی را همیشه رعایت کنیم. لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12990>



I forget the throne of Delhi
(India Travel's Log)
By: M. Ismael Yoon

Translated into Afghan Dari by:
Mustafa Omarzai

میرجم: مصطفیٰ عمرزی،
محمد اسماعیل یون،
نخست دہلی رافراہوش می کنم



نخست دہلی رافراہوش می کنم
(سفرنامہ ی ہند)
محمد اسماعیل یون

برگردان بہ دری:
مصطفیٰ عمرزی

– تنقید روحانیت مرتجع

خشونت های بی امان که در گرو برداشت های افراد و اشخاص، صورت می گیرند، در ساحه ی دین، بیش از همه هستند. در این که مبدای بعضی خشونت ها ریشه در بی عدالتی های اجتماعی دارند، تاریخ دارد، اما اغراض اکثرأ نیازمند ابزاری می باشند تا کوچک ترین ناراحتی ها را هم توجیه کنند.

در افغانستان، بحث تنقید دین آسان نیست. با این وجود، بنیادگرایان بسیار افراطی هم می پذیرند که ریشه های گرایش های داعشی را باید جست و جو کرد.

فقط در ۱۹ سال پسین، شاید یک میلیون فرصت اقتصادی، فرهنگی، عمرانی و رفاهی را به این دلیل از دست داده باشیم که کسانی به نام حمیت دینی، نارضایتی دارند. این که چه گونه آن همه خسارت را جبران می کنند، اگر جزو حرف های ناگفته ی زیاد است، این حقیقت را هم آشکار می سازد که تداوم خشونت ها از جوهر ارزش هایی می کاهد که در سوی دیگر، جامعه ی علمای ما با درک منافع ملی و اولویت ها هشدار می دهند: خشونت های بی حد و حصر دینی – مذهبی، مردم را دچار ضعف های معنوی می کنند.

ارقام و اعداد در حال صعود اسلام گریزی افغان های زیادی خبری می شوند که نه فقط از دایره ی مصایبی گریخته اند که کسانی بی توجه به نیاز های اولیه ی مردم، خواهان قدرت اند، بل شدت خشونت هایی که تا سرحد جمود فکری، تهدید می کنند، در قرن بیست و یک، خیلی هراس آور است.

کتاب های من / ۷۴

ارزش های اسلامی هم نیازند محافظت از برداشت هایی اند که در
مثال داعش آشکار شد آن همه خشونت و جنایت، اکثراً ریشه در
منافع شخصی و گروهی داشتند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13410>

کتاب های من / ۷۵

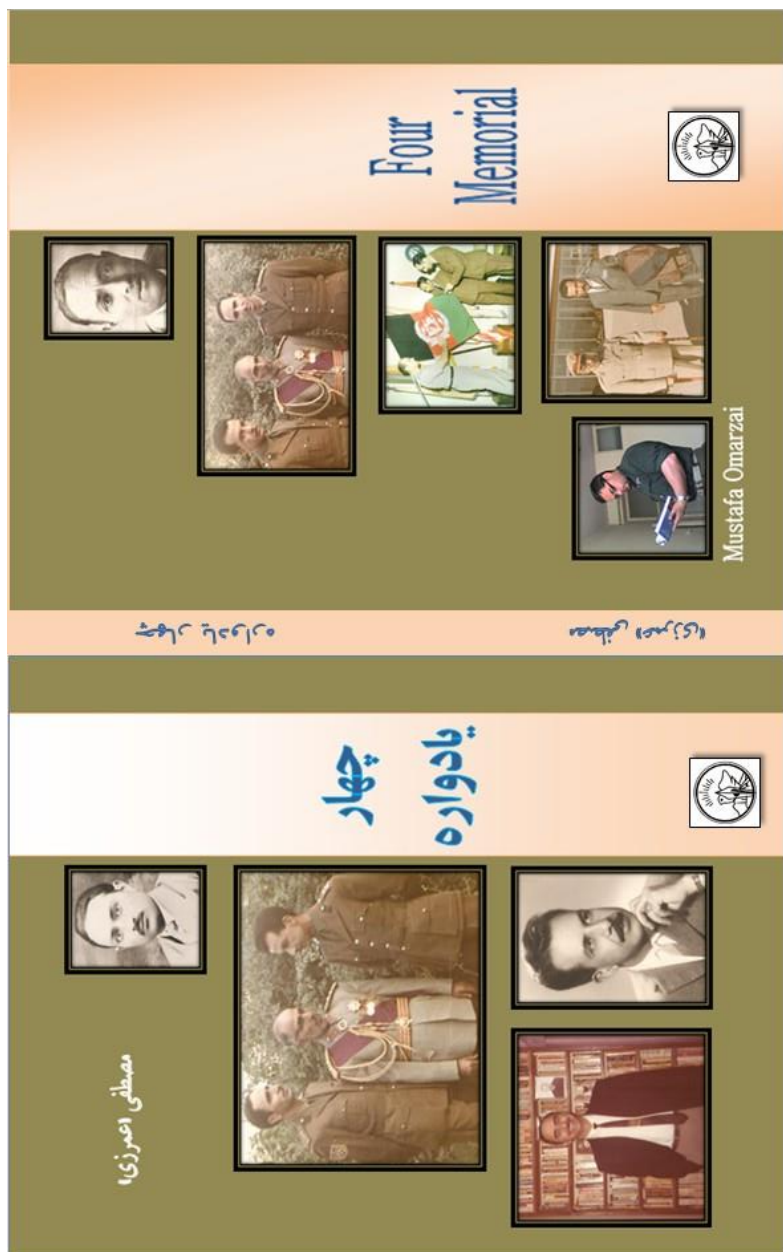


- چهار یادواره

این کتاب، شرح حال افراد بزرگ خانواده ام است. کسانی که شخصیت فرهنگی، حیثیت و شان اجتماعی شان، مرا واداشتند دور از تعلق خویشی نیز سیمای آنان را یادواره بسازم. در بازار آزاد افغانستان که امتعه ی فرهنگی اش کمترین را می سازد و کار فرهنگی، اگر فارغ از اجبار رسمیات دولتی نباشد، جز دغدغه ی فطری، عرضه نمی شود، سال ها پس از این انتظار که شاید دینی در برابر کسانی ادا شود که روزی و روزگاری خود را وقف مردم کرده بودند و با همراهی قلم می کوشیدند رونق فرهنگ، امر فرهنگی شود، در انبوه گمشده گان ادب و فرهنگ این سرزمین، فهمیدم که در این زمینه (معرفی آنان) نیز اصل وراثت / میراث، کاربرد بیشتر دارد.

لینک داندلود:

<https://www.ketabton.com/book/12624>



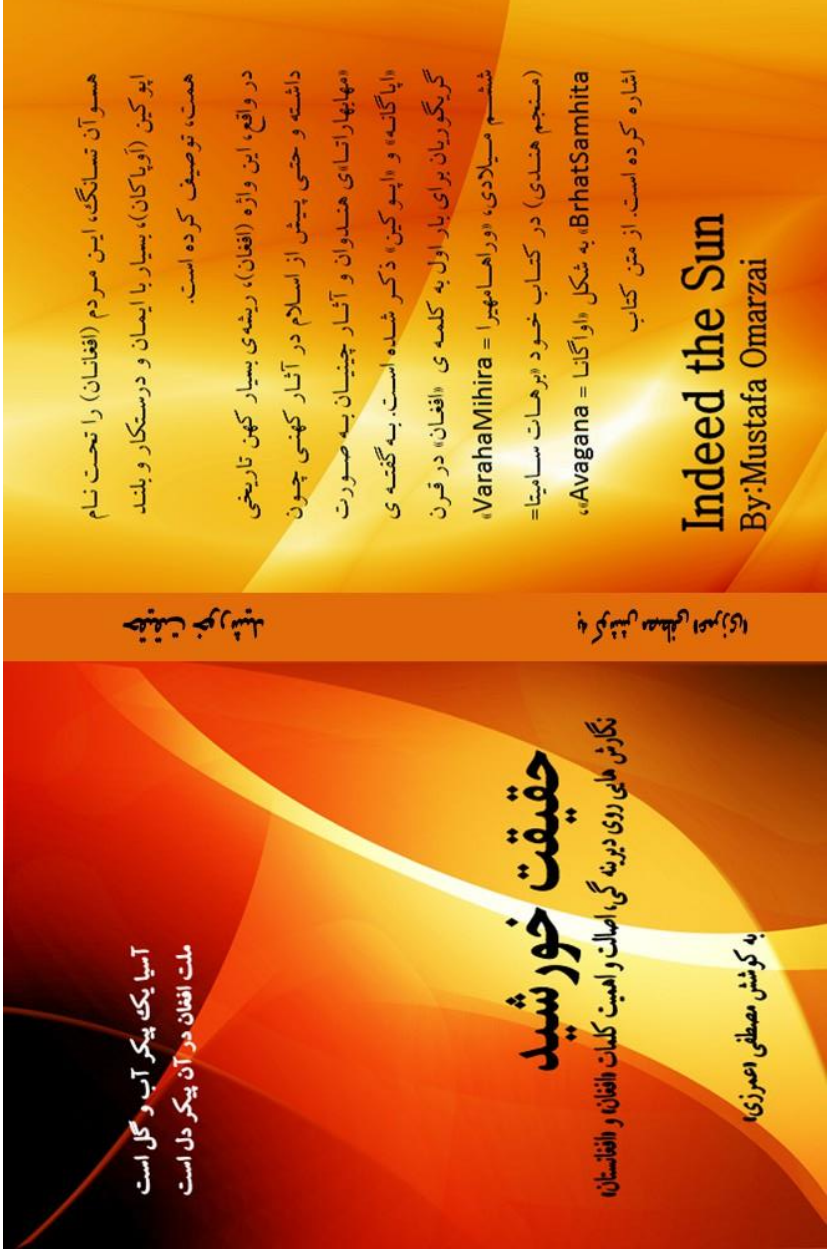
- حقیقت خورشید

سوژه بی شدن ارزش های ملی در جوی که نفهمی گفتاری نیز معمول شده، این را تقاضا می کند تا در یک سرزمین با نام و نشان تاریخی، دنبال نشانی هایی باشیم که وقتی بازار بی مضمونی «گل» کرد، شهرت های مهم نباید مضمون کمسودان و آن اقشاری شوند که گذاشتن کامنت/دیدگاه هایی با عصبيت قومی را در ترویج فرهنگ ابتدال در دنیای مجازی کاشته اند.

اگر ناهنجاری ها مجوز نمی دهند به خاطر کسب آگاهی پیرامون دیرینه گی و اصالت ها، مقداری از «زیاده زمان» مجازی خویش را صرف پژوهش در آثار بزرگان کنند یا سیر آن نگارش های تاریخی که هویت های مردم ما را تبیین می کنند، در توان شان نیست، می توانند معانی ماضی، سیاسی، اجتماعی و ادبی چند شهرت مهم ما را مثلاً در کتاب «حقیقت خورشید»، به آسانی حاصل کنند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12533>



- چهره های سیاسی افغان

چهره های شناخته شده تر تاریخ افغانستان، اکثراً افرادی هستند که با نقاشی هایی از قرن هژده به این سو، تاریخی شده اند. البته کوشش های نه چندان حرفه یی هم صورت گرفته اند تا رویت افرادی را نمایان کنند که نقاشی یا تصویر نداشته اند. خوب ترین این قسم، برداشت از شروح تاریخی ست که متأسفانه بسیار معمول نیست.

با تأثیرگذاری، به خصوص مشاهیری که مورد توجه اکثر مردم اند، اگر تصویر داشته باشند، شبیه نماد های ملی، ایده های خوب می آفرینند. در اواخر قرن نوزده، انکشاف صنعت عکاسی، چهره های سیاسی افغان ها را نیز واقعی تر ساخت. گفته می شود مرحوم امیر شیر علی خان از نخستین شاهان افغانستان است که تصاویر مستند دارد.

هرچند در تالیفات کنونی تاریخ، جای تصویر کاملاً محفوظ می باشد، اما در تاریخ نویسی های ما کمتر از واقعیت های آن استفاده شده است. بارها اتفاق می افتد که جای شخصیت ها را عوض گرفته اند. چندی پیش در یک محفل فرهنگی، تصویر مرحوم عنایت الله خان را به جای تصویر مرحوم حبیب الله خان، قرار داده بودند.

در کتاب «چهره های سیاسی افغان» از نقاشی های میرویس هوتکی تا تصاویر محمد اشرف غنی را گنجانده ام. افزون بر لطف تماشای تاریخی، خصوصیتی که در هر عصر، افراد و اشخاص را

کتاب های من / ۸۱

در بر گرفته اند، معرفت تاثیرات و تبعات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز شمرده می شوند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13200>



- در جغرافیای جهان سوم

تشدید اختلافات فرقه یی، به خصوص قومی در افغانستان، اتهام همیشه گوی بر همسایه ی غربی ست. سیاست های مشخصی که در مثال هجوم فرهنگی ثابت می شوند، انگشت انتقاد و اتهام را بر همسایه ی غربی ما نیز نشانه می روند؛ اما در فضای مکدر کنونی، آن چه از قلم می افتد، تبیین شرایط و دشواری هایی ست که همسایه گان ما را در گیر صدها معضل لاینحل قومی کرده اند. متأسفانه نبود تعمیم این ذهنیت، به افکاری منجر شده که حداقل در میان طیف هایی از اقلیت ها، به خصوص کسانی که سیاسی و فرهنگی اند، خیال کنند گویا به روزگار اصل خویش، نزدیک تر می شوند.

تجربه ی مردم ما از مهاجرت در ایران، شناخت کشوری ست که اکثریت مردم آن، بیش از همه از فارس گرایی و زبان فارسی، نفرت دارند.

در کشور هشتاد میلیونی ایران، اکثریت تُرک، کُرد، بلوچ، عرب، لُر، گیلکی و دیگران در یک سیستم سیاسی که با اعراب شیعه (سادات ایرانی) اداره می شود، اما به اثر مکتب منحنط فارسیسم و با سیستم هایی که میراث حکومت پهلوی اند، زیر فشارهای حذف قومی، در آستانه ی آسیمیله ی کامل، قرار گرفته اند.

فارس گرایی، فرهنگ مردم منطقه ی ما را سبوتاژ و وارونه می سازد. به این دلیل، تخته خیز فارسی به محل پرش حقارت هایی مبدل شده که روی کُل منطقه، به خصوص روی بیش از پنجاه قوم و سی زبان با نام و نشان افغانستان نیز سیاه می افکند.

در ایران معمولاً به منظور آسیمیله ساختن جبری، به نام فارسی زبان، هویت های اقوام را می دزدند. خطاب اصطلاح فارسی زبان به مردمی که هویت قومی مشخص دارند، اما فقط به خاطر ناگزیری ها و ضروریات، به غیر از زبان مادری خویش صحبت می کنند، توهم مشهور فارسکی ست. این توهم که با توجه بر عمومیت کمابیش ۱۰ یا ۱۵ درصدی زبان دری در افغانستان (تحقیق سی.آی.ای / CIA) نیز حاصل شده، شوونیسم ایرانی را حریص می سازد در درز های سیاسی کشور ما با نفرت تبر بزنند؛ اما در دنیای ما جای نهان وجود ندارد.

انهدام ارضی ایران با ابراز نارضایتی های گسترده ی قومی که همه روی خودمختاری یا فدرال، به نمونه ی حاکمیت قاجار تاسی می جویند، پشت خالی ای ست که شوونیسم منفور فارسی با تمام قدرت می کوشد مکتوم بماند.

چنان چه در آغاز این مقال آوردم، شناخت معضلات بنیانی طرف های مغرض در افغانستان، می توانند مردم ما را به قناعت جمعی برسانند که دنبال کردن کلیت های متجانس که در یک واحد سیاسی مسجل می شوند، ناممکن است.

در کتاب «در جغرافیای جهان سوم»، در مثال های ستم ملی، ستیز قومی و تبعیض گسترده ی پدیده ی سخیف فارسی نسبت به اقوام، کلیتی از دشواری هایی را ملاحظه می کنیم که چه گونه سیاستگران حریص کشور های بیگانه با ستر کردن مشکلات خود، به سهم دیگران، طمع بسته اند.

این واقعیت که کشور های همسایه هرگز توان جذب جغرافیای افغانستان را ندارند و از رهگذر تنوع قومی، به شدت به تعب سیاسی گرفتار می شوند، اگر در طرف آن ها معلوم باشد، در

افغانستان ما بسیار وضاحت ندارد. به این دلیل، گرایش های انحرافی سیاسی که از سوی طیف های فاسد فرهنگی - سیاسی بعضی اقلیت ها رونما شده اند، همچنان باعث می شوند استخبارات منطقه جهت سوء استفاده، کشور ما را در بند نگه دارند. به این لحاظ، بازی کردن با کارت های قومی و مذهبی، ممد سیاست های مغرضانه ی کشور های همسایه می شود.

خوشبختانه یا بدبختانه در پهنای جغرافیای جهان سوم، آن قدر مشکلات، بدبختی و دشواری وجود دارند که اگر ملاحظه ی اخلاقی را کنار بگذاریم، شاید همان جنبه ها باعث شده باشند برگشت افغان ها از کشور های همسایه، به معنی رجعت داوطلبانه و پُرافتخار به مام میهن تلقی شده باشد. افغان های مهاجر در کشور های همسایه، به خصوص در ایران، واقعیت های خیلی بد را تجربه کرده اند.

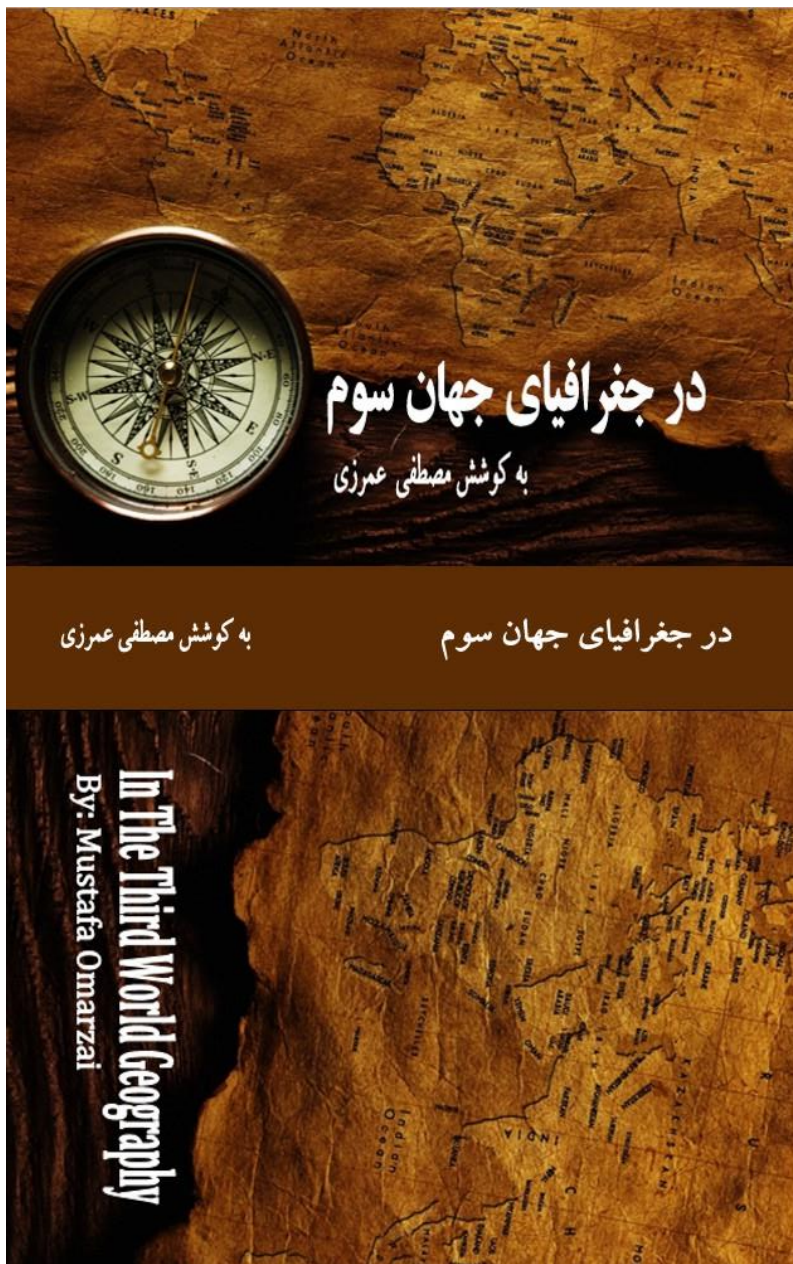
در جغرافیای جهان سوم، استثنای فوقیت وجود ندارد. فقط بعضی تفاوت هایی که در میزان درآمدهای طبیعی یا ثبات سیاسی نوع رژیم ها دیده می شوند، این محدوده را شاخصه می دهند.

با کاهش استعمار مستقیم، اما تب هیجانات قومی، مردم را به تقلا می اندازد تا هر کدام بر اساس پس منظر تاریخی یا کثرت اجتماعی، نقش سیاسی فعال داشته باشند. این مسئله و مسایل دیگر، همچنان نکات عطف اند که در جغرافیای جهان سوم، رسیدن به مامول ملی، چه مراتبی دارد؟

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12548>

کتاب های من / ۸۵



- در قلب کرملین

توسعه ی امپریالیسم تزاری در آسیای میانه، تامل جدی ما روی عنصر متجاوز روس در تاریخ معاصر است. حضور مردم مسلمان امارت نشین بخارا در افغانستان و قضیه ی پنجاه، مُعضلاتی بودند که در انعکاس داخلی، افغان ها را پیرامون بررسی پدیده ی در حال توسعه ی روسیه ی تزاری، در سیاست پردازی های افغانستان، متوجه می کنند.

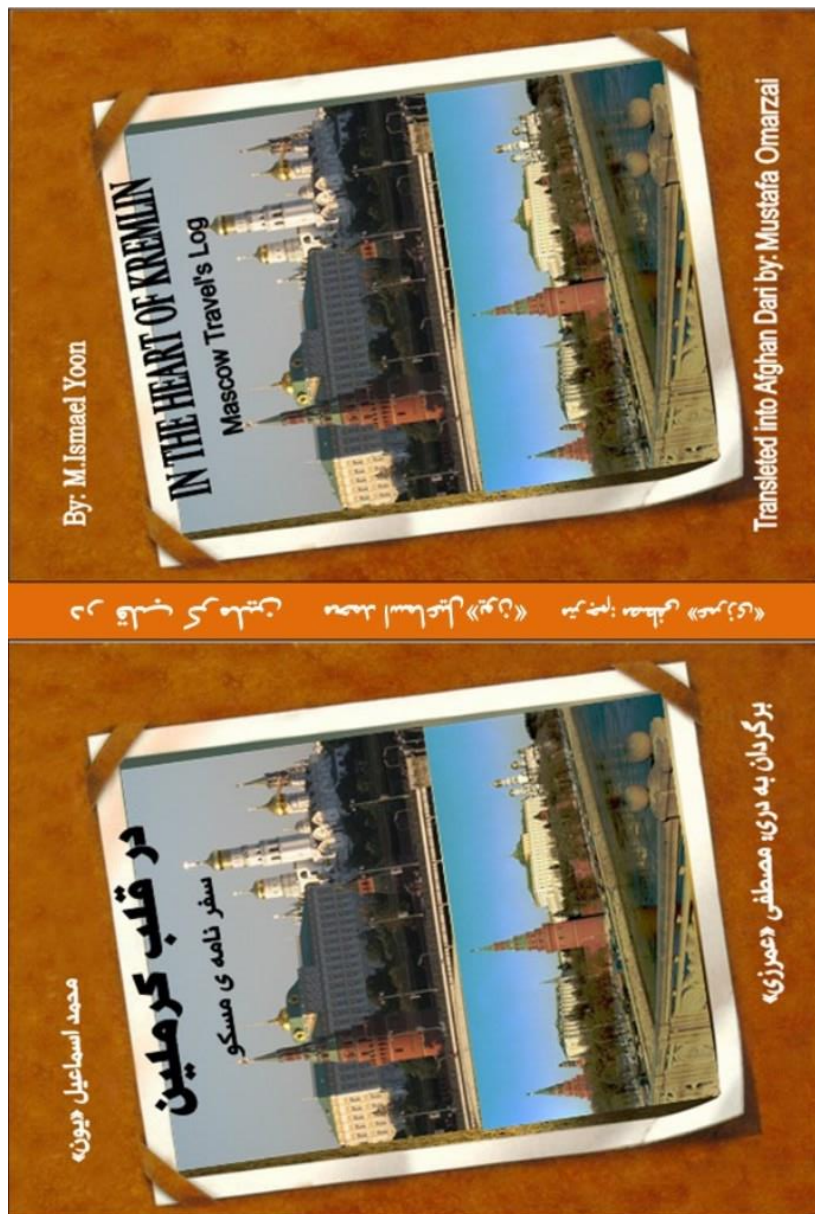
تحول اکتوبر ۱۹۱۷ و تعویض ظاهری روس با شوروی و ایجاد حاکمیت جدید (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۱۹۲۲) افغانستان را که پس از ۱۹۱۹ با اعلام این که دیگر نیازی ندارد در امور خارجی با بریتانیا مشوره کند، در میز توافق با روس ها می نشاند. بنا بر این، تهدید تزاری، مبدل به تعهد در امر مبارزه ی مشترک با استعمار کهن انگلیس، میان افغان ها و روس ها می شود.

افغانستان، اولین کشوری ست که اتحاد شوروی را به رسمیت می شناسد و جانب مقابل نیز این مسئله را رعایت می کند. تلاقی دوستانه، توجه زعمای شوروی را با وجود این که مُعضل اقتصادی داشتند، بر امر تامین نیازهای فنی افغان ها هم جلب می کند؛ اما دیری نمی پاید که ظاهر شوروی، باطن امپریالیسم روسی را معرفی می کند.

شاه امان الله با تعهد اسلامی و دین اخوانی، به کمک و تقویت آن مجاهدین و مبارزین آسیای میانه می پردازد که در برابر شورویان، از خاک های خویش دفاع می کردند. در این میان، سهم داوطلبان

و مبارزان افغان که برای کمک به برادران مسلمان تاجک، اوزبیک و ترکمن خویش با روسان می جنگیدند، نخستین تقابل سیاسی خصمانه ی ما پس از دوره ی تزاری با روس ها بود. تسلط شوروی بر آسیای میانه و تجزیه ی آن ساحه به کشور های کنونی، نقش سازنده و مخرب در سلطنت ها و جمهوریت های افغانستان، حضور مستقیم با حمایت از کودتایان چپی و بالاخره پی آمد زوال شوروی و نقش تازه ی روسیه ی کنونی، می بایست مسئله ی پیوند با همسایه ی بزرگ شمالی (وصف رفقای چپی از اتحاد شوروی) را در راس سیاست های خارجی ما قرار می دادند. متأسفانه منابعی که مهمترین طرف سیاسی ما در چند دهه ی اخیر را در بر می گیرند، بیشتر در تفصیل و تفاسیر غربیان از تجربه ی حضور شوروی در افغانستان هستند. حتی رفقای متعهد به منافع شوروی، سال ها پس از سقوط آن پدیده ی خشن، در حالی که ولادیمیر پوتین، راکت ها و حضور او در جهان را با باور های اعتقادی خویش، همچنان عوض گرفته اند، از راز ها و تجربیاتی کمتر می گویند که اگر ذره ای از کُل افشا کنند، پس از رعایت خودسانسوری، همچنان آرزو برای برپایی محافل رفقای است. لینک دانلود:

<http://www.ketabton.com/book/13009>



- در متن مدعا

ادعای عمومیت شیعه گری در افغانستان، با مدعای ولایت فقیه، گره خورده است. در جنگ های داخلی، شعار های ایرانی «پنجاه درصد مردم افغانستان، شیعه اند!»، گروهک های مزدور و وابسته به ایران را در مقابل همه، قرار می دادند.

از بخت بد، جامعه ی اقلیت اهل تشیع افغانستان که فقط بیش از ده درصد مردم ما را تشکیل می دهند (تحقیق سی.آی.ای / CIA) در فجایی نیز قربانی شدند که گذشته ی آنان را در میان عامه ی افغان ها نادیده می گرفتند.

صرف نظر از پس منظر تاریخی رشد و نضج تشیع در افغانستان، زنده گی برادروار و صلح آمیز اقوام، اقشار و طیف های مختلف افغان در افغانستان، مردم ما را در نوع زنده گی خاصی که در این جا یافته بودند، در برابر اکثر امراض و گرایش هایی وقایه کرده بود که در ایران و پاکستان، به نام تضاد های فرقه یی و قومی، پیشینه های دور و دراز دارند.

از زمانی که داعیه ی شیعه گری به مثابه ی ادعای ایرانی- فارسی نیز مبدل شده، حلقات داخلی وابسته به ولایت فقیه، دست کم از ستمیان ندارند.

شراکت های مذهبی به نام سادات اهل تشیع، جوامع سیاست زده ی شیعه ی افغانستان را به زشتی هایی نیز تشویق کرده اند که در کار رسانه یی- فرهنگی، پنهان نکردند.

احساس می شود در مراحل و مراتبی وابسته گان به مقام مذهبی ایران، همانند وابسته گان به فارسیسم ایرانی، در افغان ستیزی رقابت می کنند. به این منظور توسعه ی هرچه بیشتر مراکز مذهبی،

از مساجد تا موسسات تحصیلات عالی که بعضی را با سوء استفاده به نام دانشگاه راه انداخته اند، در شرایطی که سیاست های خارجی ایران، روی عوامل خویش سود می جوید، جامعه ی افغانی را به نابسامانی های بیشتر می کشاند.

شعار های علنی در جاده ها و پیاده رو های کابل با محتوای «مهدی از اهل بیت است!» یا «هر کسی مهدی را انکار کند، همانا کافر می شود!»، کفر علنی ضد سلامت اجتماعی افغانستان شمرده می شوند.

ناگزیری ها یا اغماض عمدی، حرف ها را به جایی رسانده اند که زیر سوال بُردن مشروعیت واحد سیاسی افغانستان نیز از ریخت نحس به اصطلاح آزادی هایی بیرون زده که به نام رسانه و کار فرهنگی، مجوز داده اند.

در اوضاعی که اولویت های افغان ها تامین نیاز های اولیه است، مردم مظلوم و ستم دیده ی ما را در بستر تنازعات مختلف، به جان هم می اندازند.

در کتاب «در متن مدعا»، واقعیت های هولناک و تلخ جامعه ی اهل سنت ایران را می خوانیم. برخلاف آزادی های شاخدار و حتی وقیحی که وابسته گان ولایت فقیه در افغانستان با استفاده از آن ها افغان ستیزی می کنند، جمعیت اهل سنت ایران که چند برابر بزرگ تر از اهل تشیع افغانستان اند (در حدود ۲۰ میلیون) از کمترین حقوق مذهبی، برخوردار نیستند. این بی عدالتی در حالی که سیاست های خارجی ایران، ولایت فقیه را به وسیله ی سود سیاسی مبدل می سازد، حقیقت تلخ دیگری ست که چه گونه بعضی سیاستگران بی کفایت و خائن ما، به دشمنان فرصت داده

اند و در سایه ی فرهنگ توجیهات بی معنی، مردم ما از پی آمد مداخلاتی بی خبر می مانند که شاید دیر یا زود با مُعضلات نمونه ی لشکر فاطمیون، عملاً در گیر تفرقه ی مذهبی شوند.

دستگاه های تبلیغاتی ایران، بی هیچ اختفایی همواره و به افتخار از مزایای حضور نظامی در یمن، سوریه، افغانستان و سراسر منطقه ی پیرامون ایران، خبر می دهند. به اثر این بازی ها که از همه قربانی می گیرند، جمهوری اسلامی ایران در معاملات جهانی، کسب درآمد می کند. در واقع همین سیاست ها که داخل ایران را نیز دچار فاجعه ی بشری کمبود خدمات و کار کرده اند، بقای نظامی را طولانی می سازند که از مدرک دست آورد های اقتصادی، هشتاد درصد به نفت اعراب و گُر های جنوب ایران، وابسته می باشد.

امیدوارم با مرور و ملاحظه ی حقایقی که در روشنگری هایی چون کتاب «در متن مدعا»، رونما می شوند، ماهیت حضور و مداخله ی بیگانه گان را هر چه بیشتر درک کنید!

باز گذاشتن دستان بیگانه گان در کشور، در منطقه ی زیست ما که با بقایای جمهوری های شوروی سابق، شرارت پاکستان و ایران آلوده هستند، افغانستان را در شرایط دشواری که تامین نیاز های اساسی اش وابسته به امداد بین المللی می باشد، در شدت وابسته گی ها، دست بسته می سازد.

به هر صورت، درک این حقیقت تلخ که اگر اهل سنت در ایران، بدتر از کافر تلقی می شوند، مداخله ی ولایت فقیه در کشور های اهل سنت، توأم با نفرت شدید است. به این دلیل، تخریب و تخریش پایه ها و ارزش هایی که تا سرحد سقوط (تجزیه) مثال ایرانی دارند، نباید باعث تعجب بسیار شوند.

کتاب های من / ۹۲

مداخله ی ایرانی در جهان مسلمانان غیر تشیع، با دو گونه ی فرهنگی و مذهبی، اما اکثراً به یک منظور، صورت می گیرد: مصادره ی داشته ها و سرزمین های اهل سنت به نام کافر و غیر فارس / مجوس.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12547>

کتاب های من / ۹۳

In the context of the claim

By:
Mustafa Omarzai



در متن مدعا

به کوشش مصطفی عمرزی

در متن مدعا

به کوشش:
مصطفی «عمرزی»

در متن مدعا

- دُر دری

شناخت تحلیلی زبان و ادبیات، ابهام نام و نشان آن ها را کاهش می دهد؛ اما به این معنی نیست که کاملاً تشهیر کند. به این دلیل، تعیین مبداء برای آن پدیده های انسانی که با تحولات مختلف بشری، رشد کرده اند، بسیار موجه نیست.

در زمینه ی زبان ترکیبی دری یا به اصطلاح فارسی، موافق و مخالف در تنگنای تشهیر آن در ادبیات، نمی توانند بسیار اصرار کنند که یک آدرس دارد. این مسئله، بیشتر به ماهیت زبان هایی برمی گردد که در دسته بندی کُلی زبان شناسی (اشتقاقی و ترکیبی) شناخته می شوند.

در درگیری بر سر نام و مشخصات زبان، بهتر است آن ها را به گونه ای بشناسیم که افزون بر تشهیر فرهنگی، کارآیی و تعلق خاطر قومی، تبیین اجزای متشکله ی آن ها از دشواری پذیرش نام ها می کاهد. به هر صورت، زبان یک پدیده ی اکتسابی ست.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13220>

کتاب های من / ۹۵



- درست نویسی پشتو

با ترجمه ی دری این کتاب، یک گام مهم دیگر در زمینه ی آموزش زبان ملی پشتو، برداشته می شود. این کتاب با تجربیات بیش از دو دهه ی مولف آن در عرصه ی تدریس، از ویژه گی برخوردار است.

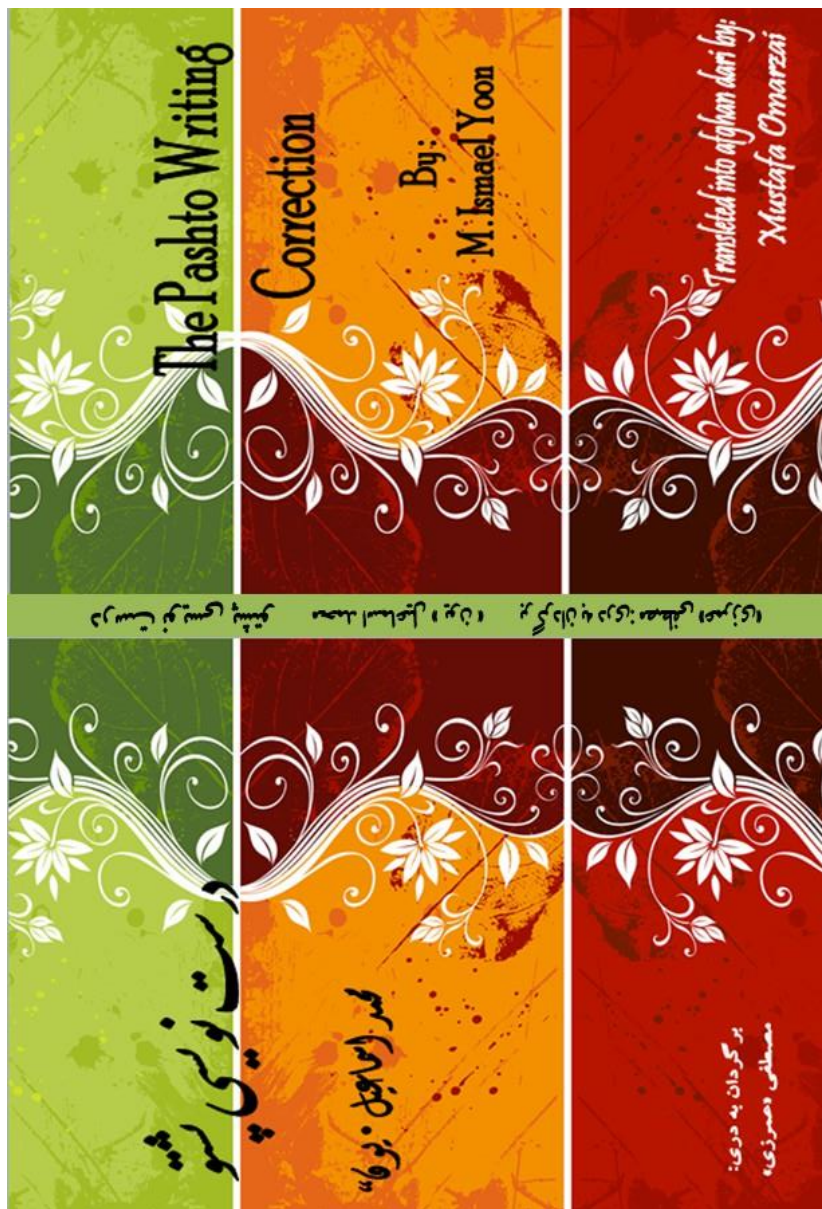
کتاب «درست نویسی پشتو» در سطوح مبتدیان پوهنتون، شاید در شمار کتاب هایی نباشد که آغاز الفبایی دارند، اما پس از آگاهی مقدماتی، به عنوان یک متمم خوب معرفی می شود تا در زمینه ی زبان پشتو، نگارش بهتر داشته باشیم.

هرچند زمان طولانی ست زبان پشتو، جزو زبان های رسمی ما قرار دارد، اما بی ثباتی سیاسی و تغییر رژیم هایی که حتی در سطح ایدئالوژیک، رهروان بسیار همفکر نداشتند، تعمیم و فهم کتابی-نوشتاری زبان های رسمی افغانستان را ایستایی داده اند.

تعقیب نصاب دولتی و توريد سلیقه، پا به پای بی ثباتی سیاسی-اجتماعی، زبان های رسمی افغانستان را در جایی قرار می دهند که اگر امروزه دچار خدشه اند و مقوله ی تهاجم فرهنگی مطرح است، بیش از همه بر می گردند بر انحراف سیاسی و نبود منابع مورد نیاز.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12926>



- دری افغانی

سفارش طبابت برای پرهیز از دیابت (مرض شکر) مصداق «وقایه، بهتر از معالجه است»، اما با رعایت محتوای این پیام، می توان بر زمینه های دیگر نیز مراقب بود. به اعتقاد من، مصداق فرهنگی این توصیه، برای وقایه در برابر مرض شکر فرهنگی (قند پاری) بسیار اهمیت دارد.

در یک قرن اخیر با گشایش دکانی به نام «شیرینی فروشی قند پاری / فارسی»، مرضی تولید کرده اند که با ابتلاء به آن، خاصیت غیر علاج مرض قند، دامنگیر گروه ها و افراد زیادی شده است. مبتلایان به بیماری قند پاری، همانند مریض دیابت گرفته، آهسته آهسته بصیرت خویش را از دست می دهند. آنان در حالی که از سایر زیان های بیماری لاعلاج خود توهم دارند، دهن را با اجزای فارسیسم (آریایی، خر-آسانی و سایر عقب مانده گی های فکری) شیرین تر می سازند.

با ویژه گی لاعلاج مرض دیابت، مبتلایان به این بیماری، ناشران اندیشه ای اند که در متن مدعای فرهنگی، امتزاج چنان آلوده گی هایی می شوند که بر اساس آن ها، بیماری افتخار، حتی در جغرافیای عقب مانده گی جهان سوم، انواع شده است. بنا بر این با استحال ی فرهنگ ها و اقوام، هویت های دیگران را به نام «فارسی زبان»، مصادره می کنند / می دزدند.

با نشر این کتاب، زحمات خودم، نویسنده گان هزاره، عرب، پشتون، اوزبیک و دیگران را کلیت کرده ام تا در هرج و مرج کنونی که می خواهند عامدانه ویژه گی های ما را حاشیه یی

کتاب های من / ۹۹

بسازند، یک کار مهم جهت تبیین منافع و مشخصات فرهنگی - سیاسی ما نیز شده باشد.
یادآوری:

پس از انتشار کتاب «دری افغانی»، ضمن استقبال گسترده ی مردم، هرچند از پارس های «خلیفه روغن ها»، برکنار نماند، اما توضیح دوستان و بزرگان، باعث شد آگاه شویم که حدود ۴۰ سال قبل، کتابی به نام «ادب دری افغانی» از سوی مهمترین ارگان نشراتی آن زمان (اداره ی دارالتالیف وزارت معارف) منتشر شده بود. بنا بر این، اصطلاح «دری افغانی»، نه فقط مسجل شده، بل با پیش زمینه های فکری، جلد یک کتاب مهم را هم در بر می گرفت.
لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12780>

به کوشش مصطفیٰ عمرزی

دري افغاني

به کوشش مصطفیٰ عمرزی

دري افغاني

مجموعه ی تحقیقی، تحلیلی و تاریخی پیرامون دری و زوایای زبان دری
چاپ دوم - خزان ۱۳۹۷ شمسی

Afghan Dari
By: Mustafa Omarzai

2018

«...پرومکس در ایران، تلاش های گسترده ی فرهنگی و تبلیغاتی را جهت تعمیم و گسترش «فارسی» به راه انداخته بودند. هجوم نشریات و کتب ایرانی به افغانستان، خاصاً در دهه های معاصر (۹۰ تا ۹۰ شمسی)، ذوقیت عامه را در تألیف ناآگاهانه ی کلمه ی «فارسی» و ارجحیت آن را بر زبان «دری» در دلبسته ی جامعه شکل داد و به عنوان پیک اسم با مسی، جا گرفت.

نقد فرهنگ ایران، نه تنها در معنوده ی دلبسته ها و زبان عام مردم، جا گرفت، بل حتی در سطح آکادمیک و تحقیقاتی نیز اثر گذاشت و نوشته ها و تحلیل های ادیبان و محققین ادبیات دری را به این باور آماده ساخت تا برای زبان دری، پیشوند «فارسی» دری را بازگو کنند. این ترکیب (فارسی دری)، هویت زبان دری را در موازنه ی برداشت های انفرادی نویسنده گان، قرار داد.

در دهه های ۷۰ و ۸۰، جنگ های خلیستان سوز و گسترش اختلافات صهیونیستی و قومی باعث شدند تا دری زبانان افغانستان، ناآگاهانه فارس زده شوند و پیوندی به آن طرف دهند. این برنامه ی نفوذی فرهنگی، نه تنها اصالت زبان ما را خدشه دار می سازد، بل آینده گمان ما را نیز در سرگردانی و بی هویتی قرار می دهد. بنابر این، نسل های آینده ی افغانستان، نسبی شوند با وضاحت و استدلال از دانشه های فرهنگی - زبانی خویش، به دفاع بپردازند.

(از من کتاب)

- در هرج و مرج زیستن

ذات یک نسل ما متزلزل است. در لغزش های سیاسی پسین که به چهار دهه رسیده اند، کسانی که در آن ها تولد شده بودند، حالا میانسالانی هستند که اگر موفق شوند از معیارات زنده گی در یک جغرافیای بحرانی بگذرند، تیغ چند سره ی ایدیالوژیک، حتماً از بعضی قربانی می گیرد. در این جا پایان عمر هم به کابوس می ماند.

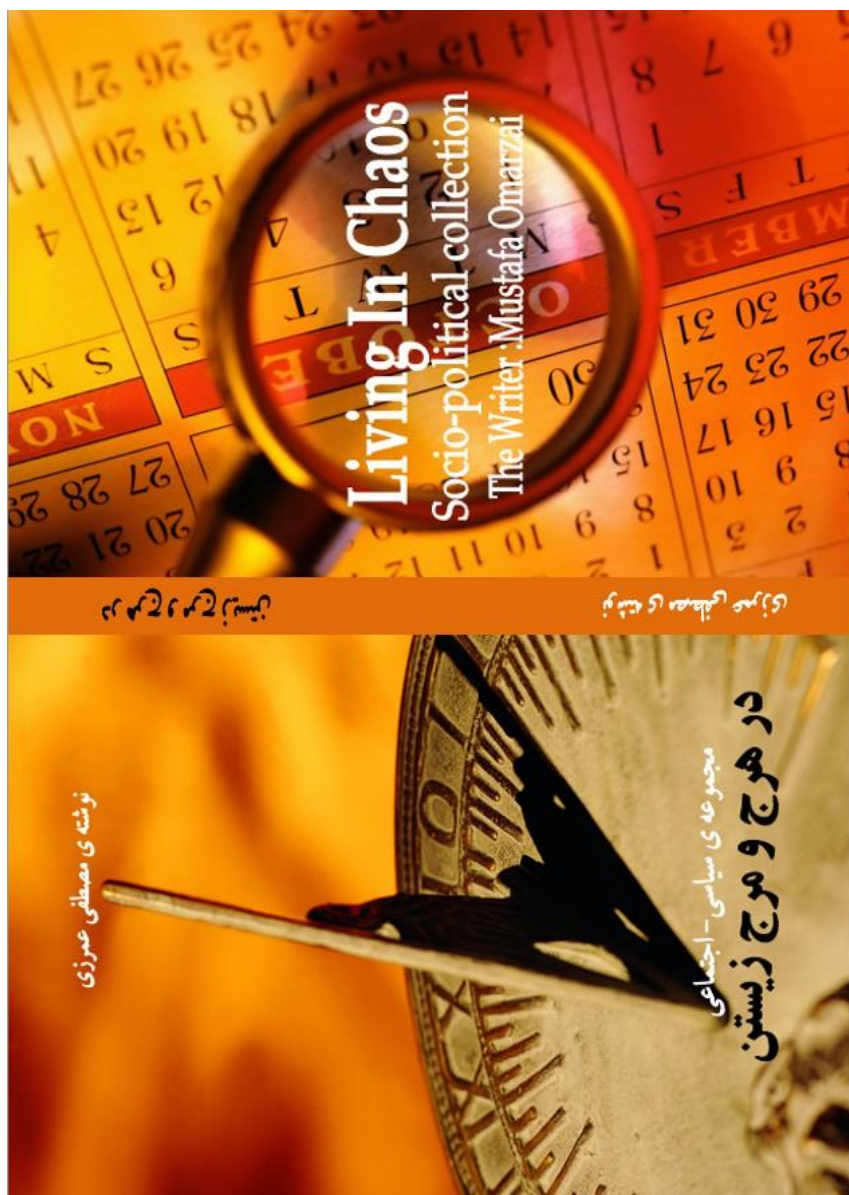
در عادت زنده گی ما، هرج و مرج، تخته خیز صعود نیست. ما در پایان بازی های سیاسی - اجتماعی گروه هایی که دولرداری را از روی نسخه های کتابی کاپی می کردند، انتظار می کشیم نوبت دیگرانی هم برسد که برای تطبیق نسخه های شان، همچنان انسان می گُشنند؛ اما آن چه در این میان، از چشم می افتد، فرار ذهنیت ماواست.

استمرار دشواری ها، آخر به ریشه های مردم ما می رسد. وطن ما مانند خاک مرطوب شده است. در هیچ کجایش قرار یافت نمی شود.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13224>

کتاب های من / ۱۰۲



- در محور بنیان اندیشی

تا انتشار این کتاب هم یقین دارم که حوزه ی تحقیق، تاریخ و ادبیات ما از تحلیل های «بنیان اندیشی»، اکثراً خالی ست؛ زیرا پرسش های زیادی بی پاسخ مانده اند.

یک نوع تقابل فرهنگی که در میان بحث های سیاسی، زبانه می کشد، در خلط بی ربط مفاهیم، افغانستان را با تمام سنگینی سجل بین المللی، به حاشیه می برد.

رسوب ذهنیت های مخرب که به نام تاریخ، جلو اقتدار کنونی سیاسی جا زده اند، حداقل بخش هایی از واحدهای کوچک قومی را به درز های مبدل ساخته که با طرح های دلخواه گذشته، عملاً در چاله ی سوء تفاهم، سقوط کرده اند.

این سوال همواره باقی ست که در عصر تکنالوژی که فرآورده های مختلف آن در مرز های جهان سوم در بست وارد می شوند، با تاریخی چه باید کرد که در آن حداقل مفاهیم کنونی حقوق بشر، آزادی ها، زنان و مردمسالاری هم یافت نمی شود.

در فرصت همین کتاب، روی اصالت ها و پاسداشت حقوق فرهنگیانی بحث کرده ام که مکتب «بنیان اندیشی» را در جغرافیای فرهنگی ما لطف کرده اند. بنا بر این در این تلویح بایسته است یادآوری کنم که ریشه های بعضی معضلات ما قدیمی / باستانی هم هستند. در واقع بنیان اندیشی به همین ها رسیده گی می کند. منتها با یک افزودی دیگر، تعمیم آن را در تمام عرصه ها پیشنهاد می کنم. چون ریشه یابی معضلات در این جا، شبیه آدم های مطرود است.

لینک داندود:

کتاب های من / ۱۰۴

<https://www.ketabton.com/book/13293>



- در منظر بیگانه

چه قدر در آن شمایل به اصطلاح مذهبی شان، تقلب وجود دارد! در دهکده ی به اصطلاح کوچک جهانی، به خصوص شبکه های اجتماعی هم می توانند راز های سر به مهری را باز کنند که مثلاً در سیمای تیک تاک، یک سیاه سر می رقصند، اما در همان کشور، بابه اش شماری را تحریک می کند که در جای دیگر، این جنس (اناث) کاملاً نارواست. چرا روی فرهنگ هایی کار نکنیم تا در منظر بیگانه، تمام جای آن را نشان دهد؟ چرا های زیادی وجود دارند که در برابر ما رژه می روند. چرا باید جهاد عظیم مردم ما علیه اتحاد شوروی، به هرج و مرجی کشانده می شد که حالا در موضع داعش، منفور می شود. در واقع پی آمد همان جریان بود که بنیادگرایی مذهبی را وسیله ی اذیت مردم ساخته است.

در منظر ما، رقابت تخریب خانمان افغان ها توسط کسانی که گویا به خاطر مردم می رزمند، در زشت ترین چهره هم عادت شده، اما در منظر بیگانه، تحریک نمی شود. بپذیریم که با خوب ترین بازی های سیاسی، یک مجموعه ی مجنون و بدبخت را که ناخودآگاه و از فقر اقتصادی (شکم گرسنه گی) در خط جهادی افتیده اند، تشویق می کنند تمام کفر بیگانه را نادیده بگیرند، اما در خانه ی خود، برادر خود را روی سجاده بکشند.

در منظر بیگانه، چیز های زیادی وجود دارند که اکثر برادران علاقه مند جهاد در افغانستان، هنوز هم ندیده اند یا نمی خواهند ببینند. گاهی تعیین ناروا در این موضع (حقیقت) به خاطر حرام نیست. به خاطر اغفال است!

لینک دانلود:

کتاب های من / ۱۰۶

<https://www.ketabton.com/book/13335>



- ذهنیت متنازع

نوع نگرش در گیر یا در گیری ذهنی، ذهنیت متنازع تمام افغان هایی ست که در جامعه ی بحرانی ما زاده شدند و زنده گی می کنند.

یافت پاسخ یا اختیار موضع مثبت و منفی در قبال رویداد ها و افرادی که با تحمیل بیش از حد سیاسی، ناگزیر ترک عادت می کنند، بیش از همه یافت راه حل را دشوار می کند. بدتر از همه، رهایی از در گیری دایم ذهنی تا توان فکری را سمت و سوی درست بخشید، بازتاب اندیشه ها را در حاشیه ی زنده گی مردم قرار می دهد؛ زیرا در گیری ذهنی آن که به جبر از مقدرات ملی بیرون آورده شده، آن را منوط به واحد هایی می کند که می پندارد قوم، زبان، سمت و منطقه هستند.

فشار مضاعف در گیری ذهنی، اکثراً عذاب الیم مردمانی ست که وجدانی برخورد می کنند. افراد زیادی در محک تجربه ی آن شناخته می شوند که با عدول از موضع سابق، هر چند با از دست دادن فرصت ها، اما خواسته اند از پی آمد هایی در امان بمانند که در دایره ی درک وجدانی آدم های آگاه و تربیه یافته، بیشتر تداعی می شود.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13233>

کتاب های من / ۱۰۸



- رسانه های کنونی افغانی

بهترین گونه ی کار رسانه یی در زمینه ای شکل می گیرد که بنیان تاریخی داشته باشد. گذار از قرن نوزده و تحولات اوایل قرن بیست، بنیان رسانه های معاصر افغانستان را گذاشته اند.

تا پایان نخستین جمهوریت (۱۳۵۷) هرچند تنوع آزادی و قیود، نوسان مسیر رسانه ها می شود، اما چند دهه تجربه ی کاری که بسیار ایدئالوژیک نشد، رسانه های افغانستان را که بیشتر مطبوع بودند، در حالی معرفی می کند که شفافیت مالی و رسالت کاری، دو اصل مهم در شناخت آن ها به شمار رفته اند.

پس از کودتای ۷ ثور سال ۱۳۵۷ الی پایان امارت اسلامی طالبان، تضاد و تناقض در دامان انحصارات دولتی، سیمای رسانه های افغانی را در انواعی معرفی می کنند که اگر مسوولیت ها در برابر تمامیت ارضی و منافع ملی تبارز می کردند، بیشتر پس از قرائت های فلتر شده ی ایدئالوژیک بودند. بنا بر این، مسیری که رسانه های افغانستان را باید در راستای منافع مردم آشکار می کرد، انحنا می یابد.

کمیت رسانه های افغانی پس از حاکمیت طالبان، اگر کیفیت را زیر سوال می بُرد، انقطاع تجربیاتی نیز بود که می بایست ایدئالوژیک نمی شدند.

بازار گرم درآمد های نامشروع که تا حراج ارزش های ملی افغانستان، به نام آزاد توجیه می شود، در بیش از یک دهه ای که گذشت، ما را با بُرجی نیز معرفی کرد که اگر کاهش حضور مالی جامعه ی جهانی نبود، حداقل در رقابت صعود از برج خلیفه در دوبی، موردی می داشتیم تا در کتاب «گینز» ثبت شود.

کتاب های من / ۱۱۰

برای بررسی، تفکیک و ماهیت رسانه هایی افغانی، کار هایی شده اند که هرچند در مقوله ی کمیت و کیفیت ردیف می شوند، اما ازدیاد منابع دور دیگر کار رسانه یی در افغانستان (ریاست حامد کرزی) که بسیار متاثر از انحصار و ایدئالوژیک نیست، ضروری می باشد؛ زیرا نوعیت و کیفیت کار این پدیده ی موثر (رسانه) در ایجاد ذهنیت های مختلف، نقش بنیادین دارد.
لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/1201>

Contemporary Afghan Media

M.Ismael Yoon



Translated into afghan dari by:
Mustafa Omarzai

رساله های کنونی افغانی

محمد اسماعیل یون

ترجمه ی مصطفی عمرزی

رساله های کنونی افغانی

محمد اسماعیل یون



ترجمه ی
مصطفی عمرزی

- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها

در دو دهه ی پسین، رشد سرسام آور رسانه ها به همان میزان، تنوع کاری و فرهنگی نیز ایجاد کرده است. جوانان زیادی از دختران و پسران افغان، عرصه ی ژورنالیسم افغانستان را آن قدر رنگین ساخته اند که اگر به لحاظ کار، نو نباشد، اما خیلی زیاد و متنوع است.

پیشینه ی رونق رسانه یی کشور (کثرت) به سلطنت اعلی حضرت شاه امان الله (رح) بر می گردد. در دهه ی دیموکراسی (اواخر سلطنت اعلی حضرت شاه محمد ظاهر رح) لطف آن چند برابر شد. با وجود کاستی ها، اما نهادهای گوناگون، زمینه شد تا فعالان بعدی این عرصه با ذهنیت های قبلی - تاریخی آن، به راحتی جلو بروند. عرصه ی رسانه های افغانستان - در نگرش مثبت - جایگاه دفاع مردم نیز شده است. به ویژه تبلور و تجلی خواسته ها، آرمان ها و اهداف زنان و دختران افغان در آن با تمام معنی خوانده می شود. جسارت فرحناز فروتن در دوحه - قطر در برابر مخالفان مسلح و ایدیالوژیک جمهوری اسلامی افغانستان، به معنی تبارز در عرصه ی دفاع از شان و حیثیت هم بود.

من در سال ۱۳۸۲ از پوهنځی ژورنالیسم پوهنتون کابل، فارغ شده ام. از همان زمان تا اوایل دهه ی نود، در عرصه ی خبرنگاری و گزارشدهی، نقل فعال داشتم. سهم آن در چند نهاد (تلویزیون، نشریه و اتحادیه) وجود دارد. پس از آن و تاکنون، این عرصه را نظارت کرده ام. با این حال، نقش کتابی تجربیات پُربهای فعالانی که در سالیان پسین، ژورنالیسم افغانی را به وسعت موضوع، تجربه و سوژه کشانده اند، قابل ملاحظه نیست.

کتاب های من / ۱۱۳

در کتاب «رسانه ها، مدیریت و نوسان ها»، سعی کرده ام تجربیات خودم از کار و نگرش رسانه یی را تقدیم کنم. به عبارت دیگر، این کتاب، بخشی از دانشی ست که بایسته است با تجربه ی بقیه، کامل تر شود.

در عرصه ی رسانه و ژورنالیسم افغانستان، محتوای اکثر نشرات، تالیف بر اساس ماخذ گذشته یا در حوزه ی زبان دری ست که نقش فرهنگیان ایرانی، چون استاد یونس «شکرخواه» هم در آن ها دیده می شود.

سخن بر سر این است که ساختار کتابی تجربیات مثبت رسانه یی ما، عرصه ی ژورنالیسم را غنا می بخشد. این درونمایه که در هیجان امید ها و دلهره ی نومید های شکل گرفته، ابعاد دیگر هم دارد که می توانند به تنوع داده های فرهنگی بیانجامند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13254>



- رنسانس افغانستان

هدف از اختیار این نام، تعیین جایگاه مدینه ی فاضله نیست. بل منظور ساخت و ساز های ارزشمندی هستند که اگر در ملوک الطوائفی دهه ی نود، اکثراً ویران نمی شدند، این پاسخ همچنان باقی مانده که اگر چیزی نبود، چه را تخریب کرده اند؟

یک سخن داکتر صادق زیبا کلام (فعال سیاسی - فرهنگی ایران) را بسیار می پسندم که در مقاله ای نوشته بود «افغان ها یک سنت هم از دالر هایی را نداشتند که ایرانی ها از مدرک فروش نفت در راه رفاه و عمران ایران، مصرف کرده اند.» آسیای میانه را اتحاد شوروی دگرگون ساخت و پاکستان با اقتصاد تروریسم مذهبی، زنده است.

ضعف بنیه ی اقتصادی ما به دوران باستان نیز برمی گردد. اکثر بنا های قدیمی این کشور، گلین اند. حتی در روی کوه (اشاره به شیردروازه ی کابل) که می توانست از مصالح سنگی باشد، با گل و مواد خام، یک خط طولانی مشرف به قبرستان شهدای صالحین ساخته اند.

شراکت ملی مردم ما تا قبل از رژیم های کودتایی، چه با آن چه از مدرک درآمد های داخلی ساخته بودند و چه با دیپلوماسی موفق، کشور های دیگر را در عمران افغانستان، به رقابت واداشته بودند، دارای هایی مدنی و مصرفی قابل قدری را به وجود آورده بودند که در همه، کفایت نخبه گان تمام اقوام ما وجود دارد.

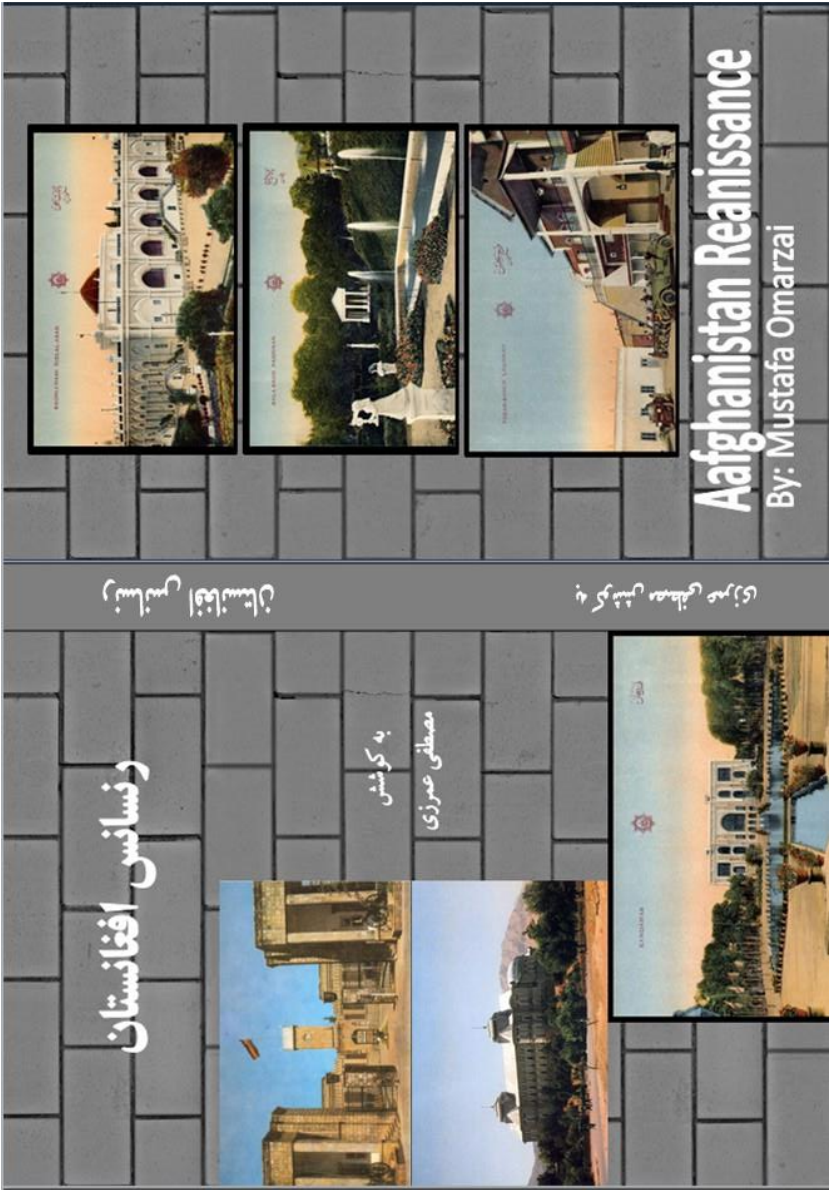
گذار به رونق عمرانی قبل از رژیم های کودتایی در حالی که حافظه ی ما را زنده می سازد که قبلاً همه کاره بودیم، نقش مدنی

کتاب های من / ۱۱۶

آن را نیز محرز می کند که در این جا، تمام امور خوب انسانی،
پیشینه دارند.

در واقع جلوگیری از خودباخته گی ها که اکثراً به دلیل ناکامی
های سیاستگران چهل سال پسین اند، نباید روی کارنامه ی افغان
هایی سایه بیا فگنند که اگر کار نمی کردند، چیزی وجود نمی
داشت تا در جنگ های داخلی، ویران شوند.
لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13099>



- روزگار

پُشت هر زنده گی، گذشته ای نهفته که انبوه است؛ اما معنی اش در همه جا، یک سان نیست. کسانی اند که عمری را با فقر و ناداری می سازند. در گذشته ی آنان، انبوه خاطرات بد نهفته است. روزگار، یعنی سیر زنده گی. ما در پیوسته گی این جریان، بیشتر با مشکلات، زنده گی کرده ایم/ می کنیم. روزگار ما، سیر زنده گی صعودی نیست. بدتر از همه، نسل ما نمی داند که صبر کند یا نه؟ دغدغه ی این اندیشه، بیشتر ضیاع عمر است. در روزگار ما در برابر ضیاع عمر، آئینه ی تمام نمای بدبختی هایی ایستاده که در آن، چهره ی مشکلات ما موج می زند. ناچار باید ادامه داد! با آن وصف، اندیشه در گرو قناعت، دل شادی هایی نیز می آفریند که به بهانه ی زنده گی، درست می کنیم. لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13274>

کتاب های من / ۱۱۹



- روشنگری و روشنفکری

در افغانستان، معمولاً گرایش ها به تضاد سیاسی- اجتماعی را روشنگری و روشنفکری می دانند. اکثراً ستیز با رژیم ها یا ساختار شکنی هایی که وحدت مردم را رعایت نمی کنند، تمایلات آزادخواهانه شمرده شده اند.

حقیقت این است که نارضایتی از کمبود تنقید ارزش هایی که اکثراً اعتراف می شود تعریف نشده باقی مانده اند، اصل مسئله می باشد.

ریشه ی اکثر رفتار، اعمال و افکار ناپسند ما در فرهنگ هایی هم وجود دارد که بعضی جزو مشاغل اساسی و اصلی کسانی درآمده اند.

نگرش تقدس گونه به گذشته که از کنار دشواری ها و سیاهروزی های مردمان مُرده می گذرد، آنان را نه به نام انسان هایی که مشکل داشته اند، می شناساند، بل هرچه کرده اند، گویا خوب بوده است.

در میان فرهنگ هایی که دو روی سکه ی آدمی را حمل کرده اند، موارد زیادی وجود دارند که اگر ارزش های ادبی یا پردازش های هنری آن ها را کنار بگذاریم، آفرینشگران شان دنبال هوس ها، حسرت ها، آرمان ها و عقده ها نیز بوده اند.

خوانش انتقادی فرهنگ های قدیمی که در آن ها توحش، تجاوز، تعدی و بربادی، مستند تاریخی شده اند، متأسفانه در سویی که علایق قومی پنداشته می شود، زیاد دیده نمی شود. لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13401>



- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند

باور طیف روشنفکر فرهنگی در جغرافیایی که ما را با فرهنگ های ما وصل می کند، بر این است که مرزبندی های سیاسی، در حالی که عنصر تاریخ را بر نقطه ی عطف (قرائت خاص) قرار داده اند و ایجابات سیاسی، اهمیت آن را آشکار می سازند، ساخت افتخار از شکسته گی و درهم ریخته گی اشیای عتیقه (میراث های تاریخی بسیار کهنه) که بخشی از ماجرای های کید و ترفند کهن نیز دارند، مردمی را که هرازگاهی در مسیر بحران، در بی ثباتی اجتماعی ناگزیرند آغاز سیاسی بی آینده را در بستری بسازند که درازنای زنده گی ست، وامی دارد با تعصب باور های منشه از قرائت های منتسب به قید قومی، زبانی و ستمی، خودشان را در مرز های سیاسی - ولو با تجربیات ارزش های نوین (دیموکراسی) - همپنیر نکنند.

از زمانی که عقب میز مکتب، تعلیم را در فصل های تاریخ و ادبیات تعریف خاص تا پایان تحصیلات عالی، مرور می کردیم، سریالی در جریان بود تا بهشتی را تماشا کنیم که هرچند زمینی (بی نقص نیست) اما تسکین عقده ها و آلامی که ناشی از تکدر زنده گی در بخشی از جهان سوم بود، هرگز اجازه نمی داد برای رهایی از مرزهایی که با نام های فرهنگ، ادبیات و هنر ما را ناگزیر می کردند خورجین بیافیم که این از من است و آن از تو، تلاش نکنیم تا محقق شود مردمانی که بر اساس آمار های طوالت آنان، فهرست می سازیم چه قدر اند، آیا مشکل و ناهنجاری نداشتند؟

کتاب های من / ۱۲۳

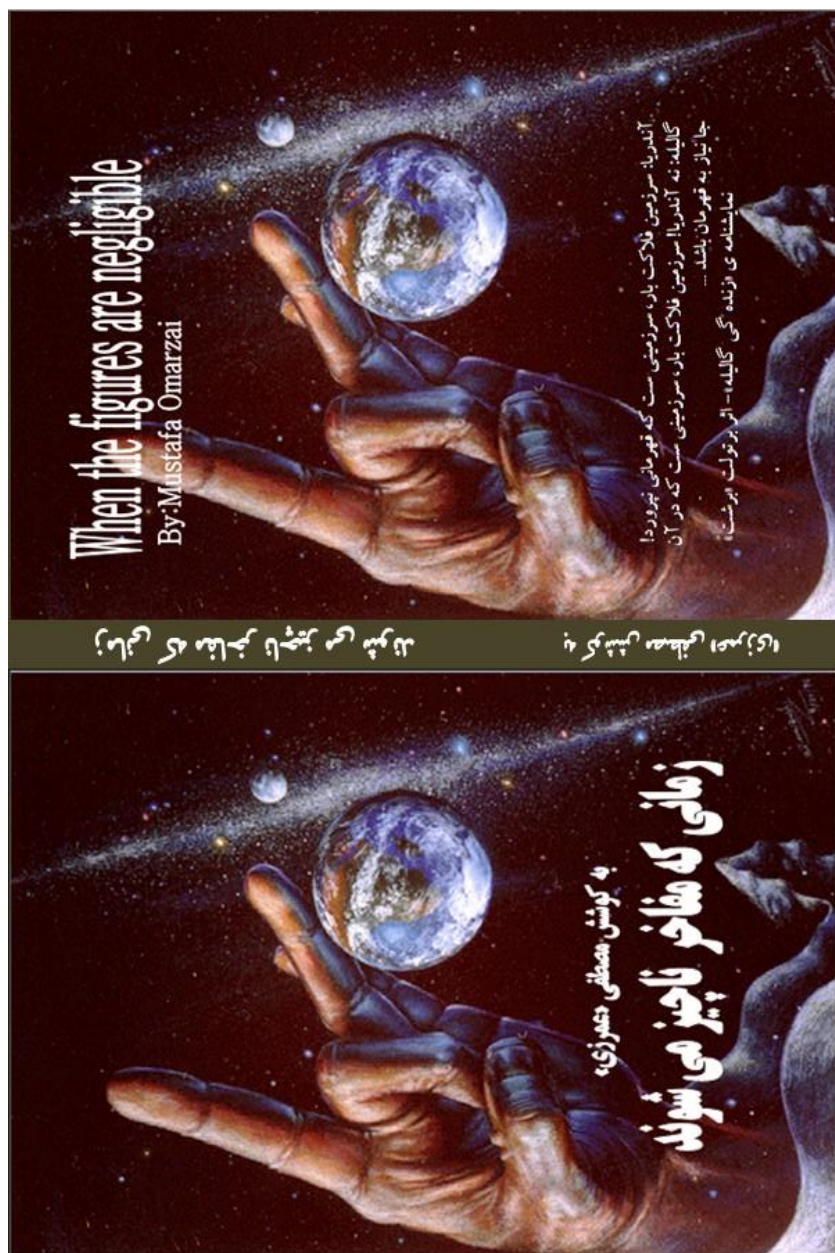
چرا این مجموعه ی مفخره که در واقع شرح مردمانی ست که بدون شک صعود و افول آنان ناشی از ضعف ها و کاستی ها بود، کلیت می شوند و بدون تفکیک و تعریف خوب و بد، ما را در بر گرفته اند تا فقط افتخار کنیم که چنین است و چنان بود! در واقع بستری که بتواند همپذیری را اصل کند، زمانی شکل می گیرد که باور ها با ارزش های فرتعلقات قومی - افتخاری شکل بگیرند و مردم آگاه شوند در حالی که هیچ تضمینی وجود ندارد ریشه های آنان پس از آن همه شور تاریخ (فراز و فرود، نابودی و تغییر مکان) بیخ های چند هزار ساله هستند، دیوانه وار تلقین می کنند طبقات کنونی، بدون اصل تجانس، بقیه ی آن به اصطلاح تعمیرات اند.

حتی با تضمین بزرگ ترین عدالت اجتماعی و نظام دیموکراتیک هم نمی توان به قرابتی رسید که مردمان یک جغرافیای سیاسی با تعصبات فرهنگی و تاریخی، همواره فراموش می کنند زمان آنان، عنصر پیوند را بیشتر با اصول حال و استمرار متضمن است.

بخشی از دشواری های ما به خاطر عدم تفاهم و همپذیری، منشه در دل بسته گی هایی دارند که اجازه نمی دهند ارزش های انسانی را انسانی بگوییم.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12827>



- ساختار هندسی شعر پشتو

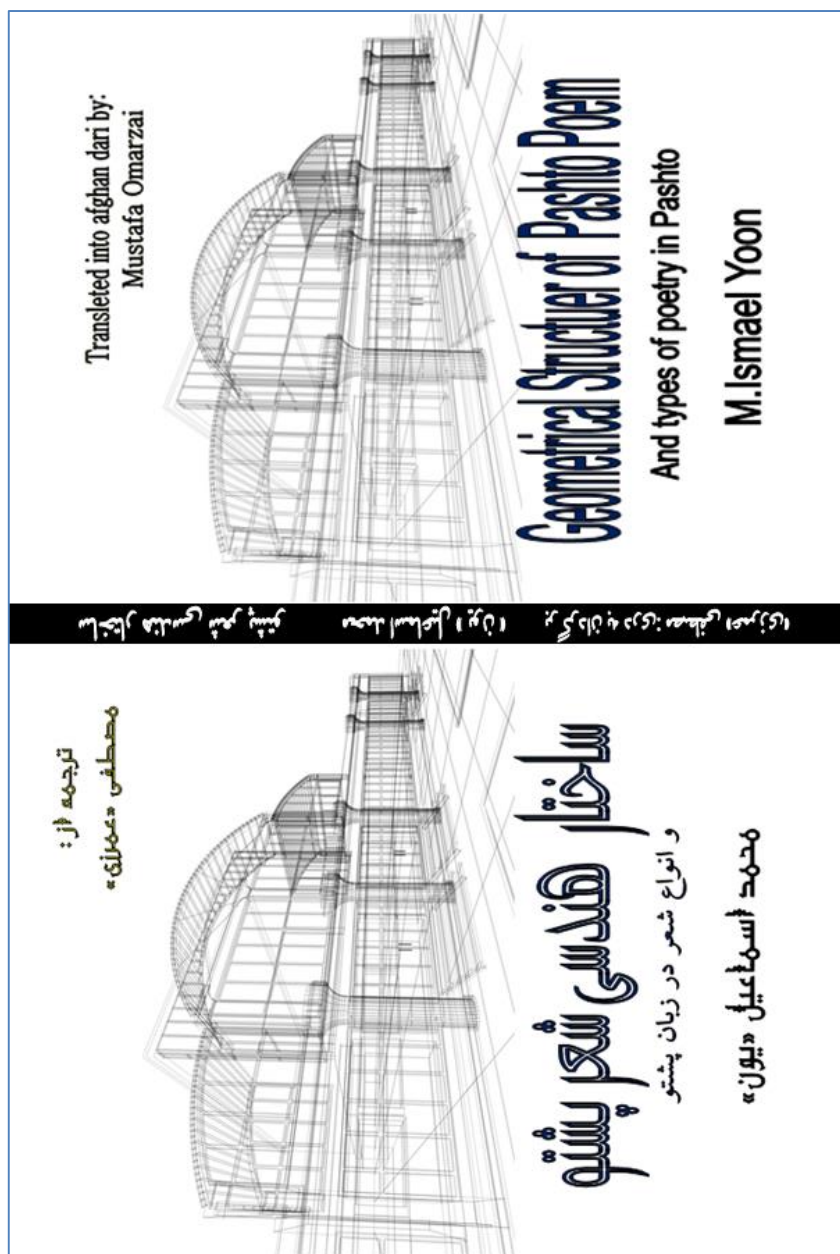
کتاب «ساختار هندسی شعر پشتو»، طرح جالبی بود که در دهه ی هفتاد شمسی، نوبت نشر آن را به چند مرتبه می رساند. با برگردان دری آن، اینک در نوبت هفتم هم منتشر می شود.

مؤلف این کتاب با ارائه ی این طرح ادعا ندارد. بل پیرامون فهم انبوه شعر که آفرینش های زیادی را همانند زبان دری در زبان و ادبیات پشتو نیز معرفی می کند، برای محصلان و مشتاقانی که طبقات تعاریف، اصطلاحات و نام ها را برای فهم انواع شعر کسل کننده می دانند، کمک می دهد با شاخصه های هندسی، شناخت شعر را تسهیل کنند. در این اثر، ضم طرح تجربی - پیشنهادی کتاب، انواع شعر پشتو هم معرفی شده اند.

ضمایم معرفی انواع شعر پشتو در این کتاب، برای کسانی که دنبال فهم مقولات علمی - نصابی نیستند، فرصت می دهند با شناخت شعر پشتو، به ویژه در قالب هایی که مخصوص این زبان هستند، تجربیات خویش را بیشتر بسازند. لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12907>

کتاب های من / ۱۲۶



- سخن در سخن

در شمار کار های فرهنگی ناقص ما، یکی هم معرفی کتاب است. من این سخن را چندمین بار تکرار می کنم: در کشور هایی که تیراژ کتاب بیش از چند میلیون است نیز نویسنده گان، کار معرفی کتاب های خود را رها نمی کنند. بار ها دیده ام که چه گونه مردان و زنان معروف، روی جاده ها آمده اند یا زیر یک چتر فرهنگی، پیرامون کتاب های خود سخن گفته اند. در واقع، این کار، جزو فرهنگ تکمیل چاپ، انتشار و تکثیر کتاب است.

در بازار های کابل، هنوز کتاب های زیادی وجود دارند که شهرت عام نیافته اند؛ زیرا کسی آن ها را معرفی نمی کند. مردم ما هم عادت دارند کتاب هایی را بیشتر بخرند و بخوانند که فرهنگیان، سفارش کرده باشند. البته گاهی تشهیری رونما می شود، اما بیشتر شامل حال کتاب هایی ست که سیاسی اند یا بر اساس اهداف قومی. آثار روشنگر، علمی و تخلیقی بی غرض، منتظر نوبت می مانند تا شانس شان یاری کند.

در مجموعه ی «سخن در سخن» با اندیشه ی تکمیل چاپ، انتشار و تکثیر کتاب، کتاب هایی را معرفی کرده ام که اکثراً بر اساس درک نیازمندی های اجتماعی، فرهنگی و معلوماتی ما در نظر داشته ام.

بدون شک که عرصه ی معارف ما کمیت دارد، اما پروسه ی کیفی آن زمانی کامل می شود که فرهنگ کتابخوانی عمومی، متمم آن شود.

یک نوع باور غیر منطقی که گویا فراغت از تحصیلات عالی کافی ست نیز به خاک خوردن کتاب های ما انجامیده است.

کتاب های من / ۱۲۸

در زمینه ی کتاب، همسویی با فرآورده های نو، آگاهی های
نصابی و رسمی ما را هم تازه و بیشتر می سازد. در تعمیم فرهنگ
کتابخوانی، این مورد را باید در نظر داشته باشیم که از طریق عام
ساختن فرهنگ آن(معرفی) کدر های مسلکی را یاری می رسانیم.
علوم، همواره در حال رشد اند!
لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13364>

کتاب های من / ۱۲۹



- سمتی و ستمی

در زمینه ی تنازع سیاسی در افغانستان، باخت نیز یک حقیقت مسلم شده است. توهم باور های بزرگنمایی، از دلایل اصلی آن می باشد. ما در منگنه ی اعداد و ارقام غیر معمول، وزنه هایی را هم خیال می کنیم که در هیچ کدام آن ها بُنیه ملاحظه نمی شود. سمت و سوی افکاری که در آن ها درصد بالای خلط قومی کشور از چشم می افتد و تنوع گسترده ی تعامل بشری، سراسر افغانستان را فرا گرفته، چند تافته ی جدابافته، جز حفر درز برای تاملات استخباراتی منطقه، ایجاد نمی کنند.

ما در چهل سال پسین، انواع شعار های جداسازی را تجربه کردیم، اما در کُل، در درز های آن ها، سرمایه گذاری های بیگانه، ورم اجتماعی را به باور آورده اند.

در کشوری که تنوع گسترده ی قومی و فرهنگی، حقیقت دارد، طرح هایی بر اساس بُریده گی های سمتی، جناحی و حزبی، آن ها را به اندازه ای که کوچک نشان می دهند، به همان اندازه از کار آیی سراسری، مانع می شوند.

گرایش های سمتی و ستمی در افغانستان، اگر در عمق لایه های اجتماعی، خلاف اهداف سازمان دهنده گان آن ها، ذهنیت های قومی ضد زبان محور را به وجود آورده اند، جا های ضعف هم هستند تا در جانشینی ایده ها، همچنان دست آویز بیگانه گان بمانند. کسی بخواهد یا نخواهد، ایدیالوژی ها فصل دارند؛ اما پایان شماری زودتر فرا می رسد که موافق میل عام نباشند.

کتاب های من / ۱۳۱

دشواری های حزبی گری هایی ما در این است که برعکس نتیجه می دهند. در چهل سال پسین، تمام احزاب راستی و چپی در تله های کشور ها گیر کرده اند / مانده اند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13310>



- سیر فرهنگی

سیر فرهنگی، اندیشه ی دایم کسانی ست که وقتی فراتر می اندیشند، فرامرزی می شوند. در سیر فرهنگی، لطف زیاد وجود دارد. ضمن اشباع و اقناع اذهان و معنویات، افق های فکری گسترده تر می شوند؛ هرچند از این پدیده، استفاده ی سیاسی نیز می شود. مثلاً به نام حوزه ی اشتراکات فرهنگی، بارها دچار تعدی سیاسی شده ایم. در تنازع سیاسی ما، رد استخبارات کشور های همسایه، در همه جا یافت می شود؛ زیرا استدلال می کنند که شریک قومی-زبانی دارند.

حُسن سیر فرهنگی، جنبه ی اخلاقی آن است. اگر بتوانیم در خطوط به اصطلاح اشتراکات، فارغ از عناصر سیاسی، کنار بیاییم، در مرزهای واحد های سیاسی هم فرامرزهای خواهیم ساخت تا تعاملات انسانی را تسهیل کنند. تسهیل تعاملات انسانی، روحیه و رویه ی خشن را تضعیف می کند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13359>

کتاب های من / ۱۳۴



- صحبت های مغاره نشینان

در سال ۱۳۸۸ش با چاپ کتاب «صحبت های مغاره نشینان»، تجربه ام در نگارش طنز را آزمودم. این کتاب، هرچند کوچک بود و ناگزیر بودیم برای آن که در اندازه ی کتاب پذیرفته شود، چند جلد آن را یک جا تقدیم کنیم، اما یک کار متفاوت با یافت سوژه های نو می شود.

تا جایی که من می دانم، طنز نویسی افغانی بیشتر با ساخت سمبول ها و نماد ها پی اصلاح بوده است. طنز افغانی با ردیف نام ها و القابی که اکثراً اوصاف ریشخندآمیز اند، در گیر محیط مامور دولت، رشوت، شاروالی و امور اجتماعی می شود.

با پایان سلطنت (۱۳۵۲ش) و آغاز حاکمیت های جمهوری و کمونیستی (۱۳۵۷) اختناق و سانسور، محدودیت هایی بودند که می توانستند طنز را فرصت دهند چنان چه ماهیت این پدیده ی ادبی- ژورنالیستیک است، با ظاهر خندان، اما باطن انتقادی، اصلاحات بیاورد، اما شدت سانسور و توجه بر این که حاصل کار طنزپردازان افغان در رژیم های ایدیالوژیک ریاست جمهوری و رفقای چپی که با خشونت، مخالفان را نابود می کردند و نبود زمینه های وسیع نشر که با انحصار دولتی، سد می شدند، هنر طنزپردازی افغانی را محدود و از همه بدتر با اعتقاد به دگم و کلیشه های نصاب و دست اندرکارانی که گویا همه چیز اند و فقط مُهر آنان می توانست آفرینش ها و توانایی های فطری را اهم بسازد، در جایی قرار می دهد که نمی توان بر نقش رسالت آمیز این ژانر در دهه های پسین افغانستان، بحث های مهم داشت.

کتاب های من / ۱۳۶

به تعبیر من طنز یا «شوخی جدی» در بررسی تاریخی آشکار می سازد که در زمینه های مقید، بهتر بوده است. هرازگاهی که فضای بیان باز باشد، کاربرد آن با بیان آزاد، از ماهیت می افتد و شبیه فکاهی می شود.

با توجه به این که بستری نیست که تابو نداشته باشد و زمانی که بیان یا نقد آزاد وافر شد، معافیت می دهد، اما طنز می تواند با وصف سُخره نیز متخلف را دچار زیان های اجتماعی بسازد. بر این اساس، خلافکار با رعایت آن چه شان او را در اجتماع، پایین خواهد آورد- اگر نه به تمام که ممکن و معقول نیست- با اجتناب از ظاهر بسیار بدآموز، ریاضت می کشد.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12969>

کتاب های من / ۱۳۷



Speaking of cave dwellers (Satire set)

Mustafa Omarzai

صحبت های مفاره نشینان

مصطفی «عمروزی»



صحبت های مفاره نشینان

(مجموعه ی طنزی)

مصطفی «عمروزی»

- صلح و اعتدال

تحول چند مرحله یی انتخابات در افغانستان، ماحصلی نیز داشته که افزون بر ظاهر آن است. محور های افراد و ساختار هایی که بر اساس خواسته های مقطعه یی، درازمدت یا سلیقه یی شکل می گرفتند، در سمت و سوی نتایج، خوب و بد تاثیر می گذاشتند.

آخرین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در چند زمینه ی تحول درونی، سیمایی دارد که چه گونه در برابر موضع گیری های افراد در گیر، ذهنیت هایی ایجاد می شوند که می توانند آینده و نقش گزینه های انتخابی را تعیین کنند.

مطلوب یا نامطلوب، برخورد شعوری افغان ها، در کنار تمام ابزار تداخل، نهادینه گی نوی ست که در آینده ی انتخاباتی کشور، مکتوم نمی ماند. مردم ما مواظب اند تا در قبال رای اعتماد شان، تاثیرات مثبت آن را در زنده گی خویش ببینند.

در فاصله ی زیاد پس از رژیم های کودتایی و خشن، هر چند در بی ثباتی سیاسی، اما یک اتفاق خوب رونما شده که پس از این، هر کی مایل به ریاست باشد، باید بداند که مخاطب شعور مردم است.

لینک داندود:

<https://www.ketabton.com/book/13115>

کتاب های من / ۱۳۹



- فساد نزدیک

ما پیرامون حوزه ی اشتراکات فرهنگی، زیاد استدلال کرده ایم. حتی تعصب به خرج می دهیم، اما در این زمینه نیز تفکیک درست نداریم. با این حال، واقعیت های واحد ها و مرز های سیاسی، آن قدر محسوس و ملموس اند که اغماض آن ها غیر قانونی پنداشته می شود.

در جامعه ی سیاست زده ی ما که چند طبقه ی تلقی سیاسی وجود دارد، غافلگیری فرهنگی - قومی زمانی رونما می شود که می بینیم در حوزه ی به اصطلاح اشتراکات، کسی شما را با هویت های فرهنگی و قومی، تحویل نمی گیرد.

تجربه ی زنده گی در کشور های بیگانه ی ظاهراً آشنا، متعصب ترین آدم های عاشق را هم درمانده ساخته است. بنا بر این، حقایق فساد ی که در جغرافیای به اصطلاح حوزه ی اشتراکات، بسیار محسوس و ملموس هستند، چرا کتمان یا به حاشیه کشانده می شوند؟ اگر دلیل سیاسی آن ها بازی با کارت سیاسی باشد که گروه ها یا افرادی با آن، موضع خویش را تقویت می کنند، دلیل غیر سیاسی اش، وجود ناهنجاری ها، مشکلات و آلوده گی هایی ست که در جهان سوم، بیش از همه آمار و ارقام دارند. ورود به یک مکان آلوده، بدون شک انسان را دچار آلوده گی می کند. لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13343>



- فقر فرهنگی

هیاھوی سیاسون زاده ی بحران که بهترین نقش شان در سریال نمبر ارز کشور های بیرونی، کرونولوژی اعجاب انگیزی را ممد تفصیل تاریخ می سازد، ناخوش است.

به هر حال برای رعایت در تعادل قضاوت تاریخی، ناگزیریم درونمایه ی حیات به اصطلاح بزرگان چهار دهه ی اخیر را جست و جو کنیم. آن چه در این میان باعث می شود فهم مطلب مطلوب شود، «فقر فرهنگی» آنان است.

چند دهه گرایش های ضد منافع ملی که اهل سیاست افغانستان را فشار می دهند برای هر کسی خادم شوند، تفهیم می کنند قبل از این که برای بررسی محتویات دیکته شده زحمت بینیم، بهتر است به این حقیقت نیز بنگریم: کسانی که از تلخی روزگار به گریبان مردم ما افتیده اند، در فهم درد ها و رنج های آنان بی خاصیت اند. با نشر این کتاب که تداعی تاریخی ست، سیاهکاران را با یادآوری گذشته ی شان کمک خواهیم کرد زیادترو زودتر رفع زحمت کنند. لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12520>

کتاب های من / ۱۴۳



– قبرستان امپراتوری ها

نه تنها در تاریخ نویسی های ما، بل شهرت نام افغانستان به معنی جای ذلت قدرت های بیرونی، بین المللی ست؛ اما به یاد آوردن داریم این شهرت، در حالی که در تمام زمینه ها از پا افتاده ایم و زنده گی ما اکثراً در دایره ی تورید می چرخد، زیاد دلخواه نیست. بنا بر این، بهتر دیدم ضمن احترام به قربانی های گذشته گان ما که به هر حال نمی دانستند آینده گان شان کفایت زیاد نشان ندادند میراث غیرت و همت آنان را به درستی پاسبانی کنند، چهره ی متجاوز را به گونه ای هم ببینیم که «ما» (هر دو طرف) به شوخی ترسیم کرده ایم.

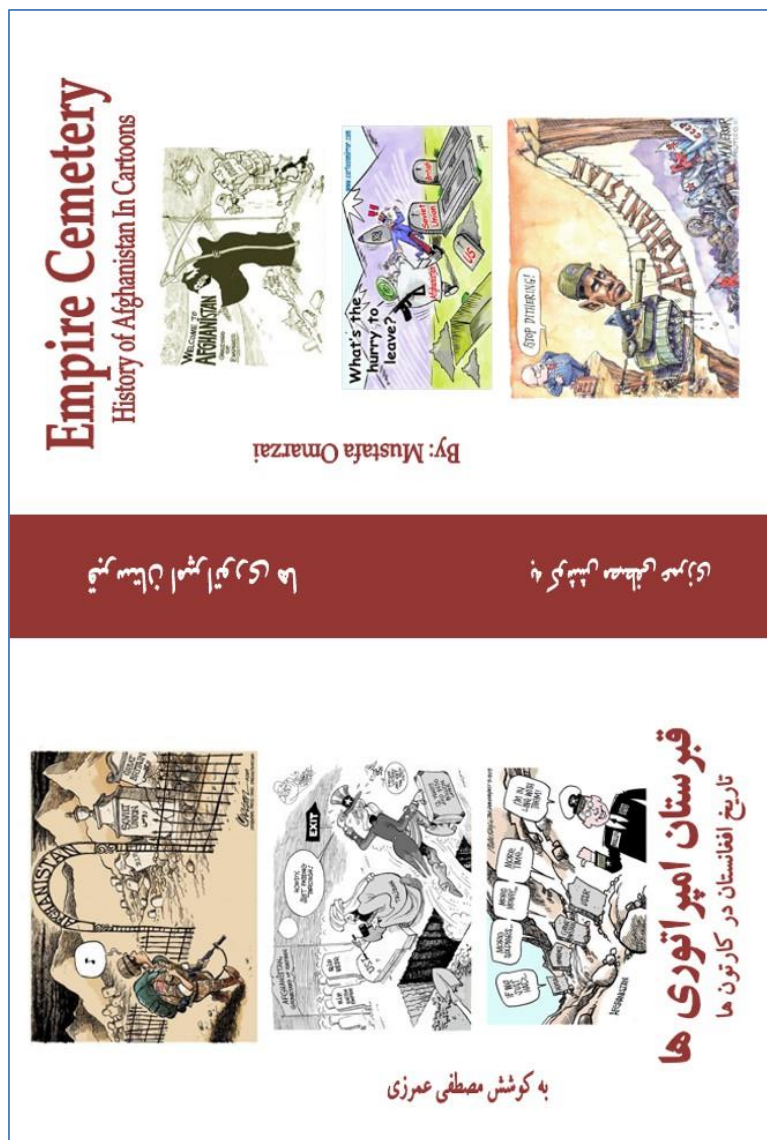
اهمیت این مجموعه ی تصویری در این نیز است که بسیاری از کارتون های پیرامون افغانستان را کلیت می سازد. ما در ژانر کارتون، کارتونست های خوب داشتیم/ داریم. هژبر شینواری در دهه ی شصت شمسی، بی حوصله گانی را که از خواندن خسته می شدند، شاد می ساخت. عتیق شاهد، کارتونست پُرکار دیگر است که دنبال مجرمان متکرر گذشته و حال را رها نمی کند. با این حال، فکر می کنم وجود بعضی روایت های فرهنگ ستیز مذهبی که همیشه در برابر تصویر، جاهلانه قواره کرده اند، روی نقش تصویر در رسانه های افغانستان، تاثیر گذاشته اند/ می گذارند.

خوب ترین ژانر های طنزی افغانستان در دهه ی چهل شمسی، آفریده شده اند. نشریه ی معروف «ترجمان» را افغان های دوستدار طنز و کارتون، به یاد دارند.

کتاب های من / ۱۴۵

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13173>



- کتاب من

به استثنای اتوبیوگرافی و خاطرات، معمولاً شرح زنده گی خود را خود آدم ها نمی نویسند. این موضوع، دلایل زیاد دارد. بعضی در طول کار و زنده گی، به گونه ای تبارز می کنند که نیازی نمی بینند پیرامون زنده گی خود بنویسند. در آثار بعضی، تلویحات یا حاشیه هایی وجود دارند که به هم پیوسته گی آن ها می تواند زوایای زنده گی شخصی را نیز آشکار کند؛ اما در تمام آن ها یک مورد، بسیار نمونه ندارد. در «کتاب من»، سعی کرده ام در کنار اختصار چند نمونه ی بالا، مستندسازی بکنم.

در واقع آن چه خود ما پیرامون خویش مستند نمی سازیم، در سالیانی که نباشیم، شاید در حد معما نیز در آیند. در لایه های زنده گی اجتماعی- قومی، تاثیر گذاری ابعاد آن ها گاهی تلقی بر اساس رویت را دشوار می سازد. خلط قومی، عادت فرهنگی و تکرار سنت هایی که در اجتماعات اکثریت و اقلیت به وجود می آیند، اگر صراحت مرجع نداشته باشند، شناخت حقیقت را مشکل می سازند. مثلاً در گذشته ی تاریخی ما، تخلیق به زبان، افرادی را در سویی معرفی می کند که اصلیت قومی آنان نیست.

آسان سازی شناخت هویت ها زمانی که فردی/ خودی می شوند، سهولت تحقیق و تاکید را فراهم می آورد. به راحتی می شود پیرامون افرادی داوری کرد که خود را با مستندسازی، خودشان معرفی کرده اند.

لینک داند:

<https://www.ketabton.com/book/13327>

کتاب های من / ۱۴۷



- ما همه «افغان» استیم!

تعریف اولویت نقد/ تنقید، جای خالی کاملاً محسوس سالیان پسین است. به این دلیل، گرایش ها به سوی انحرافات سیاسی، بعضی را به جای پرداختن به اولویت ها، به لفاظی و حاشیه پردازی می کشاند.

در کشوری که شهرت بین المللی دارد و مولفه های حقوقی زیادی نام مردم آن را تایید می کنند و با حمایت اکثریت، نهادینه شده، تاکید روی آن، غیر معمول است؛ اما باید اعتراف کنیم که اخذ جیره به نام آزادی بیان و رسانه هم توجیهات را به جایی کشانده که شماری نگران بودند دالر ها را از دست ندهند.

در این کتاب، در مورد شهرت آن، پاسخ هایی ارائه شده، اما واقعیت این است که زیر سوال بُردن محور هایی که به ویژه مردم را در مقاطع دشوار، متحد می سازند، اگر طرف هایی را که تر و خشک را سوختاندند و تمام پُل های عقب خویش را ویران کردند، هراسان می سازند که در برابر جبهه ی خشونت ایدئالوژیک که به هیچ کس رحم نمی کند، با کی متحد شوند، مردم را نیز پریشان می سازند که اگر از محور های اتحاد ملی بیرون بروند، با کدام آرایش های جا افتاده/ تاریخی دیگر می توانند جلو دشمنانی بایستند که با فرسنگ ها فاصله از مدنیت، اما چند محور اتحاد (هویت سیاسی، دین اسلام و زبان ها) را لحاظ می کنند. در مناطق تحت تسلط مخالفان حکومت، زیر سوال بُردن هویت سیاسی/ ملی، کفر محض است. به بازیگران آن، با گلوله پاسخ می دهند.

کتاب های من / ۱۴۹

به ویژه در روزها و شب های دشوار کنونی، کنار هم ایستادن مردم زیر چتر هویت سیاسی / ملی تا از شان مدنی خویش دفاع کنند، این واقعیت تلخ را هم محرز می سازد که چه گونه با توجیهاتی که با پول می ساختند، ستون های برپایی مملکت را آسیب زده اند.

هراس از بازگشت به سال های حاکمیت های خشن و مستبد، بیش از همه مردم را نگران محورهایی می کند که با خیانت های آشکار ملی سعی شد با سقوط آنها، حداقل ذهنیت های گسست جغرافیایی حاصل شود.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13345>

Apaghane = Apokin = Apghan = Afghan

Author: Mustafa Omarzi

[illegible]

To the chain of criticism, rebuke and satire of traitors, magicians and foreign mercenaries

Spring 2020

ایباگانہ = ایوکیز = ایباگان = افغان

نوشته‌ی مصطفیٰ عمرزی



به سلسله ی تنقید، ترویج و هجو خائنان، مجوسان و مزدوران بیگانہ

بھار ۱۳۹۹ ش

- محوطه ی سیاه

توهم سیطره، ذات مکتب های فاسد ایرانی، فارسی و خراسانی را می سازد. این مفهوم در کلیت هویت فارسی، فارس زده گی را زاده است که در سطح منطقه ی ما از بدترین دشمن اصالت های بومی کشور هایی چون افغانستان به شمار می رود.

متأسفانه برداشت های غلط فرهنگی به گونه ای که حتی به دانش تاریخی مبدل و در رسمیات ما پذیرفته شده اند، کرم های درونی اند که با تقویت آن ها کوشش می شود حفره های سیاسی افغانستان، بیشتر شوند.

در فضای آزاد رسانه یی، مکتوم نماند که هیاهوی فارسیستی، بر چه بنیاد هایی استوار هستند؟ طرح های خراسانی، فارسی و ایرانی با وانمودن اصالت و عمق تاریخی، بدون این که مجال نقد آنان باید توازن تنقید را به وجود بیاورد، در عرصه ی سیاسی تحمیل و تداخل شده اند.

در محوطه سیاه (ایران) که با تحریف حقایق و تحمیل ایدئالوگ های به اصطلاح فارسی- ایرانی، پشتیبانی می شود، کم جلوه دادن ارزش های افغانی در افغانستان، ترک ها و عرب ستیزی استراتژیک در ایران و منطقه، به منظور تضعیف باور هایی که جلو شرک مجوسیت را می گیرند و با عرض اندام واقعیت های تاریخی ضد فارس، دایره ی مجوسگرایی را تنگ تر می سازند، اصل شمرده می شوند.

کتاب «محوطه ی سیاه»، شوونیسم و ایرانیسیم را برملا می سازد. در این کتاب، زمینه ها، ابعاد و ایدئالوگ های مکتب منفور فارسی / پارسی با اجزای ایرانی، به بررسی گرفته شده اند و از مدخل

تحلیل سیاسی، به عمق تاریخی وارد می شوند و ضمن بازگویی و تعریف درست حقایق، به این نتیجه می رسند که فارسیسم منحط، یک مکتب زاده و پرداخته ی استعمار سیاه می باشد که با صورت استراتژیک، سال ها قبل طراحی شده بود تا در دایره ی مقولات تبعیض نژادی، تعدی و تحریف، به استعمار نو کمک کند.

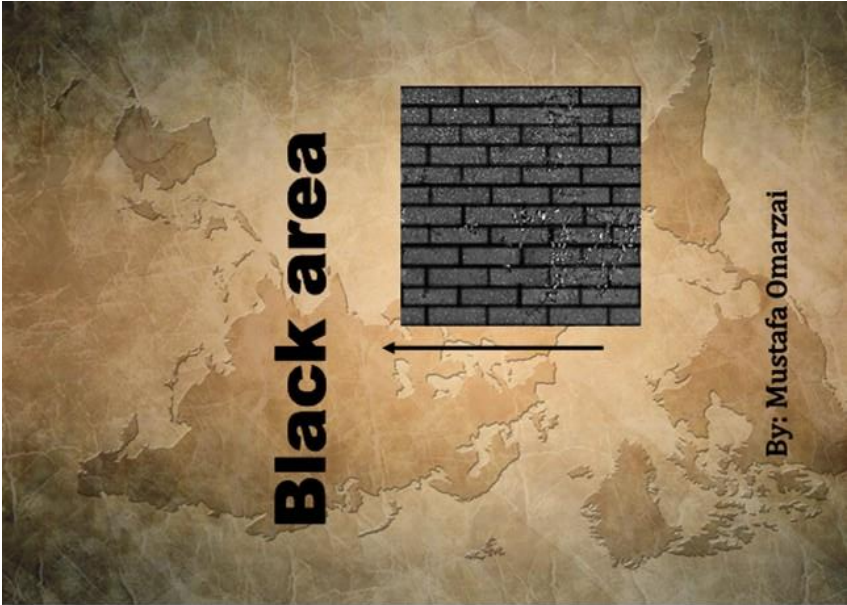
آن چه در مکتب منحط فارسی / پارسی، تاکید شده است، تفاخر به مذموم ترین شکل هویت قومی ست که با غضب جای دیگران، باعث تششت می شود.

جامعه ی ما از رهگذر سیاست های فارسیستی، دچار التهابی شده که هرچند در حد تحرک چند ناقل حقیر است، اما در بستر سیاسی، گاه دست آویز می شود تا از ساخت نسخه های افغان ستیز آن، رعب ایجاد کنند و در فضای کاذب، به مفادی دست یابند که در سیستم های ائتلافی ۱۹ سال اخیر، انحصار قدرت از سوی بعضی اقلیت ها، به یک پدیده ی نفرت انگیز اجتماعی و سیاسی، مبدل شده است.

متأسفانه استعانت مداوم از فرهنگ ها و تواریخ جعلی، جلو تطهیر سیاسی را نیز گرفته اند. به این دلیل، روشنگری هایی که جلو مقاصد مغرضانه را می گیرند، به ضرورت سیاسی ما مبدل می شوند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12583>



هاتس ی محوطه

ای کس ی محوطه سیاه



- محمد نادر «نعیم»

حضور محمد نادر نعیم در چهارمین دور انتخابات ریاست جمهوری، جلوتر از همه، احترام مردم به خانواده ی معزز او را در پی داشت.

کمپاین تبلیغاتی آقای نعیم با تصاویر بزرگان بسیار مورد احترام مردم ما، زود توجه ی عامه افغان ها را به یک تن از بازمانده گان زعمای سال های آرام افغانستان، جلب کرد.

تصاویر اعلی حضرت شاه محمد ظاهر، شهید رییس جمهور محمد داود و شهید سردار محمد نعیم، برای آن بزرگان ما نیز خاطره برانگیز بودند که در سال های حاکمیت های آنان، در زمینه های قانونی و مدنی، درس خوانده بودند؛ کار کرده بودند، حرفه یی شده بودند و در آزادی هایی که نیاز های ما را توجیه می کردند، رسالت خدمت به همه را آموخته بودند.

این رساله ی کوچک را توام با احترام مردم ما به بزرگان و خود آقای نعیم، نوشته بودم و به حرمت گذشته های خوش ما تقدیم کرده بودم. این که آیا آقای نعیم توانسته در راه بزرگان این کشور برود، سخن دیگر است، اما همین که حضور رسمی اش، رسمیت خوانش گذشته های خوب ما را دوباره زنده کرد، کمتر از ذهنیت سازی هایی نیست که بعضی از بزرگان فرهنگی ما می کوشند با تبیین تاریخ های خوب، ذهنیت های آن ها را به جوانان ما القاء کنند.

لینک داندود:

<https://www.ketabton.com/book/12550>

محمد نادر «نعیم»

(نماینده مستقل در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳)



۱۳۹۳ خرداد ماه - تهران - انتشارات ریاست جمهوری ۱۳۹۳
محمّد نادر

محمد نادر «نعیم»

(نماینده مستقل در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳)



نوشته ی مصطفی عمرزی

- محمد شفیق گل آقا «شیرزی»

سه بار، یکی هنگامی که وزیر فواید عامه بود، دوم در دومین انتخابات ریاست جمهوری، زمانی که والی ننگرهار بود و سوم در سومین انتخابات ریاست جمهوری، وی را از نزدیک دیده ام. افراد و اشخاصی که سمت و سوی دولتی دارند و آن ها را بر اساس گذشته های چپی و راستی، به دست آورده اند، اگر به سن رسیده باشند، خیلی بیش از این قلم استند که آنان را خوب تر می شناسند؛ اما من با حذر از منفی بافی، جنبه های خوب را ترجیح می دهم.

محمد شفیق گل آقا شیرزی از ما (اعضای شورای مرکزی اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان) در حالی پذیرایی کرده بود که نامزد پُست ریاست جمهوری بود.

در یک ملاقات بسیار صمیمانه در سال ۱۳۸۷ش در ننگرهار همیشه بهار، افزون بر لطف دیدار نزدیک با ننگرهارهای فرهنگی، مردی را شناختم که بعضی به شوخی می گفتند اگر مانند اکثریت اعضای دولت، مایل به درآمد است، کار هم می کند!

آقای شیرزی که زخم های ناسور خانواده گی نیز دارد، زیرا شمار زیاد نزدیکانش در هنگامه های الحادی و جهادی، به شهادت رسیده اند، درد های مردم را می داند. حُسن دیگر او در این است که برای افغانستان قبل از هفت ثور، تبلیغ می کند. احترام بسیارش به خانواده ی معزز اعلی حضرت شهید نادرخان، درک عمیق او از آن ناهنجاری های سیاسی ست که با سقوط شهید محمد داوود،

کتاب های من / ۱۵۷

رونما می شوند. او بی آلایش، هر آن چه را می داند، به مردم می گوید. مصاحبت با شیرزی، یافت آگاهی زیادی ست که حاوی حیثیت های نداشته ی بعضی مدعیان سیاسی هم می شود. او خصلت های بزرگ منشی مردم کندهار بزرگ / لوی کندهار ما را کاملاً حفظ کرده است.

در جمع افغان هایی که با تحریک شعوری، کار می کردند، این رساله ی کوچک را به احترام گل آقا شیرزی به افغان ها، نوشته بودم.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12558>



محمد شفیق گل آقا و شیرزی،
(مردی از سرزمین آزاده گان)



نوشته ی مصطفی «عمرزی»

محمد شفیق گل آقا و شیرزی،
(مردی از سرزمین آزاده گان)

نامزد مصطفی در انتخابات ریاست
جمهوری سال ۱۳۹۳ شمسی

- مرز و بوم

تصور انسان از زنده گی به دو معنی گذشته و حال، او را در فضای میان آن ها اگر در تامل آینده امیدوار می سازد، عقبه ی آن، به ماضی ای نیز وصل است که وقتی تداعی می شود، در جا هایی که خوش باشد، عزت نفس می بخشد.

یکی معنی معمول مرز و بوم، جای آرامش های آدمی ست. در ضرورت القای فرهنگ سازی های آن، گذشته های خوش مردم در مرز و بوم بزرگان و حیاطی که در فرصت های آن اندیشیده اند، این محدوده را نوعیت و ماهیت نیز می بخشد.

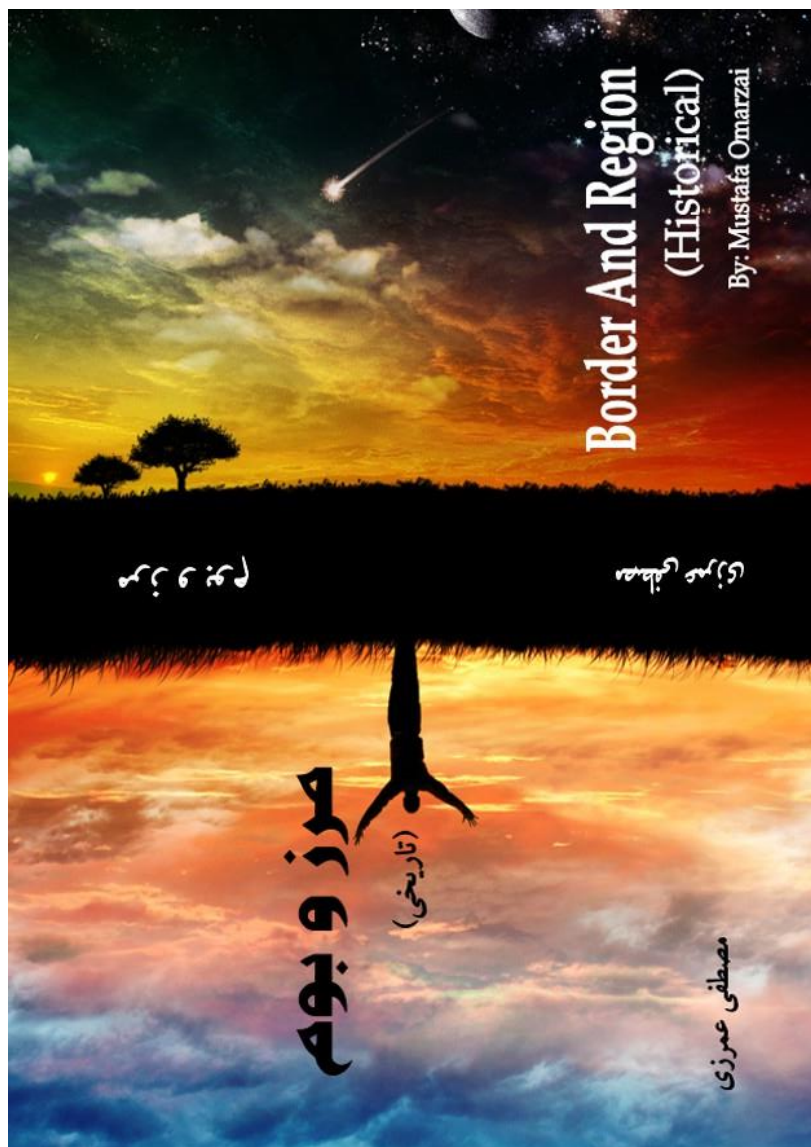
در چند سده ی پسین، هرچند تعدی و هرج و مرج در سایه ی تنازع بیرونی در این مرز و بوم، تکدر آفریده اند، اما در فرصت هایی که تحریک جمعی و شعوری مردم، ایجاد می کردند، رجوع به «روزگار وصل»، افغان ها را در کنار هم آورده اند.

در مجموعه ی مرز و بوم، چند تایی «خوش» تاریخ ما در نوسان تاریخی تداعی شده اند. در آن چند مقطع، هرچند با تمایل به نیک نگریستن، این واقعیت هم از قلم نیافتیده که در مرز و بوم ما سال هاست خوب و بد توأم اند.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13258>

کتاب های من / ۱۶۰



- مَنحَنِ تاریخ

تحریف تاریخ، یک مبحث مهم در بررسی فی نفسه ی مسئله ی تاریخ است. فصول زیادی تدوین و تالیف می شوند که با شرح ریفرنس، هدف صاحب اثر را برای حقانیت مدعای او تایید می کنند؛ اما آیا هر اثر و یا هر مولد انسانی، به ویژه در بسامد تاریخ، فقط با شرح ماخذ و منابع، موجه می شوند؟

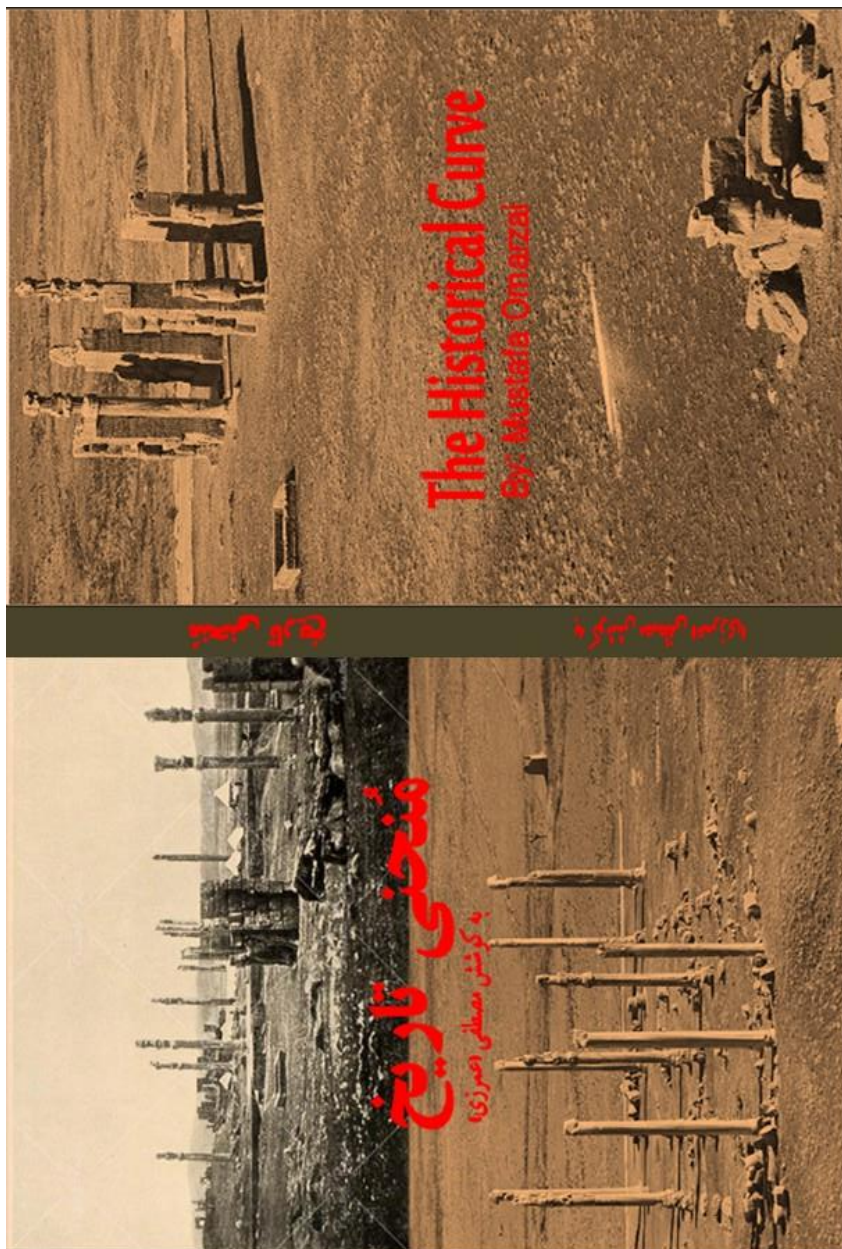
ابعاد علم تاریخ با استعانت از ابزار ملموس، کار تحقیق و پژوهش تاریخی را از سال هاست که از کتابخانه ها و مخیله ی قلمپردازان به واقعیت هایی کشانده که بدون شک، تداخل عنصر سیاست در انحراف برداشت های سیاسی، صورت واقعیت های کهن تاریخی را با نام و نشان دیگر نیز معروف می سازد. از تعمیم این فرهنگ، ابوابی در فصل معضلات گشوده شده اند که اینک در محدوده ی جغرافیا های سیاسی، حد مرزبندی های تعصب، شاید مردمانی را که از مزایای بی شمار فرهنگ های مولد خودشان کلیت اند، در ازهم پاشی فکری به پرتگاهی بکشاند که قله ی اوج آن را به خاطر عدم دید فراخنای واقعیت، مسدود می کنند.

تجربه ی نوع دیگر نگرش که اکنون با نقد نو، حرف ها دارد، از تضمین بزرگ ترین مزیت روشنفکری واقعی، به نتیجه ای می رسد که احترام ما در فصل پذیرش گذشته های انسانی، بهتر از تعصب به خاطر حدود عقب مانده گی های فکری ست.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12855>

کتاب های من / ۱۶۲



مصطفی عمرزی

- معنی

درک ژرف، معنای «معنی» ست. این مفهوم را نباید مقید به حوزه ی مشخص ساخت. مردم ما عادت دارند ادبیات غنی را به حساب مسایل غیر عادی بگذارند. بنا بر این، افراد کمی را می یابید که با وجود مدارک تحصیلی عالی، اگر داشته های فکری شان از یافته های نصابی دور بمانند، درمانده می شوند.

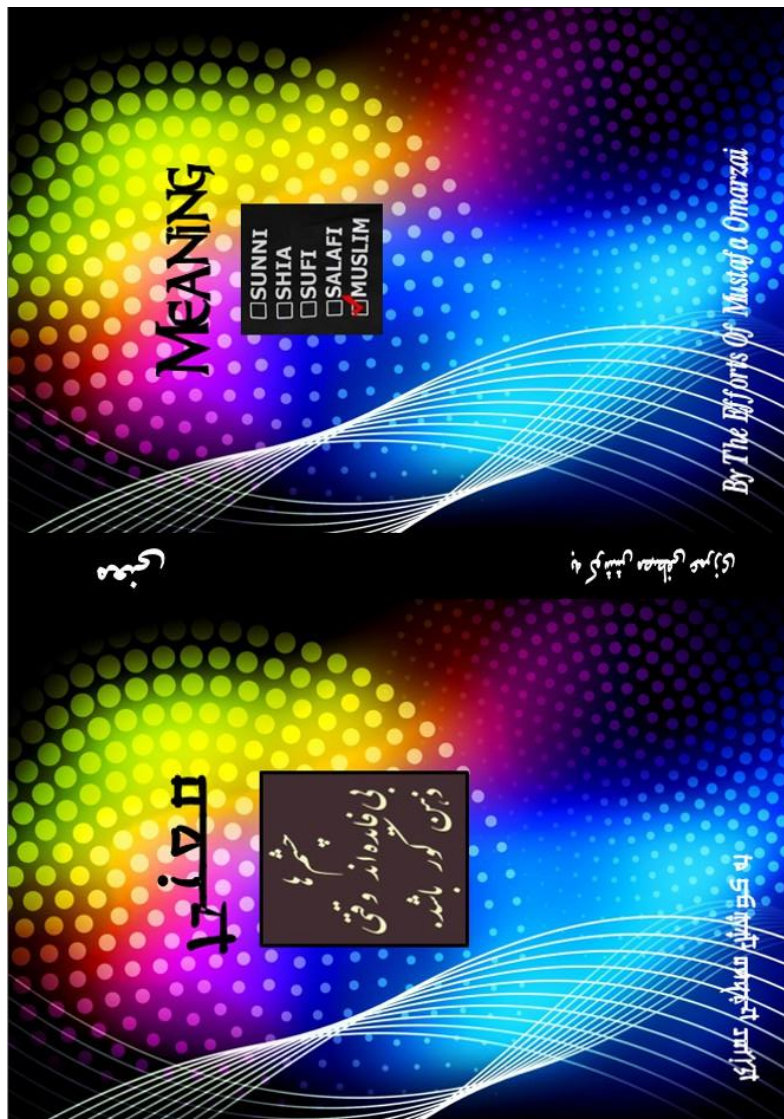
دنبال کردن مفاهیم ژرف فرهنگی، تنها مستلزم کارهای اجندایی، برنامه ریزی شده یا استراتژیک نیست. اگر در تقسیم اوقات روزانه ی خویش که متأسفانه در افغانستان، اکثراً به معنی وقت کشی ست، تغییر بیاوریم، افزودی خوراکی های فرهنگی، درک ما از معانی مختلف را وسعت می بخشد. به گونه ی مثال، یک دوستم حداقل یک ساعت روزش را به مطالعه ی کتاب، می گذارند. او در این کار به حدی مصمم است که اگر ناگزیر نشود، جای آن را با عادت های معمول وقت گذرانی ما عوض نمی کند. با یافت عادت روزانه ی کار فرهنگی، به خصوص مطالعه، افق های فکری بازتر می شوند. در این تجربه، دورنگری و دوراندیشی، مراقبت های لازم را هم فراهم می آورند تا در بسامد حوادث، با شتاب داوری نکنیم.

در این زمینه (ارزش کار فرهنگی) فواید زیادی مرقوم شده اند، اما در این جا از سمت دهی عمومی آن (فرهنگ سازی) زیاد صحبت نمی شود. به این دلیل نیز است که درک ژرف آن بسیار وجود ندارد.

لینک داندلود:

کتاب های من / ۱۶۴

<https://www.ketabton.com/book/13179>



- ملی رسالت

در روز ها و سالیان دشوار مردم ما هنگام تجاوز اتحاد شوروی، هرچند افغان های زیادی بودند که می خواستند در تنازع حق و باطل، منافع ملی ما به حاشیه کشانده نشوند، اما با دستان خالی و این که «روس گُشی»، اولویت داشت، کمتر موفق می شدند محور هایی را به وجود بیاورند که همانند محمد طارق بزرگر، در دشواری های هجرت، صدای افغان ها را با «دعوت» به افغانستان، بلند می کردند. یک بخش کار های ستودنی فرهنگی ما به روز ها و سالیان دشوار افغان ها برمی گردد.

«دعوت» افغان ها به افغانستان، غایه ی فرهنگی امثال بزرگر هایی بود که با تعیین خطوط ملی، نوستالژی افغانستان مستقل و آرام قبل از جنگ، اجازه نمی دادند مردم ما در تنازع چپ و راست ایدیالوژیک، یک سره در بازی های استخباراتی، سقوط کنند. بهتر است روز ها و سالیان دشوار محمد طارق بزرگر را در کتاب «رسالت ملی»، خود بخوانید. در این تلویح که جهت معرفی این کتاب آورده ام، به همین اندازه بسنده می کنم که «دعوت» رسالتمند محمد طارق بزرگر، نتیجه داده است. در هیاهوی سیاسی و بحرانی متداوم کنونی که همسو با منافع بیگانه نیز می باشد، به صدای بلند افغان ها نیز افزوده می شود. این نوید، جزو حقوق معنوی افغان هایی هم شمرده می شود که مردم ما را به ملاحظه ی منافع ملی، اولویت ها، گذشته ی خوب و تاریخ شان «دعوت» می کردند.

لینک داندلود:

کتاب های من / ۱۶۶

<https://www.ketabton.com/book/13095>



- ناگفته های ارگ

پس از یک دهه حضور سنگین جامعه ی جهانی، وفرت پول ها و سرمایه گذاری های عظیم، آغاز دیگری که در مقال پرداخت کلیت، فقط اندیشه ی نظامی ندارد که وقتی مثالان آن در مانده می شوند، اعتراف به این که یک هفته بدون کمک خارجی، مدام نمی شوند، می تواند در عذاب ناشی از این حقیقت، به واقعیت دیگر برسد که چرا چنین شد؟

نقش رنگارنگ حکومت نو، به مردمی که از مسیر منطقی برخوردار با پیرامون، از هفت ثور تا هبوط کرزی، مجبور می کردند بیگانه باشند، در دریافت تنوع منظر، به درستی از تشخیصی عاجز می شود که می بایست تفهیم می کرد اگر ناگزیری های حضور اجنبی در جنب عوامل فساد، به مردمانی می رسد که سال ها پس از پرواز در سوی دیگر (مهاجرت به کشور های دور) وقتی رسیدند فکر می کردند بوستان سرای کشور، همانی ست که هر چند در گرو یک قوم و خانواده، تفسیر ستمی و عدو دارد، اما مردمان پُر مشغله اش در حریت خود، به حل مسایلی می رسیدند که بدون شک دهه ی دیموکراسی، خوش ترین تجربه ی ما برای فهم مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود.

به زودی بازیگران باتربیت تکنوکرات، همخوان و هم کاسه ی کسانی می شوند که برای خوردن نان، رسیدن انگشتان را فضیلت می شمردند و در جیره خواری سالیان بحران و به اصطلاح مبارزه، یاد گرفته بودند وقتی به چیزی رسیدند، بی چیز نمانند.

یک دهه پس از تجربه ی حضور، به خوبی فهمیدیم اهل فن، تکنیک و دانش نیز اهل معامله اند و در سلسله ی پرداخت دالر و

پول به کره گان خارج مانده، آن قدر پس انداز کرده اند که توجیه آنان برای خلوت با اهل فساد، تفهیم می کرد در فرصتی که یافته اند، خوردن آنان، اگر در کاسه ی صبر مردم است، خوب می شود از شانس مرغ تخم طلا، به آسایشی برسند که در تشکیل دربار به اصطلاح حکومت مایل به آزادی و دیموکراسی، تاراج و فساد، نه همان خیانتی ست که وقتی از خوان اشتراک بُریدند، می بینند سوژه ی عدو، تفسیر همان فحش و توهینی می شود که برای انحصار قدرت سیاسی، به آبا و اجداد مرئوسان راس قدرت، ادای دین می کنند.

پس از فروکش خبر های بازار ریا، تزویر و تظاهر، روشنگری بر زوایای پیچیده ی حل مُعضل افغانستان، به درستی به تخلکامی ای می رسد که مردمان راس اداره، اگر خیانت کردند، گستره ی آن، در گسترده گی اعتماد مردم، پشت کردن به آراییی بود که از ملتی به سربلندی و با عزت افغان یافته بودند، اما توده های محکوم به سیاست های خارجی در این وطن، شهادت می دهند: تمنای ما برای نفس راحت، در گلوگیری گریبان گیرانی خلاصه می شود که در خلوتکده ی ارگ، با مردمانی به بازی گرفته اند که سوای فرقه ی ذلالت و شر، حداقل از زنده گی در جوامع قانونمند غربی، یاد گرفته بودند در امر پرروش گوسفند، نیازی به استخدام گرگ نیست.

در سه ماه زمان ترجمه ی این کتاب، مشغول شدم تا ژرفای تلخی ای را درک کنم که چه گونه زمامداران هراسان، مردم را فراموش کردند و در زمینه ی ائتلاف و معامله، فکر می کردند توزیع مادیات، از طمع کسانی می کاهد که انباشته از فساد فکری،

در سی سال تجربیات ناکام سیاست های دولرداری و احزاب، افغانستان را بر لبه ی پرتگاه نابودی بُرده بودند و هنوز به نماینده گی از بیگانه، لوحه می زنند، ادبیات دارند، تفسیر تاریخی می نویسند و بدتر از همه کور خود بینای مردم، وانمود می کنند اگر دزد، قاتل، خاین، رهن، هم کاسه ی بیگانه و مزدور را برعکس ساخته اند، اما کردار شان به صوبی نمی رسد که از خیر آن، ثواب می گویند.

مدیریت افغانستان در تداوم حاکمیت های ائتلاف و معامله، زمانی که نقش رنگین پول، حرمان مهاجران کشور های خارجی را برای مسرت بدون کار و زحمت زیاد جلوه می دهد، به زودی به غمگسارانی می رسیم که یاد گرفته اند بلبل باشند، اما نمی دانند چهچیه ی آن پرنده ی نگونبخت که وقتی اسیر است، از غم می زند، در زدن به کوچه ی علی چپ، مشغول اند که گویا اگر کس یا کسانی در راس مملکت و ملت، وجایب رسمی به جا می آورند و چرخه ی حکومت، فقط با رنگ امضاء در حاضری، به مطلوب در استمرار زمان می رسد، در حالی اشتباه می کنند که نفرت مردم از درک فصل نو دشواری ها، به کسانی حواله می شود که در توزیع امتیازات غیر قانونی قارون شدند و افسوس که در نبود آزرم این کردار، از سهم مردم کلان بُریدند تا کسانی خرسند شوند که در هرازگاه فرصت ها در نمونه ای که سمبول وحدت ملی در تالار لویه جرگه را تفهیم کردند: «بسیار اشتباه کرده ای!»، وانمود می کردند آن چه در باب اخوت و برادری گفته اند، واقعاً به خیر مردم است؟

التهاب ناشی از جراحات مدیریت در ارگی که پس از فرصت های اراده و نظم، فصول خونین دارد، ماجرای آینده ی سیاسی

کشور ما را به گردابی می کشاند که برگ های این کتاب با گزیده ای از هزاران افسوس، ثابت می سازند اعتماد مردم بر عواملی که در زمینه ی منطقی تجربیات مردم داری و دولرداری شکل نگرفته باشد، در نسخه ی نوع شتاب، بیشتر شبیه سبزی و پالک می شود. می گویند این دو ترکاری، زود رشد می کنند، اما خاصیت آنان در توضیح جامع الکمالات، خطای عقلی، بصری و ادراکی دارد.

کتاب «ناگفته های ارگ»، در به دنبال همان واقعیت هایی رفته است که وقتی از شر حضور فاسدان، به فراغت فکری در باب دیگر می شویم، به خوبی افاده می کند سیستم اداری افغانستان در نوعی که زیر اثر مردمان بی دوسیه بود، زمانی مکدر می شود که گروه نو، در توجیه منافع ملی، در واقع سهم خیانت های خودشان را خواسته اند و در ماحصل این اندوه، امید مردم از کسانی بُریده می شود که فکر کرده بودند در شرکت سهامی افغانستان که جامعه ی جهانی از باب عناصر ناباب، تحمیل کردند، اگر کسانی نیز حضور دارند که فاسد نبودند، حقیقت این که اکثریت اعضای دور از وطن، در خط ماموریت در موسسات خارجی، ممثلانی بیش نیستند که در تجربه ی حکومت به اصلاح وحدت ملی، چنه زنی از نوع ابقایی که فساد را تطهیر می کند، به خوبی در این کتاب، تفهیم می کند در آینده ی سیاسی پیش رو، در دشواری هایی که مازاد تجربیات تلخ بیش از یک دهه اند، در انتخاب زعیم و مسوول، متعصب نباشیم.

زمان می گذرد و در برگ های سرنوشت، در آن هایی که نفس ما حیات می سازد، باز هم در تنازع بقا، فرصت داریم تا نه فقط برای

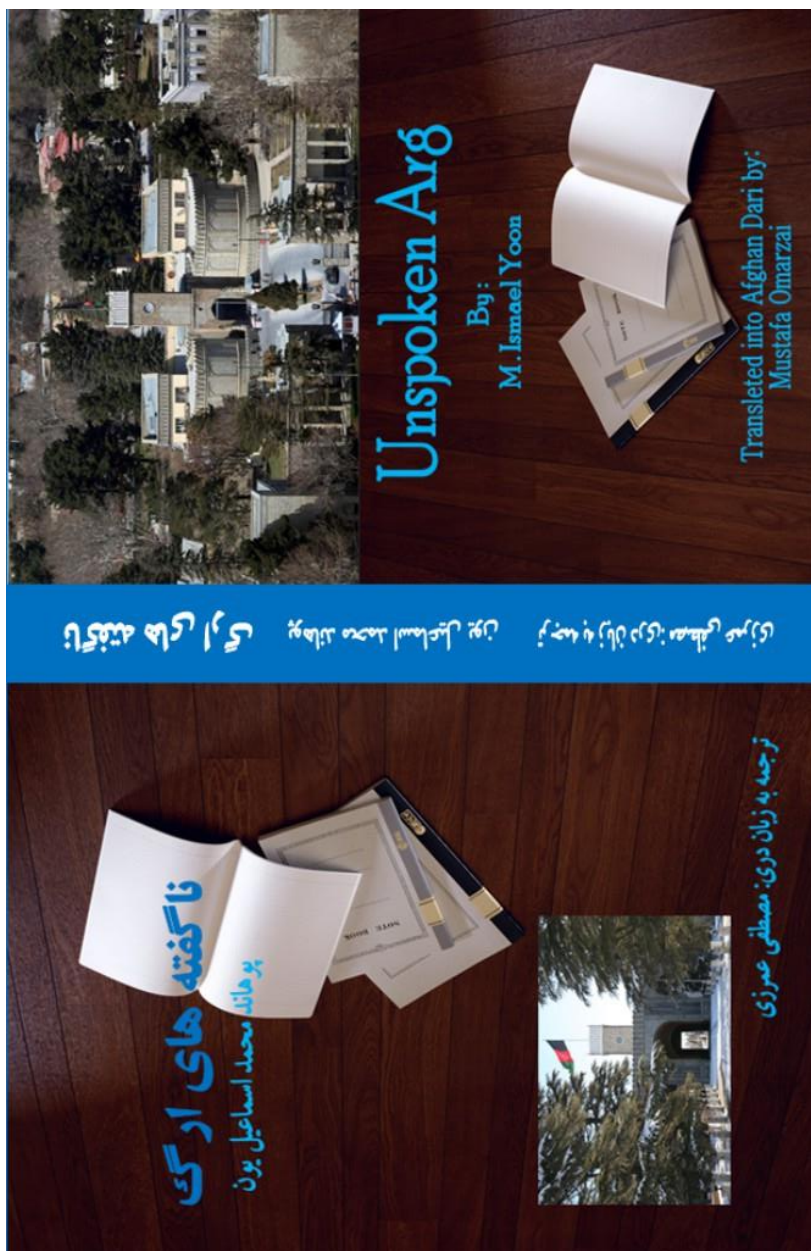
کتاب های من / ۱۷۱

حقی که از زنده گی یافته ایم، در انتخاب سالم، میلان زنده گی ما، تنها رو به افت نباشد، بل در حقیقت فراز و فرود، به بلندی هایی برسد که از تدبیر، به کردار خوب، جامعه را برای رفاه و آسایش، مجال می دهند.

کتاب «ناگفته های ارگ»، شرحی ست از متن اداره ای که اگر میزان توجه مردم بر واقعیت های کس و کسان، در ناگزیری های انسان شکم گرسنه، میلانی نمی شد، سال ها پس از انبوه لشکر، هزینه های گزاف و باران پول، اعتراف نمی کردند «یک هفته بدون کمک خارجی، جان نداریم» و مُعضل ما به چاهی نمی ماند که پس از سال ها هراس دارند هرچه می اندازند، غایب می شود! لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13077>

کتاب های من / ۱۷۲



– نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی

نگرش تقدس گونه بر میراث های گذشته، شاید نسبت به هر کجای دنیا، باعث تسکین روانی باشندگان جهان سوم شود. برای ما که عادت کرده ایم هنگام کم آوردن، خود را در گذشته رها کنیم، «خود رهایی» در اعماق تاریخ که مسئله ی ماضی ست، آن مشغله ی ذهنی می آفریند که سهم عمده ی آن، تخیل به جای واقعیت می شود.

در این که بخشی از دارایی های فرهنگی و تاریخی ما به گذشته تعلق دارد و از مواردی در گونه هایی از غنای ادبی هم هست، حرف نداریم. زیر سایه ی سنت ها و آن چه به اصطلاح افتخارات شمرده می شوند – ولو کذایی – روند انبارداری و افزودی بر آن را ادامه خواهیم داد، اما آیا زمان آن فرا نرسیده تا تخیل را به جای مستند تاریخی، عوض نگیریم؟

متأسفانه بخشی از تفکر راسیستی، محصول دنیا های گذشته ی حوزه ی زنده گی در جهان سوم است. نگرش تقدس گونه بر فرهنگ و میراث های قدیمی، هرگز اجازه نداده پدیده ی منفی قومگرایی، تفاخر تباری و زبانی و بالاخره فزون خواهی های انحصاری را سوای آن چه میراث استعماری بودند نیز وضاحت دهیم.

با نشر این کتاب در حالی که کاری با حجم ها نداریم، می خواهیم بگویم هیچ الزامی وجود ندارد تا به بهانه ی مفاخرات، از هر قیدی تابو و توتم بسازیم و در بستر عقب مانگی ها افتخار کنیم تا مرز های انسانی ما به نفع عصییت های نژادی، کشور – دولت های تعصب انفرادی و قومی در عمق جهان سوم شوند.

– نوستالژی خارجی

ما با چند نوع پدیده ی خارجی، آشنایی داریم. یک نوع آن که تا اوایل قرن بیست میلادی، دامنگیر ما بود، وبای استعمار انگلیس بود.

پس از تقویت بُنیه ی سیاسی کشور و توسعه ی مناسبات بین المللی، پدیده ی خارجی در تجارت و رسمیات دیپلماتیک، ظاهر می شود.

آرامی های افغانستان قبل از جنگ، خارجیان زیادی را به وطن ما می کشاندند که زیر آسمان نیلی معروف آن، در کنار یک جامعه ی قانونمند و در حال رشد مدنی، جاذبه های توریستی فراوان می یافتند.

با تجاوز اتحاد شوروی، پدیده ی خارجی، متحول می شود. افزون بر نعلش کشی افغان های قربانی و مجروح، سرگردانی آنان در سراسر کره ی خاکی / خارجی، در حالی صورت می گرفت که در داخل کشور شان، شعار های «خانه، نان و لباس»، گوش فلک را پُر کرده بودند.

فاتحان یا یک بخش مُهره های جنگ سرد (جهادست ها) هم مردم را به کفن کش سابق، پشیمان کردند. در این «نوستالژی خارجی»، سیر حوادث به تیاتری می ماند که جایش تغییر نخورده، اما شکل و اجزایش متغیر شده اند. افغان هایی که خارجیان / توریست های سال های آرامی افغانستان را به یاد داشتند، به فکر شان خطور هم نمی کرد که بعداً همان ها یا فرزندان شان حتی در مقدرات سیاسی ما دخیل می شوند.

کتاب های من / ۱۷۶

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13392>



- ویرانگری

خاطرات بد ملوک الطوائفی تنظیمی را هیچ افغانی فراموش نمی کند. مدعیان جهادی و ضد گذشته ی مدنی ما، چند سده حیثیت و پرستیژ کشور را در زمینه ی مدنیت ها و فرهنگ های نو و قدیمی آن، چنان به تاراج بُردند که حالا می فهمیم ساختن، آسان نیست! آن چه تا قبل از هشت ثور، حتی در دشواری های حاکمیت های چپی، اکثراً در محور شهر ها، به نام تاسیسات بزرگ، زیر بنا ها و رونق رفاهی حفظ شده بودند، با تجهیزات اردویی نابود شدند که برای فتح چند کشور، از میراث نظامی سنگین حکومت های پس از هفت ثور، باقی مانده بودند و در یک حاکمیت ملی، می توانستند نیاز های کامل دفاعی ما را برآورده کنند. در این زمینه، نه فقط حرف و حدیث، بل آن قدر تاریخ صوتی و تصویری داریم که به راحتی می توانند جلو گُل مخالفان را بگیرند؛ اما آن چه بسیار مکدر است، بحث با کسانی ست که صرف با مصرف امور دینی - مذهبی تبارز می کنند و در حالی که یاد شان رفته چه کرده بودند/ می کنند (فاجعه ی تخریب و سقوط کشور در چهار سال و سال های اخیر) بر آن نخبه گان روشنفکر افغان - از تمام اقوام - می تازند که سعی می کنند با تنویر مردم، جامعه را به آرامش های قبل از طوفان، رهنمون شوند.

از جالب ترین بحث های عوامل تخریب ملی، یکی این است که گویا «روشنفکران افغان سیکولر اند!» مردم ما می گویند تا حالا هم ندیده اند که حتی یک تن از افغان های فعال فرهنگی - مدنی سال های اخیر، حتی یک دانه مورچه را کشته باشد. لینک داندلود:

کتاب های من / ۱۷۸

<https://www.ketabton.com/book/13138>



- هنر در سینمای افغانان

در سال ۱۳۲۷ش فلم «عشق و دوستی»، نخستین تجربه ی سینمایی افغانان در پدیده ای بود که هرچند از معرفی آن در افغانستان (سلطنت مرحوم امیر حبیب الله خان) سال هایی سپری می شد، اما نبود جایگاه و عوامل تاثیرگذار و زمینه ساز، گسترش آن را بطی می ساختند.

از سال ۱۳۲۷ش الی اوایل دهه ی ۴۰ شمسی که با تاسیس موسسه ی دولتی «افغان فلم»، قدرت و خلاقیت سینماگران افغان با ساخت فلم هایی چون «روزگاران»، اهمیت سینما جهت تنویر و ایجاد ذهنیت های مثبت را متبارز می ساختند، تا دهه ی شصت شمسی که هرچند هنر هفتم با چرخه ی حاکمیت ایدئالوژیک می چرخید، اما با وقوف از تاثیرات شگرف، سرمایه گذاری های کلان دولتی، سینمای ما را در جایی قرار می دهند که اگر مبالغه نشود، یک فصل درخشان سینمای بین المللی، تذکار افغانی نیز دارد.

انجنیر لطیف احمدی و صدیق برمک (دو فلم ساز معروف افغان) از نخبه گان دهه ی طلایی (۶۰) سینمای افغانی اند. در واقع ساخت فلم معروف «اسامه» با پشتوانه ی تجربیاتی ارائه شد که صدیق برمک، از تجربه ی کار در سینمای افغانستان داشت.

با نشر کتاب «هنر در سینمای افغانان» که در کنار محدود آثار این چینی در کشور معرفی می شود، تلخیصی از سینمای هنری افغانستان را ارائه کرده ام که از آغاز تا اوج، زوال و بالاخره شروع دیگر (حاکمیت حامد کرزی) که بیشتر در حد «مرغ مقلد» فلم های پاکستانی - هندی می ماند، به این اهم پردازیم:

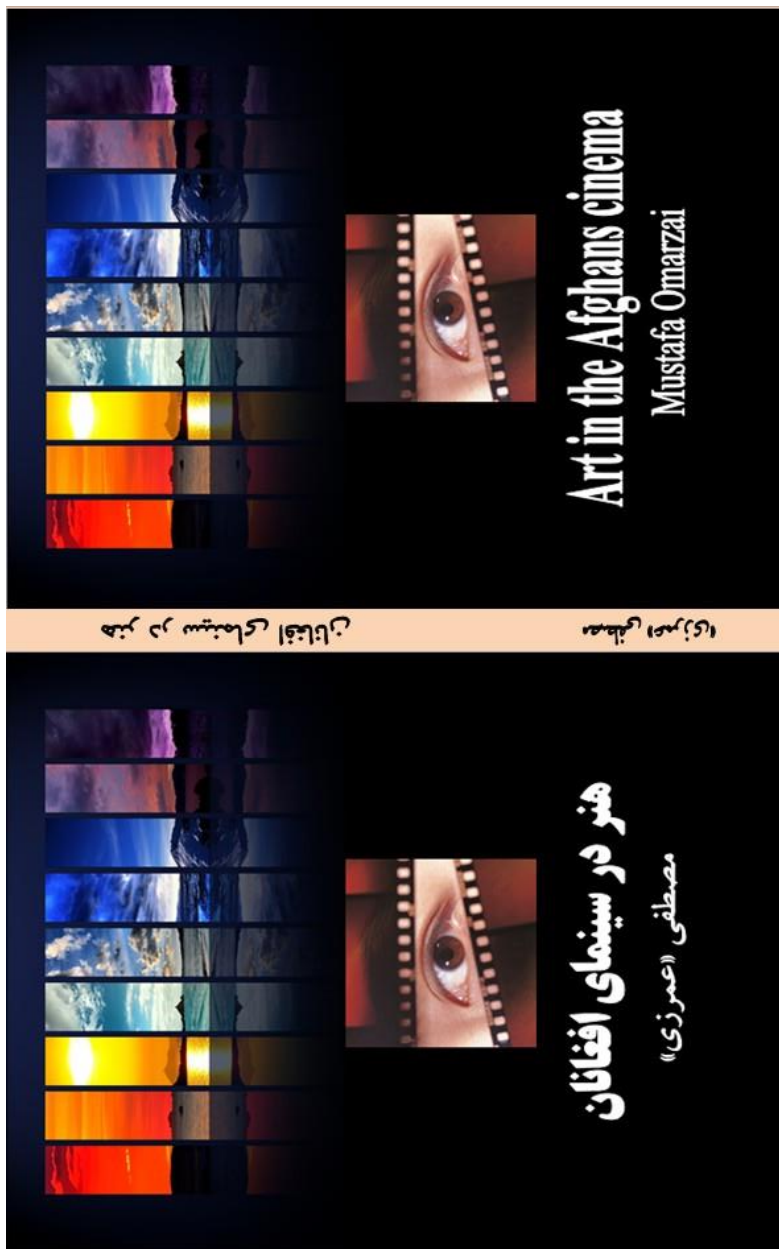
کتاب های من / ۱۸۰

در حالی که توجه بر تعمیم وسایل تنویر همه گانی، رشد فکری را زاده است و در برابر آسیب های اجتماعی-سیاسی، ممد خوب روشنگری می شود، سینمای هنری-افغانی پس از فراز، در حالی بقا می یابد که متاسفانه قادر نیست خلایی را پُر کند تا جهت محو ناهنجاری های اجتماعی، آگاهی ها را از طریق این پدیده ی شگفت انگیز نیز همه گانی بسازیم.

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/12867>

کتاب های من / ۱۸۱



- یک قرن در تاریخ و افسانه

صد سال تاریخ معاصر افغانستان، به ویژه از امارت عبدالرحمن خان تا ریاست جمهوری حامد کرزی، قلب جریان هایی نیز بود که در مسیر ده دهه، در تمام تار و پود سرزمین ما تپیده اند. از ویژه گی های این صد سال، رویداد هایی اند که مردم ما را در قرابت با یک سده آگاه و بیدار کردند با نگرش و داوری خودشان نیز نتیجه بگیرند. معنی این شرح در این نهفته است که ماضی، در تامل کسانی منحصر نمانده که واقعه نگار یا مورخ، نامیده می شوند.

در کشور ما، اگر از تخلیقات و تالیفات بزرگان بی طرف بگذریم، آن چه پس از نگارش های آنان خلق شده اند، بیشتر در جعلیات، تحاریف و بزرگنمایی هایی محدود مانده اند که به ویژه پس از آغاز بحران (هفت ثور) تا پایان امارت اسلامی، چپی بوده اند یا جهادی، یا تنظیمی شده اند و بعضی هم در نسخه های بیرون رفته گان (مهاجران) خالی از خیالبافی نمانده اند.

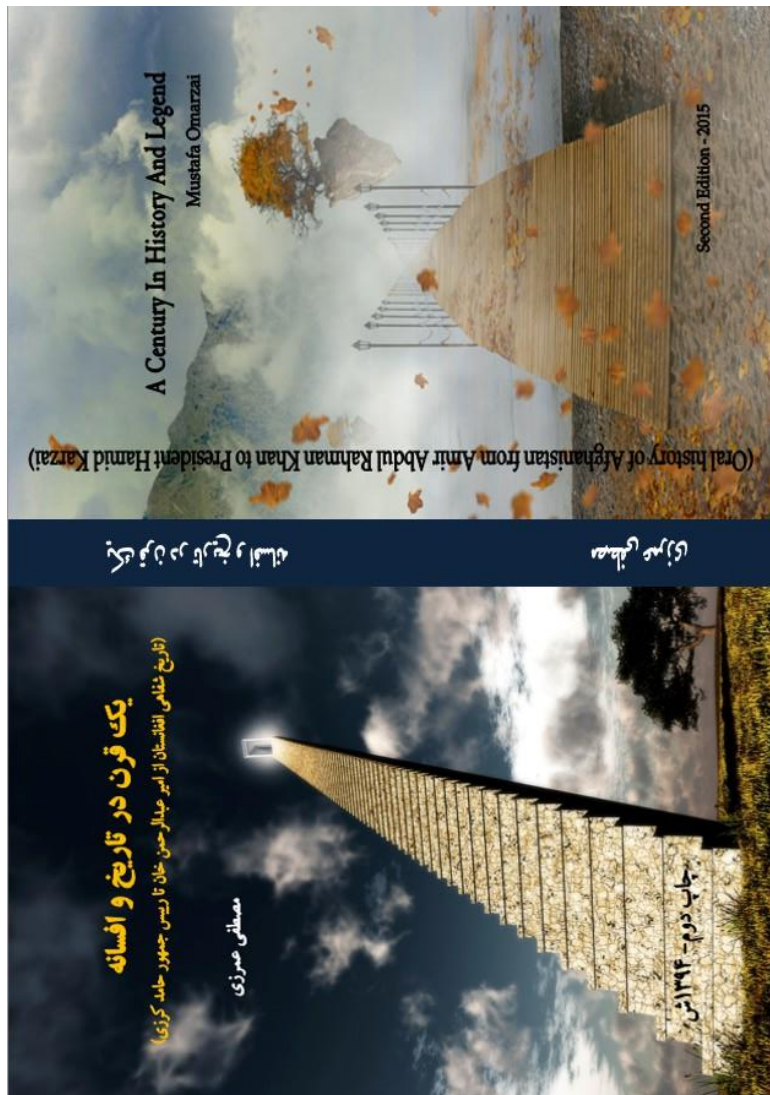
با انتشار کتاب «یک قرن در تاریخ و افسانه»، «جامانده گی» نگرش و داوری مردم را جا داده ام و کوشیده ام نخستین تاریخی نیز به میان آید که ضمن شرح ماجرا از شعور ملت افغان، تفهیم می کند: نسخه های دیگری هم خلق خواهند شد که در آن ها نیازی به توجیه میلان های حزبی، تنظیمی، قومی و بیگانه یی نباشد.

محتوای کتاب «یک قرن در تاریخ و افسانه»، نگرش و داوری افغان هاست و آن چه در آن به من تعلق دارد، قلمی ست که بیشتر از توان ادبیاتم رفته است.

کتاب های من / ۱۸۳

لینک دانلود:

<https://www.ketabton.com/book/13376>



مصطفی عمرزی



- معرفی مصطفی «عمرزی»
- (نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)
- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ش در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸ش.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزش شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:

عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشرات، مسوول طرح و ارزیابی، مسوول واحد فرهنگی و همکار رسانه یی در نهاد ها و رسانه هایی چون «اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان»، «اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان»، «انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان»، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون «۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، گاهنامه ی «باختر» (منتشره در استرالیا)، روزنامه ی «هیواد»، وب سایت «تپول افغان»، وب سایت «تپول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپاڼه»، وب سایت «کتابتون»، واحد تولید «آمو فلم» و تیم انتخاباتی «صلح و اعتدال» به رهبری محمد حنیف اتمر.

آفرینش های کاری - فرهنگی

برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:

۱- برنامه ی مستند تاریخی «یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون

«باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

۲- برنامه ی مستند تاریخی «آینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸

قسمت ۲۴ دقیقه یی.

۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴

دقیقه یی.

۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.

۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی)

در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.

تخلیقات:

۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی) - منتشر شده است.

۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی - اجتماعی) - منتشر شده است.

۳- مرز و بوم (تاریخی).

۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان) - منتشر شده است.

۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).

۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان

از ۱۹۰۰م تا ۲۰۰۰م) - منتشر شده است.

۷- افغاننامه (مشاهیر افغان) - منتشر شده است.

۸- پشتون ها (تحلیلی) - منتشر شده است.

۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).

۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی - اجتماعی).

۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).

۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی

سرخط) - منتشر شده است.

۱۳- با زبان دری (تحقیقی - تحلیلی) - منتشر شده است.

۱۴- روزگار (نوستالژی).

- ۱۵- پاسخ (واکنش ها).
- ۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
- ۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
- ۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
- ۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
- ۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
- ۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).
- ۲۲- افغان زمین (مجموعه نوشته های منتشره در مجله ی اوربند).
- ۲۳- در محور بنیان اندیشی (بازنگری و تدقیق تاریخ).
- ۲۴- سمتی و ستمی (تبیین گرایش های منحرف قومی و روحانیت مزدور و عقب گرا).
- ۲۵- افغان ها (در زمینه ی تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی).
- ۲۶- فساد نزدیک (تبیین زمینه ی اشتراکات).
- ۲۷- ما همه «افغان» استیم! (ضد افغان ستیزان).
- ۲۸- کتاب های من (معرفی کتاب های مصطفی عمرزی).

جزوه ها:

- ۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
- ۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
- ۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

- ۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ش تا امروز)- منتشر شده است.
- ۲- دُر دری (پیشینه و مقال زبان دری).

گردآوری ها:

- ۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.

کتاب های من / ۱۸۷

- ۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان) - منتشر شده است.
- ۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
- ۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
- ۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه) - منتشر شده است.
- ۶- مُنحَنِ تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی) - منتشر شده است.
- ۷- آریایسم (تنقید پدیده ی آریایی) - منتشر شده است.
- ۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار) - منتشر شده است.
- ۹- دری افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن) - منتشر شده است.
- ۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی) - منتشر شده است.
- ۱۱- کتاب من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
- ۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
- ۱۳- آرکایسم (تنقید باستانگرایی) - منتشر شده است.
- ۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
- ۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
- ۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزرگر).
- ۱۷- افغان ها و انگلیس ها (مجموعه ی تصاویر افغانستان، افغان ها و انگلیس ها در قرن ۱۹).
- ۱۸- رنسانس افغانستان (عمران افغانستان در سه سده ی پسین).
- ۱۹- افغان ها قبل از جنگ (سیمای زنده گی مدنی ملت افغان).
- ۲۰- صلح و اعتدال (مجموعه ی نوشته ها و ترجمه های مصطفی عمرزی در تیم انتخاباتی صلح و اعتدال به رهبری محمد حنیف اتمر).
- ۲۱- ویرانگری؛ فاجعه ی سکوی دوم (سیمای بدترین تاریخ افغانستان).

- ۲۲- اتحاد شوروی در افغانستان (تجاوز، جنایت و فرار).
- ۲۳- قبرستان امپراتوری ها (تاریخ افغانستان در کارتون ها).
- ۲۴- چهره های سیاسی افغان (از میرویس هوتکی تا محمد اشرف غنی).
- ۲۵- نوشتارهای خارجی (خارجیان در افغانستان).
- ۲۶- تنقید روحانیت مرتجع (بخشی از آراء و افکار علی محقق نسب).
- ۲۷- روشنگری و روشنفکری (بخشی از آراء و افکار رفعت حسینی).

ترجمه ها:

- ۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۱۱- مشی «تحریک ملی افغانستان» - در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.
- ۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان» - در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.

کتاب های من / ۱۸۹

۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.

۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.

۱۵- مرامنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.

۱۶- ناگفته های ارگک: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها
کتاب ها و نشریات:

«سایه بان بی سایه» (مجموعه ی داستان های دری)، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواک؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکیمیت انگلیس در سیستم»، «زنده گی امیر دوست محمد خان- جلد اول»، «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالک قادری) و «خانقاه عشق» (مجموعه ی شعر دری).

فلم ها و برنامه های تلویزیونی:

«مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی «همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).
تأییدات فرهنگی- مدنی:

- ستایشنامه ی «پوهنځی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.

- ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.

- ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.

- ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.

My Books

(In Alphabetical Order)

Mustafa Omarzai



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library